

سالی ۲۸
دی ۸۴ شمسی
طروت ۵۷۶۶ هجری
ژانویه ۲۰۰۶ میلادی

ماہنامہ **بینا**

آفتاب
بینا

חנוכה

חנוکا، جشن نور



گروه هم آمدن برای گفتگو



BUILDING COMMUNITATION THROUGH DIALOGUE

در دانشگاه الهیات لندن

Theology the University of London

۱۷ تا ۲۰ اکتبر ۲۰۰۵

۲۵ تا ۲۸ مهر ماه ۱۳۸۴

سپینه

אפיק

בִּינָה

فرهنگی - اجتماعی - خبری
ارگان انجمن کلیمیان تهران

سال هفتم - شماره ۲۸

دی ۱۳۸۴ شمسی

طبت ۵۷۶۶ عبری

ژانویه ۲۰۰۶ میلادی

مدیر مسئول و سردبیر :

هارون یشایایی

هیئت تحریریه :

دکتر یونس حمامی لاله زار - رحمن دلرحیم
سیما مقتدر - آلبرت شادپور - سارا حی
ماهییار کهن‌باش - شرکان انورزاده -
لیورا سعید - بیژن آصف - الهام مؤدب -
مریم حنا سبازاده - فرهاد روحانی -
مرجان ابراهیمی - امور هماهنگی هیئت
تحریریه: لنا دانیالی
و مسئولان نهادهای انجمن

امور اداری - امور داخلی - امور مالی و
اشتراک - حروفچینی و صفحه‌آرایی:

نسترن جاذب

امور اجرایی: نوید هارون‌شیلی

پشتیبانی رایانه‌ای و اینترنت:

مرکز کامپیوتر انجمن کلیمیان تهران

الهام آبانی

اسکن عکس‌های داخل مجله:

دبیرخانه انجمن کلیمیان - شیوا آقابالا

طراحی جلد: بهنام هرمان مقدم

عکس‌ها: داوود گوهریان - لئون رفوا

لیتوگرافی و چاپ: مکابی گرافیک

صحافی: نصر

نشانی نشریه: تهران

خیابان شیخ‌هادی - شماره ۳۸۵

طبقه سوم کد پستی ۱۱۳۹۷-۳۳۳۱۷

تلفن: ۶۷۱۶۴۲۹ - نمابر: ۶۷۰۲۵۵۶

نشانی الکترونیکی:

bina@iranjewish.com

پایگاه اینترنتی:

www.iranjewish.com

• نشریه در ویرایش و کوتاه کردن مطالب آزاد است.

• نقل مطالب از نشریه با ذکر منبع و نویسنده
بلامانع است.

بینا - תבנית - در عبری به معنای

آگاهی و بصیرت است

• سرمقاله: کارنامه هیئت مدیره انجمن کلیمیان تهران در دوره‌ای که گذشت / هارون یشایایی / ۲

• حنوکا: جشن نور / رحمن دلرحیم / ۴

• اخبار و رویدادهای کلیمیان ایران / ۵

• درگذشت جناب حاخام اوریل داویدی مرجع دینی کلیمیان ایران تا سال ۱۳۷۲ / ۹

• هیتلر نامی بیش نبود / ۱۰

• سیر تحولات روحانیت در دین یهود / هوشنگ کریمی / ۱۴

• آئین بزرگداشت لرد دیوید آلیانس در لندن / ۱۶

• هدیه‌ای برای جشن حنوکا / حمیده مسجدی / ۱۸

• گردهم آمدن برای گفتگو / هارون یشایایی / ۲۰

• یهودیان جهان، جمهوری چک / سیما مقتدر / ۲۲

• به یاد یهودی منوهین ویولونیست و هنرمند انسان‌دوست / رامیار بهزادی / ۲۵

• اظهارنظر همکاران ما در انجمن کلیمیان تهران / ۲۶

• گنجینه خنده «گفتگو با منوچهر آذری» / مهدی جوانبخت سامانی / ۳۰

• بخش هنری / ۳۳

• یهودیان ایران از دیرباز تا امروز / شادروان مهندس عزیز دانش‌راد / ۳۵

• نقش عوامل روان‌شناختی در پیشگیری از بیماری‌های قلبی - عروقی / مریم حنا سبازاده / ۳۸

• معرفی کتاب / ۴۰

• خشم صهیونیست‌های افراطی از فیلم تازه «استیون اسپیلبرگ» / ۴۲

• نامه‌های شما رسید / ۴۳

• بخش کودکان / سارا حی / ۴۴

• عبری بیاموزیم / رحمن دلرحیم / ۴۶

• حساب حروف ابجد / رحمن دلرحیم / ۴۸

تقاضای اشتراک نشریه افق بینا

نام / موسسه :
آدرس دقیق پستی :
کد پستی :
تلفن : شماره فیش پرداختی :

برای اشتراک ۶ شماره مبلغ ۳۰۰۰۰ ریال را به حساب جاری شماره ۲۴۸۹ بانک
ملی - شعبه ملک (شیخ‌هادی) کد ۴۵۶ به نام «انجمن کلیمیان تهران»
(قابل پرداخت در تمام شعب بانک ملی) واریز کرده و فیش بانکی را به همراه
تقاضای اشتراک به نشانی: تهران - خیابان جمهوری اسلامی - خیابان شیخ‌هادی
شماره ۳۸۵ - طبقه سوم - کد پستی ۱۱۳۹۷-۳۳۳۱۷ ارسال نمایید.

کارنامه هیئت مدیره انجمن کلیمیان تهران در دوره‌ای که گذشت

با تشکر از حمایت جامعه کلیمیان ایران و همکاری نهادهای مختلف دولتی جمهوری اسلامی ایران و ایرانیان یهودی مقیم خارج از کشور که امکان فعالیت و تمربخشی هیئت مدیره انجمن کلیمیان تهران را فراهم آوردند.

با یقین به این که هیچ دوره‌ای از ادوار تاریخ انجمن تاکنون دوره‌ای فعال‌تر و خدمتگزارتر و مفیدتر به حال کلیمیان ایران از دوره کنونی که با انتخابات ۱۶ دی ماه ۱۳۸۴ و قانونیت یافتن انتخاب‌شدگان پایان می‌پذیرد نبوده است.

اینک کارنامه این دوره را برای اطلاع همکیشان و خوانندگان عزیز و ثبت در تاریخ، فهرست‌وار و بدون رعایت اولویت‌ها به اطلاع می‌رسانیم.

ما معتقدیم این کارنامه موفقیت‌آمیز در خدمت ملت بزرگوار و جامعه کلیمیان ایران و یهودیان شرافتمند جهان بوده است.



۱- نشریه بینا که اینک در دست شما است تنها نشریه‌ای است که در ۵۰ سال اخیر از طرف انجمن کلیمیان منتشر شده و از اعتبار و مقبولیت در بین خوانندگان خود در سطح جهانی برخوردار است و وسیله ارتباطی بسیار مهم با سایر هموطنان می‌باشد.

۲- کتابخانه مرکزی کلیمیان ایران، تا آن جا که می‌توان تاریخ یهودیان ایران را مطالعه کرد وجود نداشته و اینک با حدود سی هزار جلد کتاب مرکز مراجع محققین و جوانان علاقمند می‌باشد.

۳- مرکز کامپیوتر انجمن کلیمیان که وسیله موثری در کمک به چاپ نشریه بینا می‌باشد و تاکنون ۱۲ مورد کتاب‌های مذهبی یهود و فرهنگ یهود را آماده و چاپ نموده است و یک جریان فعال فرهنگی در بین جوانان یهودی به وجود آورده است و در کار چاپ فرهنگ حیییم ستون اصلی است.

۴- اقدام به بازخوانی و انتشار فرهنگ فارسی - عبری مرحوم سلیمان حیییم که بزرگ‌ترین گنجینه علمی و میراث این مرد فرهیخته می‌باشد.

می‌کنند و آشنایی آنها با محیط و فرهنگ یهود.

۸- شرکت در بیش از ۶۰ جلسه در زمینه تفاهم بین ادیان در ایران و خارج از کشور با همکاری سایر سازمان‌های غیریهودی.

۹- سازمان‌دهی و ترتیب نظام دقیق اداری و مالی و حسابداری در دبیرخانه انجمن کلیمیان تهران و ایجاد واحد پاسخگویی کارشناسانه به سؤالات شرعی مراجعین.

۵- بازگشایی ۲ مهدکودک «یلدا یک» و «یلدا دو» که اصولاً تعطیل شده و به محیط متروکه تبدیل شده بود.

۶- سازماندهی اداره مدارس اختصاصی کلیمیان و بهبود کیفیت تحصیلی دانش‌آموزان با وجود کم شدن محسوس تعداد دانش‌آموزان و مشکلات ناشی از آن.

۷- تشکیل کلاس‌های آموزش دینی و فرائض برای دانش‌آموزان کلیمی که در مدارس عمومی تحصیل

و اثبات مالکیت و مدیریت جامعه کلیمی بر این میراث بزرگ که مراحل نهایی آن طی می‌شود.

۲۹- طرح شکایت از یک مورد از املاک جامعه کلیمیان ایران واقع در خیابان فلسطین که مراحل قانونی خود را طی می‌کند.

۳۰- تملیک تمام پلاک ثبتی سرای سالمندان و مدارس جنبی آن و قطعات کناری و دریافت سند جداگانه برای هر یک و تبدیل به احسن نمودن یکی از موارد مجزا شده.

۳۱- خرید یک قطعه ملک برای ایجاد نهادهای مربوط به جامعه کلیمیان اصفهان و آغاز بهره‌برداری از آن در ماه اخیر.

۳۲- خرید یک قطعه زمین در شیراز برای سالن اجتماعات و جشن‌های شیراز به نام سالن شالوم و پرداخت هزینه‌های مربوط به احداث آن.

۳۳- خرید دو قطعه خانه در جوار کنیسا ربیع‌زاده با کمک مردم شیراز.

۳۴- تملیک و تبدیل به احسن نمودن مدرسه ابن‌سینا در شیراز.

۳۵- تملیک اراضی جنب گورستان قدیمی شیراز.

۳۶- تملیک و ساختمان مقبره ملا موشه هلوی در کاشان و استراحتگاه کنار آن.

۳۷- بازسازی سالن بهشتیه تهران و جدول‌گذاری و آسفالت محوطه بهشتیه تهران و شماره‌بندی گورهای موجود.

این لیست طولانی مواردی از اقدامات انجام شده در دوره جاری انجمن کلیمیان تهران است، بی‌تردید حافظه تاریخی مردم با انصاف و تاریخ جامعه یهودی ایران این دوره درخشان در عمر طولانی انجمن کلیمیان تهران را فراموش نخواهد کرد و امیدواریم آیندگان نیز این خدمات را همچنان ادامه دهند. ■

هیئت مدیره انجمن کلیمیان تهران
دی ماه ۱۳۸۴

انجمن در اداره - تملیک و در مواردی بازستانی املاک و اقدام به شکایت قانونی در مواردی که حقوق جامعه کلیمیان ایران نادیده گرفته شده باشد.

۱۸- بازسازی و تجهیز تالار اجتماعات محبان به طوری که سالانه بیش از ۲۵ همایش عمومی و تعداد زیادی جلسات و گردهمایی‌های کوچک‌تر در آن تشکیل می‌شود.

۱۹- ساختن سالن اجتماعات برای عروسی‌ها و جشن‌ها در مجتمع کورش که مورد استقبال همکیشان قرار گرفته است.

۲۰- خرید و تملیک ملک مرحوم آلبرت ریخانیان و همسر ایشان، ویکتوریا لاهیجانی در خیابان بزرگمهر.

۲۱- خرید و تملیک منزل مرحوم دکتر نورمند و تبدیل آن به دوره ابتدایی مدرسه موسی‌ابن‌عمران و محل استقرار نماینده کلیمیان در مجلس شورای اسلامی.

۲۲- خرید و تملیک ملک متعلق به مرحوم جهانگیر یرمیان در اراضی ونک.

۲۳- خرید و تملیک ملک معوض سه هزار متر زمین در اراضی شمال تهران کنار بلوار آیت‌الله حکیم برای احداث مرکز فرهنگی و رفاهی کلیمیان ایران.

۲۴- خرید و تملیک قسمتی از بیمارستان دکتر سپیر از سازمان اوقاف و تجمع آن در کل مساحت بیمارستان.

۲۵- خرید و تملیک حمام کشوریه از ورثه مرحوم سلیمان سنهی و کشور خانم همسر ایشان.

۲۶- ایجاد سردخانه برای نگهداری مرغ کاشر به صورت بهداشتی و توزیع آن از طریق مرغ‌فروشی‌های کاشر که ساختمان و تجهیزات آن به اتمام رسیده است.

۲۷- تعدیل اجاره کلیه املاک متعلق به انجمن کلیمیان تهران و رفع تعرض از آنها.

۲۸- اقدام به دریافت صدور مجوز برای دیوارکشی گورستان قدیمی گیلارد

۱۰- ایجاد ارتباط منظم با سازمان‌ها و نهادهای دولتی در امور جاری انجمن و حضور بانوان و جوانان کلیمی ایران در ۷ کنفرانس جهانی در نقاط مختلف جهان و شناساندن فرهنگ ایرانی و ایرانیان یهودی.

۱۱- ارتباط دائم با دادگاه‌های مربوط به احوال شخصیه کلیمیان و دریافت پاسخ از جناب حاخام یوسف همدانی‌کهن و ارسال پاسخ شرعی به دادگاه‌های مدنی.

۱۲- کمک به ثبت قانونی سازمان بانوان یهود ایران و فعال نمودن سازمان‌های جوانان و دانشجویان و تشویق به حضور آنها در امور اجتماعی و مشارکت عملی آنها در کارها و کمک به آموزش اجتماعی برای قبول مسئولیت‌های جامعه کلیمیان ایران.

۱۳- سعی در مستقل بودن و خودکفایی کنیساها و در موقع لزوم کمک به نهادهای کنیسا برای بهبود موقعیت آنها.

۱۴- ایجاد ارتباط بین کلیمیان شهرستان‌های مختلف و اعزام جوانان و بانوان به شهرهای مختلف و تشکیل همایش سراسری جوانان یهودی در تهران.

۱۵- کمک به احیای بیمارستان دکتر سپیر و بازسازی و تجهیز آن که اینک به بیمارستان مدرن و مجهز خیریه در سراسر کشور تبدیل شده و در خدمت همکیشان کلیمی و سایر هموطنان خود می‌باشد و از طرف جمهوری اسلامی ایران به عنوان واحد خیریه نمونه معرفی شده است.

۱۶- بازسازی و سازماندهی سرای سالمندان یهودی ایران به طوری که این واحد رفاهی به یکی از واحدهای افتخارآمیز جامعه کلیمیان ایران تبدیل شده و همواره به عنوان واحد نمونه مورد تشویق و تأیید مقامات مسئول قرار گرفته است.

۱۷- اقدام به تقویم املاک و دارایی‌های عمومی انجمن کلیمیان تهران و تلاش به حفظ حقوق قانونی

חנוکا: جشن نور

رحمن دلرحیم



حشمونائیم با افروختن چراغ
חנוکا پیروزی خود را در معبد
مقدس جشن گرفتند و فریاد
خداپرستی و توحید سردادند و
دنیای تاریک زمان خود را روشن
نمودند.

در طی سال‌های ۱۶۶ و ۱۶۵ قبل
از میلاد موفق شد سپاهیان انتوخوس
را به کرات شکست دهد و سرانجام
موفق به تصرف شهر اورشلیم گردید.
اولین اقدام فاتحین پاک کردن معبد و
تعمیر و تطهیر آن بود، سپس در روز
بیست و پنجم ماه کیسلو سال ۱۶۵
قبل از میلاد، پس از نه سال بار دیگر
بت همقدش را با مراسم مذهبی و
جشن و سرور افتتاح کردند. این
مراسم هشت روز طول کشید و به
یادبود آن مراسم حنوکا را به مدت
هشت روز برگزار می‌کنند. ■

بت‌پرستی را بر آنها
تحمل می‌کردند ولی
مردم شجاع یهودا، ترک
شهر و دیار را بر تغییر
مذهب ترجیح می‌دادند
و به بیابان و کوه‌ها

می‌گریختند و عاقبت پرچم طغیان را
بر علیه یونانیان برافراشتند. اولین قدم
مخالفی که بر علیه انتیوخوس و
عمالش برداشته شد به رهبری کاهن
پیری از اهالی «مودیعین» به نام
«متتیا» و فرزندان و کسانش بود (سال
۱۶۷ قبل از میلاد) ولی هسته اصلی
مبارزه و جنگ توسط «یهودا» پسر
متتیا بنا گردید. وی مردم ناراضی و
ستم‌کشیده را به دور خویش جمع
می‌کرد و به سپاهیان یونانی حمله
می‌کرد. کم‌کم کار بالا گرفت یهودا
که به مکابی **מַכַּבִּי** معروف است
(مکابی مخفف آیه ۱۱ از فصل ۱۵
سفر خروج است «**מִי קִמּוֹךְ בְּאַלִּים**
» کیست مثل تو در قدرتمندان ای
خدا» این شعار را مکابی‌ها در هنگام
نبرد ادا می‌کردند). عقیده دیگر این
است که واژه «مکابی» از واژه عبری
به معنی «ضربه چکش» ریشه گرفته
است.

חנוکا یادآور جنبش فداکارانه
«متتیا کهن گادول» و فرزندانش علیه
ظلم و بیدادگری سپاهیان یونانی و
دفاع از توحید و عدالت‌خواهی
یهودیان در عصر تسلط یونانیان در
منطقه «هلنیزم» است.

افروختن چراغ حنوکا یادواره
پیروزی روشنایی بر تاریکی و عدالت
و انسان‌دوستی بر سلطه‌گری و جهل
است.

حشمونائیم با افروختن چراغ
חנוکا پیروزی خود را در معبد
مقدس جشن گرفتند و فریاد
خداپرستی و توحید سردادند و دنیای
تاریک زمان خود را روشن نمودند.

در سال ۱۶۷ قبل از میلاد
سرزمین یهودا بر اثر فشار و ظلم
یونانیان، خالی از سکنه شده بود و
به صورت ویرانه‌ای درآمده بود مردم
شهر اورشلیم گروه گروه از شهر
مقدس خارج می‌شدند تا شاهد
توهین به مقدسات خود یعنی
برگزاری جشن‌های «ژئوس» خدای
یونانی در معبد نباشند. در سراسر
کشور، عمال آنتیوخوس «اپیفانس»
مردم را مجبور به ترک مذهب و
رسوم اجدادی خویش کرده و

اخبار و رویدادهای کلیمیان ایران

انتقاد موریس معتمد

از اظهارات محمود احمدی نژاد

شماره ۵۵۹۷۶
تیرماه ۱۳۸۹
پشت

کلیسایان
ریاست جمهوری

رئیس دفتر

بنام خدا

حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای مصنی الزیة، وزیر محترم
اطلاعات
جناب آقای صفار هرندي، وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی
حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای پورمحمدی، وزیر محترم کشور
جناب آقای ضرغامی، رئیس محترم سازمان صدا و سیما

باسلام

نامه شماره ۸۲/۸۰۹ مورخ ۱۳۸۲/۸/۸ نماینده محترم کلیمیان ایران در
مجلس شورای اسلامی در خصوص مطالب مورد اشاره (تصویروپنوست)
به استحضار ریاست محترم جمهوری رسید، پی نوشت فرمودند:
«مراقبت کنند مثل همیشه شئون و احترامات کلیه اقلیت‌های
دینی مطابق شرع مقدس و قانون اساسی مرعی شود»

غلامحسین الهام

رو نوشت
✓ - جناب آقای موریس معتمد
نماینده محترم کلیمیان ایران در مجلس شورای اسلامی

سال‌های اخیر نزدیک به ۴۰ کلیسا با حمایت و هزینه سازمان
میراث فرهنگی و گردشگری مرمت و بازسازی شده است و
تاکنون حدود ۲۷ کلیسا و زیارتگاه ویژه اقلیت‌های دینی در
فهرست میراث ملی و تاریخی کشور به ثبت رسیده است.
تقوی درباره چاپ کتاب اقلیت‌های دینی اظهار داشت:
اقلیت‌های دینی در زمینه‌های مختلف مذهبی، سیاسی، فرهنگی و
اجتماعی با هیچ مشکلی مواجه نیستند و کتاب‌های خود را
می‌توانند به زبان قومی خود و دیگر زبان‌ها چاپ و منتشر کنند.
وی افزود: همچنین در چند سال اخیر تعداد کتاب‌های چاپ
شده اقلیت‌های دینی از رشد قابل توجهی برخوردار بوده است.
تقوی تصریح کرد: اقلیت‌های دینی نشریات مطبوعات خاص
خود را دارند که در حال حاضر برای ۱۵ نشریه مربوط به ارامنه،
زرتشتیان، آشوریان و کلیمیان مجوز صادر شده است.
تقوی درباره حمایت‌های دولت از اقلیت‌های دینی گفت: سال
گذشته مبلغ یک میلیارد تومان جهت مراکز فرهنگی، آموزشی و
مذهبی اقلیت‌های دینی اختصاص داده شده بود و امسال این رقم
توسط هیأت دولت افزایش قابل توجهی داشته است.



آفتاب: موریس معتمد نماینده کلیمیان در مجلس هفتم با
انتقاد از اظهارات محمود احمدی نژاد رئیس‌جمهور در حاشیه
اجلاس ریاض گفت: اظهارات احمدی نژاد توهین بسیار بزرگی
به جامعه یهودیان سرتاسر جهان بود.

این نماینده اقلیت‌های دینی در گفت
و گو با خبرنگار پارلمانی آفتاب با بیان
این که به این سخنرانی از دو بُعد باید
توجه شود تصریح کرد: با توجه به مقطع
بسیار حساس که کشور در حال حاضر در
آن قرار گرفته است شرایط ایجاب می‌کند
مسئولان از سخنرانی‌های تند و هیجان‌زده که باعث ایجاد تنش
بیشتر در ارتباط ایران با خارج از کشور می‌شود و ممکن است
موجب اتزوی بیشتر سیاسی ایران را فراهم کند خودداری کنند.

معتمد با اشاره به بعد تاریخی اظهارات احمدی نژاد گفت:
متأسفانه می‌بینیم یک تراژدی بزرگ تاریخی که طی آن شش
میلیون انسان بی‌گناه روانه کوره‌های آدم‌سوزی شدند و هزار
عکس و قطعه‌های فیلم از آن به ثبت رسیده به راحتی توسط
رئیس‌جمهور کشور اسلامی ایران انکار می‌شود.

نماینده کلیمیان تصریح کرد: این یک توهین بسیار بزرگ به
جامعه یهودیان در سرتاسر جهان است.

پاسخ دکتر محمود احمدی نژاد رئیس‌جمهور به نامه نماینده
کلیمیان در مجلس شورای اسلامی (ستون روبرو)

مصاحبه سعید تقوی، رئیس اداره امور

اقلیت‌های دینی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

اقلیت‌های دینی شناخته شده در قانون اساسی آزاد هستند
مطابق آداب و رسوم خویش مراسم مذهبی، اعیاد و جشن‌های قومی
خود را با هماهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار کنند.
به گزارش خبرنگار «ایران» سعید تقوی رئیس اداره امور
اقلیت‌های دینی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ضمن اعلام این
مطلب گفت: براساس مصوبه مجلس شورای اسلامی نظارت بر
فعالیت‌های فرهنگی، هنری، مذهبی و تبلیغی اقلیت‌های دینی
شناخته شده در قانون اساسی همچون ارامنه، آشوریان، کلیمیان و
زرتشتیان برعهده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی گذاشته شده
است و خوشبختانه تاکنون این وزارتخانه به منظور برگزاری هر
چه مطلوب‌تر برنامه‌های اقلیت‌های دینی هماهنگی‌های لازم را
با سایر دستگاه‌های دولتی انجام داده و می‌دهد. وی درباره
حمایت‌های دولت از فعالیت‌های اقلیت‌های دینی گفت: در

جشن دانش آموزی، دانش آموزان ممتاز در آذر ۸۴



گزارش افتخار آفرینان دانشگاهها آذرماه ۸۴

سازمان دانشجویان یهود در هماهنگی با انجمن کلیمیان تهران طبق روال هر ساله جشنی برای تقدیر از پذیرفته شدگان دانشگاهها در مقاطع کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا در دانشگاههای سراسری و آزاد در تاریخ سه شنبه ۲۲ آذرماه در محل تالار محبان برگزار کرد.

در نیمه آذر ماه به تاریخ ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ سال جاری جشن تقدیر از دانش آموزان ممتاز کلیمی طبق روال هر ساله برگزار شد.

در این جشن که به وسیله کمیته فرهنگی انجمن کلیمیان و به کمک خانه جوانان یهود تهران برگزار شد، در سه شب از دانش آموزان مقاطع دبستان (۲۴۶ نفر) راهنمایی (۱۵۳ نفر) و دبیرستان (۱۰۹ نفر) و پیش دانشگاهی (۱۴ نفر) با حضور مسئولین جامعه کلیمی و فرهنگیان و مدرسین مدارس، توسط هدایایی که انجمن کلیمیان تهران تدارک دیده بود در تالار محبان تقدیر به عمل آمد.



برای برگزاری هر چه بهتر این جشن، هیئت مدیره فعالیت خود را در این زمینه اوایل مهرماه با دادن اعلامیه هایی در کنیساها شروع کرد. لازم به ذکر است امسال بیش از ۱۰۰ نفر از دانش آموزان کلیمی در آزمون سراسری دانشگاهها پذیرفته

از تمامی افرادی که برای برگزاری این جشن ما را یاری کردند از جمله خانم لوی شوقی سپاسگزاریم.

اسلامی، آقای معتمد، مسئول امور مالی انجمن، آقای میکائیل، مسئولین کمیته جوانان، آقایان طویی و دانیالی و کلیه اعضای هیئت مدیره انجمن کمال تشکر را داریم.

اخبار جامعه کلیمیان اصفهان مراسم سالگرد ملا شیمعون یادگاران

امسال نیز همچون سال‌های گذشته با تلاش عده‌ای از خیرین و معتمدین اصفهان، یهودیان این شهر، یاد و خاطره مرجع عالیقدر، ملا شیمعون یادگاران را گرامی داشتند. در این مراسم که به تاریخ ۱۵ آبان و پس از زیارت از مزار آن مرحوم صورت گرفت، پس از قرائت نماز جماعت و متون مقدس، برخی از بزرگسالان و ریش‌سفیدان جامعه به بیان خاطرات و گفتن فعالیت‌های مذهبی - اجتماعی حاخام شیمعون یادگاران پرداختند و یاد این مرجع ارجمند را گرامی داشتند.

حضور پگاه نقره‌نیا در دوره جدید مجلس دانش‌آموزی

با تشکیل دوره جدید مجلس دانش‌آموزی در اول آذر ماه ۱۳۸۴ در تهران، پگاه نقره‌نیا از اصفهان به عنوان نماینده دانش‌آموزان کلیمی همراه با سایر نمایندگان اقلیت‌های مذهبی در مراسم افتتاحیه این مجلس شرکت نمود. لازم به ذکر است که مجلس دانش‌آموزی در ایران به دفاع از حقوق مادی و معنوی دانش‌آموزان ایرانی و حل مشکلات آنان در مسائل آموزش و پرورش ایران می‌پردازد.

تور زیارتی - سیاحتی سازمان بانوان به یزد

سازمان بانوان یهودی اصفهان در روزهای دوشنبه و چهارشنبه، هفتم و نهم آذرماه ۱۳۸۴ و به طور جداگانه در سالگرد هاراو اورشگا در یزد اقدام به برگزاری تورهای زیارتی - سیاحتی نمود که در طی این دوره عده زیادی از خانواده‌های یهودی اصفهان به زیارت آرامگاه هاراو اورشگا و قبرستان قدیمی یهودیان یزد رفتند و به دعا و نیایش دسته‌جمعی پرداختند.

بازدید از بناهای تاریخی و قبرستان قدیمی زرتشتیان، آب انبارهای تاریخی یزد، آتشکده باستانی زرتشتیان و کنیساهای محله یهودیان، از برنامه‌های جانبی این تور زیارتی - سیاحتی بود.

شده‌اند، که جای خوشحالی است که تعدادی از این پذیرفته‌شدگان از رتبه‌های برتر کنکور امسال بودند که تا حدامکان در شماره ۱۱ پرواز، نشریه داخلی سازمان دانشجوییان معرفی شدند:

- ۱- طناز نقلاچی : داندانپزشکی شهید بهشتی.
 - ۲- گلنوش یعقوب‌زاده : پزشکی دانشگاه تهران.
 - ۳- بهار نعمان : داروسازی شهید بهشتی.
 - ۴- نیلوفر اسفندی : مهندسی مکانیک دانشگاه خواجه نصیر.
 - ۵- مازیار دانیالی : دندانی پزشکی دانشگاه ایران.
 - ۶- سینا گل شیرازیان : عمران دانشگاه تهران.
 - ۷- شاهپور شمشیان : داروسازی دانشگاه اصفهان.
 - ۸- ساناز بنایزدی : نفر دوم آزمون کاردانی به کارشناسی ارشد (رشته کامپیوتر).
 - ۹- ربکا منشاءف : پزشکی رفسنجان.
- و در مقطع کارشناسی ارشد :

- ۱- کامیار یادگاران : کارشناسی ارشد، عمران، راه و ترابری (علوم تحقیقات).
- ۲- ایمان یادگاران : کارشناسی ارشد، عمران سازه صنعتی (صنعتی شریف).
- ۳- پولین خدادادی : کارشناسی ارشد علوم هوا و فضا (صنعتی شریف).
- ۴- سپیده ساکت‌خو : ژنتیک (علوم تحقیقات).
- ۵- شبنم شایسته‌خو : کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی.



در پایان از کلیه افرادی که ما را در برگزاری هر چه بهتر این جشن یاری کردند، علی‌الخصوص ریاست هیئت مدیره انجمن کلیمیان تهران، آقای یشایایی، نماینده کلیمیان در مجلس شورای

فعالیت‌های اخیر

سازمان بانوان و دوشیزگان یهود ایران

سازمان بانوان و دوشیزگان یهود ایران یکی از سازمان‌های فعال کنونی در جامعه کلیمیان است که ارتباط نزدیک با بانوان یهودی برقرار نموده و در جلسات متعدد با خانواده‌های همکیش به بررسی مشکلات جامعه و خانواده‌ها می‌پردازد. سازمان بانوان یهود ایران تلاش می‌کند فعالیت خود را در زمینه‌های اجتماعی - اخلاقی و هنری گسترش دهد. فرنگیس حصیدیم از چهره‌های شناخته شده و فعال جامعه کلیمیان ایران هستند که ریاست هیئت مدیره سازمان بانوان یهود را عهده‌دار می‌باشند.

عمده فعالیت‌های سازمان بانوان یهود به شرح ذیل بوده است:
- ارتباط با سازمان‌های غیردولتی و حضور در کنفرانس‌ها و سمینارها.

- برگزاری کنسرت و جشن‌های شاد مختص بانوان همکیش به مناسبت‌های مختلف.

- تشکیل کلاس‌های بدنسازی - اروییک و حرکات موزون توسط مریان مجرب (ژیلا کهن کبریت - نرگس محمدی).

- تشکیل کلاس‌هایی جهت آموزش آرامش در خانواده‌های کلیمی توسط روانشناسان جامعه یهود (مریم حناسبازده - لیورا سعید). که تحت عنوان گروه به‌اندیشان از تیرماه سال جاری فعالیت خود را به یاری انجمن کلیمیان تهران آغاز کردند و همچنان ادامه دارد.

برنامه‌های سازمان دانشجویان

از مهر تا آذر ۱۳۸۴ به شرح ذیل می‌باشد:

۸۴/۷/۷ گزارش شش ماهه هیئت مدیره.

۸۴/۷/۲۸ معانی عشق در دنیای امروز / دکتر مریم حناسبازده.

۸۴/۸/۵ سینوهه پزشک مخصوص فرعون / یوشا رادپرور.

۸۴/۸/۱۲ اجرای کنسرت راک در محل سازمان / گروه کوییز.

۸۴/۸/۱۹ تفاوت امیال جوانان و بزرگسالان / دکتر مکنونی.

۸۴/۹/۳ نمایش نامه‌خوانی به عنوان باجه / توسط گروه نازلی.

۸۴/۹/۱۰ مراقبت از پوست و جلوگیری از بیماری آن / دکتر

شاریم.

۸۴/۹/۱۷ داغ‌ترین خبرها درباره فرصت‌های روان گردان / شیوا

میشاعیل.

۸۴/۱۰/۱ کنسرت پاپ در محل سازمان (به مناسبت شب بلدا).

برنامه‌های عمومی خانه جوانان یهود

برنامه‌های عمومی خانه جوانان یهود در دوره اخیر به شرح ذیل می‌باشد:

۸۴/۷/۸ باغ پیک نیک

۸۴/۷/۲۸ مراسم سوکا

۸۴/۸/۵ بحث آزاد

۸۴/۸/۱۹ سخنرانی در مورد دوچرخه‌سواری (میشاعلیان)

۸۴/۹/۳ سینما (برنامه جنبی)

۸۴/۹/۱ نمایش فیلم

۸۴/۹/۱۷ جشن نوجوانان

۸۴/۹/۲۴ من از نظر دوستانم

۸۴/۱۰/۱۰ جشن سالگرد «تالار محبان»

۸۴/۱۰/۲۴ اجرای تئاتر در محل خانه جوانان

فعالیت‌های

دبستان موسی بن عمران

* بازگشایی مدارس در اول مهرماه و اهدای جوایز به دانش‌آموزان و در هفته دفاع مقدس سخنرانی توسط خانم جوان‌بخت مدیر جدید دبستان موسی بن عمران انجام شد. فعالیت‌های اخیر دبستان موسی بن عمران به شرح ذیل می‌باشد:

* برگزاری مراسم روز دانش‌آموز در ۱۳ آبان و اهدای جوایز به دانش‌آموزان و سخنرانی سرکار خانم جوان‌بخت به مناسبت این روز.

* برگزاری مانور زلزله در دبستان، تهیه گزارش.

* برگزاری نمایشگاه کتاب به مناسبت هفته کتاب.

* برگزاری نمایشگاه کارهای دستی دانش‌آموزان، به مناسبت هفته پژوهش (تحقیقات و نوآوری) در کلیه پایه‌ها.

* بازدید از نمایشگاه هوایی جمهوری اسلامی ایران و بازدید از کتابخانه انجمن.

* تهیه جوایز، برای تشویق دانش‌آموزان، از عمده کارهای دبستان می‌باشد.

* سخنرانی لیورا سعید، در رابطه با آموزش خانواده، برای اولیا، در محل کنیسی ابریشمی انجام شد.

* برگزاری جشن حنوکا و اهدای لوح حنوکا و شمع به دانش‌آموزان.

درگذشت جناب خاخام اوریل داویدی

مرجع دینی کلیمیان ایران تا سال ۱۳۷۲



جناب خاخام اوریل داویدی در جمع روحانیون مسلمان، کنیسی ابریشمی

جناب خاخام اوریل داویدی ۸۲ سال پیش در شهرستان خوانسار در یک خانواده مذهبی یهودی متولد شد پدر ایشان از روحانیون سرشناس و روحانیت یک میراث خانوادگی در خانواده خاخام اوریل داویدی بوده است.

ایشان در بدو ورود به تهران در مدارس گنج دانش به تدریس علوم دینی مشغول شدند و بعد از آن تا هنگام خروج از ایران مسئولیت امور شرعی جامعه کلیمیان ایران را عهده‌دار بوده‌اند.

مرحوم خاخام اوریل داویدی روز پنجشنبه سوم آذر ۱۳۸۴ برابر ۲۲ حشوان ۵۷۶۶ دعوت حق را لبیک و در سرزمین مقدس دار فانی را وداع گفتند.

خاخام اوریل داویدی به عنوان یک روحانی آگاه و آشنا به اصول دین و فقه یهود و فلسفه یهود در زمینه‌های مختلف همواره مورد احترام کلیمیان ایران و جهان بوده‌اند. روز جمعه ۱۱ آذرماه برابر اول ماه کیسلو از طرف جامعه کلیمیان ایران مجلس بزرگداشتی در کنیسی دروازه دولت که خاخام اوریل همیشه در آنجا تفیلا می‌خواندند و کلاس‌های دبیره تورا و اصول و فرائض یهودیت را تدریس می‌نمودند برگزار شد.

در این مراسم که عده کثیری از جامعه یهودی ایران و هموطنان مسلمان حضور داشتند ابتدا مراسم مذهبی برگزار شد و سپس دکتر یونس حمای لاله‌زار یکی از شاگردان جناب خاخام اوریل داویدی در مورد خصوصیات و وسعت اطلاعات جناب خاخام صحبت نمودند و یادآور شدند که یهودیان ایران قدردان خدمات جناب خاخام می‌باشند.

پس از آن هارون یشایایی رئیس انجمن کلیمیان تهران خصوصیات قابل تحسین جناب خاخام اوریل را در امور اجتماعی برشمردند و تأکید نمودند که جناب خاخام هر جا احساس می‌کردند

یهودی مقیم کالیفرنیا و شخصیت‌های مذهبی و اجتماعی یهودی ایرانی و امریکایی شرکت داشتند.

روز پنجشنبه اول دی ماه ۱۳۸۴ به مناسبت سی‌امین روز درگذشت، مراسم باشکوهی در تجلیل از مقام شادروان خاخام اوریل داویدی از طرف کمیته فرهنگی انجمن کلیمیان تهران و تلمود تورای کنیسی ابریشمی با حضور عده کثیری از همکیشان و شاگردان آن مرحوم برگزار گردید.

در این مراسم ابتدا چند نفر از شاگردان جناب خاخام اوریل داویدی خاطرات خود را بیان نمودند و سپس هارون یشایایی رئیس هیئت مدیره انجمن کلیمیان بخشی از گفتارهای جناب خاخام را بازگو نمودند و پس از آن دکتر یونس حمای لاله‌زار درباره شخصیت روحانی جناب خاخام مطالب مبسوط و مؤثری توضیح دادند و در پایان مراسم بعد از اجرای مراسم مذهبی یک نوار و یک CD از سخنرانی‌های جناب خاخام اوریل داویدی از طرف کنیسی ابریشمی به حاضران اهداء گردید. ■

وجودشان لازم است بدون هیچ تردیدی حضور می‌یافتند و از اعتقادات خود و اعتبار و حیثیت یهودیت و صیانت جامعه کلیمیان ایران دفاع می‌کردند.

رئیس انجمن کلیمیان چند خاطره را از حضور جناب خاخام اوریل در ملاقات خود با مسئولین جمهوری اسلامی ایران یادآور شدند و از جمله حضور مؤثر جناب خاخام در بررسی قانون قصاص در قوه قضائیه را یادآور شدند. مجالس دیگری نیز در بزرگداشت جناب خاخام اوریل در کنیساها برگزار شد.

بزرگداشت در کشورهای دیگر:

از جمله مراسم یادبودی برای جناب خاخام اوریل داویدی در اورشلیم و شهر نیویورک توسط ایرانیان مقیم این شهرها برگزار شد که در مجلس ختم ایشان در اورشلیم هارو اودیا یوسف و هارو بخشی دورون نیز حضور به هم رسانیدند.

از طرف ایرانیان مقیم کالیفرنیا نیز مراسمی در روز ۱۷ آذر ماه ۱۳۸۴ در کنیسی بزرگ لوس‌آنجلس برگزار شد. در این مراسم مسئولین انجمن ایرانیان

مصاحبه اشپیگل با ویتنی هریس مدعی العموم دادگاه نورنبرگ درباره هولوکاست و سقوط اخلاقی

هیتلر نامی بیش نبود که بر فروپاشی مطلق اخلاقی در قرن بیستم دلالت داشت



شصت سال پیش از این در یک روز یکشنبه دادگاه رسیدگی به جنایات جنگی نورنبرگ برای اجرای عدالت در مورد رهبران نازی آغاز به کار کرد. ویتنی هریس (Whitney Harris) یکی از چهره‌های اصلی آن محاکمه بود. بخش اینترنتی اشپیگل با او گفت و گویی درباره فرماندهی آشویتس «رودولف هس» (Rudolf Hoess) و هراس‌های عاطفی که از آن دادگاه باقی ماند انجام داده است.

* اما سپس از طریق بازجویی از فرمانده پیشین آشویتس رودولف هس توانستید یکی از اولین مدارک مستند را ارائه دهید که قتل عام یهودی‌ها را تایید می‌کرد.

- بله، این یک نقطه عطف تعیین کننده در آن محکمه بود. جمع‌آوری شواهد در واقع هنگامی که متوجه شدم انگلیسی‌ها هس را دستگیر کرده‌اند از پیش کامل شده بود. سپس درخواست کردم که او را به دادگاه نورنبرگ تحویل دهند و به این ترتیب موافقت به عمل آمد که من سه روز از او بازجویی کنم. هس برایم توضیح داد که فرمانده رایش اس اس یعنی هاینریش هیملر شخصاً در ۱۹۴۱ به او

و گشتاپو انجام شده بود را مورد تحقیق قضایی قرار می‌دادم. کالتن برورنر جانشین راینهارد هیدریش (Reinhard Heydrich) در مقام رئیس امنیتی رایش و مسئول ده‌ها هزار مامور گشتاپو، پلیس و نیروهای اطلاعاتی - امنیتی بود.

* قبل از آن که محاکمه آغاز شود اطلاعات شما از قتل عام‌ها تا چه حد بود؟

- من کمترین تصویری هم از ابعاد کشتارهای جمعی که در آلمان به وقوع پیوسته بود نداشتم. در واقع هنگامی که تحقیقات خود را شروع کردیم چندان شواهد محکمی در این مورد نداشتم.

* در ۱۹۴۵ هنگامی که شما جمع‌آوری شواهدی را برای پیگرد قانونی و محاکمه جنایات جنگی نازی‌ها آغاز گردید، چیزی بیش از یک ماشین تحریر مستعمل، یک منشی آلمانی زن و مقدار زیادی نیت خیر نداشتید. آیا مسئولیت عظیم بستن اتهام به رهبران پیشین نازی فشار زیادی به شما وارد نمی‌ساخت؟

- کل آن دادگاه یک چالش عظیم بود. مسئولیتی که در آن دادگاه به من محول شده بود رسیدگی به پرونده ارنست کالتن برورنر (Ernest Kalten Brunner) بود. یعنی من می‌بایست قتل میلیون‌ها یهودی که توسط اس اس

می گذاشت. زیرا تلاشی برای بی گناه نشان دادن خودش نداشت. او محاکمه را به دقت دنبال می کرد و در مسیر دادگاه اهل همکاری بود و نادم از اعمال خودش، به احتمال بسیار همین هوش و ذکاوت او بود که وی را از دریافت حکم اعدام معاف کرد.

* آیا می توان آن محاکمه را عادلانه دانست؟

- یقیناً، به باور من ما موفق شده بودیم که از هر سیستم حقوقی بهترین بخش ها را جدا کرده و از آنها ترکیب جدیدی درست کنیم. پرسش حیاتی در آن زمان این نبود که آیا آلمان مرتکب آن جنایات جنگی شده بود یا نه زیرا این دیگر واقعیتی غیرقابل انکار و برای همه پذیرفته شده بود. پرسش اصلی ما در آن زمان این بود که آیا آن متهم مورد نظر در جنایت های نازی ها شرکت داشته یا خیر و مسئولیت او در آنها تا چه حد بوده است؟ برای آن که بتوانیم به این پرسش ها تا حد ممکن به دقت پاسخ دهیم ما هزارها سند را مورد بررسی دقیق قرار دادیم.

* بسیاری از ناظرین مقدمات آن دادگاه را بسیار بی نظم و آشفته توصیف کرده اند. آیا حقیقتاً همین طور بود؟

- ترجیح می دهم که اصطلاح آشفته و بی نظم را به کار نبرم. البته ما مشکلاتی داشتیم زیرا برای اولین بار بود که تلاشی برای یک دادگاه نظامی بین المللی انجام می شد. متفقین در تابستان ۱۹۴۵ گرد همایی در لندن داشتند تا تصمیم بگیرند که دادگاه در

بتواند نیرو و انرژی خود را بر فعالیت های ضد اطلاعاتی متمرکز کند و نه بر اردوگاه های کار اجباری. برای تایید این سخن کاوفمان ادعا کرد که کالتن برونر پایش را در هیچ اردوگاه کار اجباری نگذاشته است. هس دقیقاً همان شخص بود که باید این گفته را تایید می کرد - حداقل در مورد اردوگاه آشویتس. به این ترتیب کاوفمان، هس را به عنوان شاهد به دادگاه فراخواند و ما هم توانستیم به شیوه خودمان او را سوال پیچ کنیم.

* هس در هر حال به مرگ محکوم شده بود و کمک چندانی به کالتن برونر نکرد. آیا به عقیده شما کالتن برونر واقعاً بر این باور بود که می تواند با دروغ گفتن از اعدام رهایی یابد؟

- خیر، اکثر متهمان می پذیرفتند که جنایات جنگی و قتل عام یهودیان حقیقتاً روی داده است. اما سعی آنها بر این بود که سهم و نقش خود را در آن رویدادها کاهش دهند. کالتن برونر هم فکر نمی کرد مورد عفو قرار گیرد. او در واقع تنها کسی است بود که پس از دریافت حکم اعدام استیناف نداد.

* کدام یک از متهمان ماندگارترین تأثیر را بر روی شما گذاشت؟

- یولیوس اشترایشتر ضدیهود که ناشر Stuermer بود بی تردید غیرقابل تحمل ترین از میان آنها بود. بدون استثناء همگی، حتی در میان خود آن گروه از او بدشان می آمد. آلبرت شپیر (Albert Speer) مهندس معمار هیتلر و وزیر جنگ و تسلیحات از طرف دیگر بسیار تأثیر مطبوعی

دستور داده بود که آشویتس را به یک اردوگاه کشتار جمعی تبدیل کند. هس در بخش جدید اردوگاه در بیرکناو (Birknau) اتاق های گاز و کوره های آدم سوزی را ایجاد کرد. او اطلاعات دقیقی از فجایع نازی ها در اختیار ما گذاشت و برآورد کرد که دو و نیم میلیون یهودی، کولی و زندانیان جنگی به قتل رسیده اند - به اضافه یک و نیم میلیون انسانی که در اثر سوء تغذیه، از پا افتادگی و خستگی و بیماری یا سؤ رفتار مردند.

* برداشت کلی شما از خود هس چه بود؟

- او شخصاً آدمی نبود که کسی را تحت تأثیر قرار دهد. هیچ چیز خاص و غیرعادی در او دیده نمی شد که حکایت از وجود یک جنایتکار نفرت انگیز در پشت چهره او داشته باشد. او کاملاً مانند انسان های معمولی بود. او به آرامی و با اطمینان خاطر سخن می گفت. البته هرگز داوطلبانه اطلاعاتی را افشا نکرد. اما تا آنجا که می توانم به خاطر بیاورم او پرسش های مرا صادقانه پاسخ می گفت و عجیب آن که ما راهی نمی یافتیم که بتوانیم شهادت های او را به دادگاه اضافه کنیم. زیرا همان گونه که قبلاً اشاره کردم در آن موقع ما دیگر جمع آوری شواهد را به پایان برده بودیم.

* راه حل شما برای این مشکل چه بود؟

- وکیل کالتن برونر یعنی کورت کاوفمان (Kurt Kaufman) در این مورد به داد ما رسید. او دفاع موکل خود را بر این ادعا قرار داد که کالتن برونر رئیس امنیتی رایش شده بود تا

کجا باید برگزار شود و موارد اتهامی چه باید باشد.

* آیا تفاوت‌های ایدئولوژیک و رقابت‌های موجود میان متفقین صدمه‌ای به کار دادگاه وارد نمی‌ساخت؟

- در بعضی موارد گفت و گو میان متفقین دشوار بود. اما من مطمئن هستم که آن اختلاف‌نظرها تأثیر منفی بر جریان معمول دادگاه نداشت. برعکس، در برخی موارد مباحثه میان دادستان‌ها به جلوگیری از انجام خطاها طی جریان دادرسی کمک کرد.

* رئیس آن زمان شما را برت جکسون دادستان کل ایالات متحده به عنوان پدر معنوی و رهبر دادگاه نورنبرگ به شمار می‌آید. نقش او دقیقاً چه بود؟

- عملاً همه بر این عقیده بودند که جکسون رهبر واقعی آن دادرسی است. وی در نطق افتتاحیه خود لوح و مسیر کل دادگاه را معین کرد. این جکسون بود که تعیین کرد دادگاه باید تماماً بر شواهد قاطع و مصاحبه با شهود استوار شود.

* در روزی که اعدام‌ها انجام شد وضعیت کلی چگونه بود؟

- شدیداً متشنج، توجه رسانه‌ها بسیار بالا بود و هنگامی که معلوم شد هرمان گورینگ در سلول خودش و با خوردن کپسول سیانور خودکشی کرده خبرنگاران به راستی از هیجان دیوانه شده بودند.

* آیا خودکشی گورینگ را باید به عنوان آخرین پیروزی شخصی بر دادگاه بین‌المللی به حساب آورد؟

- خب، او در دقایق آخر موفق شد که از مرگ با طناب دار اجتناب کند و از مأمور اجرای حکم بگریزد. احتمالاً او می‌خواست که در آن آخرین لحظه انزجار خودش را نسبت به متفقین نشان دهد.

* شما با تجربیاتی که در دادگاه نورنبرگ به دست آورده بودید چه کردید؟

من درباره آن رویداد کتابی نوشتم و سپس به عنوان استاد حقوق به ایالات متحده بازگشتم. در آن زمان به خودم می‌گفتم: می‌خواهم پرونده این بخش از زندگی خود را برای همیشه به بایگانی بفرستم و دیگر نمی‌خواهم که در آن باره فکر کنم، یا چیزی بنویسم. من نمی‌خواستم که با خاطرات آن زندگی کنم. حدود ۲۰ سال طول کشید تا بتوانم با آن رویداد کنار بیایم. حتی امروزه نیز این رویداد وحشتناک در تاریخ بشر حقیقتاً مرا رنج می‌دهد. تمامی این جنایت‌های وحشتناک را نباید منحصرأ پدیده‌ای آلمانی دانست.

* بلکه؟

- من کاملاً مطمئن هستم که آدولف هیتلر صرفاً نامی بیش نبود که بر فروپاشی مطلق اخلاقی در جهان قرن بیستم دلالت داشت. در واقع همه چیز در ۱۹۱۴ با جنگ جهانی اول هنگامی که همه همدیگر را می‌کشتند و هیچ استاندارد اخلاقی باقی نمانده بود آغاز شد. انتقام دستور روز بود و هر عذری موجه. مگر کمونیست‌ها در روسیه چه کردند یا ژاپنی‌ها در چین؟

* و امروز؟

- امروز هنوز هم با همان مسائل روبرو هستیم. کافی است که تروریسم را مورد توجه قرار دهیم - هیچ کس نمی‌داند که آخر آن به کجا ختم می‌شود. اگر خواهان آینده‌ای برای فرزندان خود هستیم، اگر می‌خواهیم که باقی بمانیم جداً نیازمند آن هستیم که نگرش‌های اخلاقی و سیاسی خود را مورد بررسی مجدد قرار دهیم.

* از چه جهت؟

ما دیگر تاب تحمل جنگ در این جهان را نداریم. جنگ‌ها نه فقط برای جوامعی که به طور مستقیم درگیر آنها هستند که برای تمامی بشریت ویرانگرند.

* آیا این شوخی تاریخ نیست که در میان تمامی کشورهای جهان باید این ایالات متحده باشد که از امضای مصوبات رم جهت رسمیت بخشیدن به دادگاه بین‌المللی جنایات جنگی لاهه سرباز می‌زند؟

- من شخصاً از مدافعان پروپاقرص دادگاه بین‌المللی جنایات جنگی هستم و به هیچ وجه این را قابل پذیرش نمی‌دانم که ایالات متحده هنوز هم آن مصوبه را امضاء نکرده است. البته ۴۰ سال طول کشید تا بالاخره ایالات متحده کنوانسیون سازمان ملل متحد برای منع کشتار جمعی را امضاء کند. واقعاً چه نیازی به چنین زمان طولانی برای موضع‌گیری علیه کشتار جمعی بود؟ از آن بیم دارم که برای امضای مصوبه رم نیز به زمان بسیاری نیاز باشد.



هیتلر شر مطلق

- (سکوت می‌کند) عجب دلشوره و اضطرابی ... فکر نمی‌کنم، خیلی خیلی وحشتناک و هیولاصفت است. از من دعوت کرده بودند زندگینامه آلبرت اشپیر، آرشیکت رایش را به فیلم برگردانم. قبول نکردم چون این شخصیت را دوست نداشتم، چه رسد به هیتلر! ولی یک نکته درباره او برایم جالب است: بت ساختن از او این که چطور مردی به این شرارت و قساوت توانست میلیون‌ها نفر را دنبال خودش بکشد. منتظر فیلمی درباره هیتلر هستم که بتواند مکانیسم اجتماعی، روح مشترک و رابطه نزدیک بین فرد و اجتماع را نشان بدهد. ■

همذات‌پسنداری کنیم بی آن که جنایت‌های این ارتش را به ما یادآوری کند. آدم‌های نسل من که کمی با آن دوره آشنایند و زندگی‌اش کرده‌اند، می‌توانند ماجراهای فیلم را در بافت تاریخی‌اش قرار دهند، ولی برای نسل‌های بعدی، این قضایا قدری پیچیده‌تر می‌شود و بعید می‌دانم که موقع تماشای فیلم، ماجراها را در چارچوب وسیع‌ترش ببینند.

* ولی خب، به اردوگاه‌های مرگ که اشاره می‌شود....

- فقط یک جمله در این زمینه ادا شده. و همه می‌دانیم که در سینما، کلام به هیچ‌وجه کارآیی تصویر را ندارد. وقتی با سوژه‌ای به این حساسی سروکار داریم، باید نشان داد و بر رویش تأکید کرد. ولی خوب در سقوط چیزی وجود ندارد که بفهمیم نازیسم چه بوده. توصیفی ارایه شده از هیتلری گروتسک، دیوانه و جذاب می‌ترسم در نهایت، برخی از تماشاگرها این شخصیت را از جنبه مثبت‌اش کاریزماتیک هم ببینند... حال آن‌که هیتلر شر مطلق است.

* ازتان برمی‌آید فیلمی درباره هیتلر بسازید؟

**مصاحبه با کاستا گاوراس :
(فیلمساز شهیر)**

اخیراً، «اولیویه هیرش بیگل» کارگردان آلمانی فیلم «سقوط» را درباره زندگی هیتلر و روزهای پایانی حکومت نازی‌ها «رایش سوم» در سینماهای جهان به معرض نمایش گذاشته است.

اظهارنظرها درباره این فیلم بسیار متفاوت و گاه متضاد است. ولی مجموعاً آن را به نوعی توجیه‌گر اقدامات هیتلر و حزب نازی در سال‌های جنگ دوم جهانی می‌دانند.

آن چه از نگاه «کاستاگاوراس» به عنوان یک فیلمساز درباره این فیلم اهمیت دارد این که اخیراً موجی در توجیه جنایات فاشیست‌های هیتلری در جهان به وجود آمده که گروه‌های نئونازی در اروپا و حتی آمریکا به آن دامن می‌زنند. البته این موج بلندگوهای خود را در میان نخبگان و هنرمندان نیز دارند.

کاستاگاوراس فیلمساز مشهور یونانی‌الاصل که خود یک فیلمساز با نگاهی سیاسی روز است در ارتباط با فیلم «سقوط» اظهارنظر جالبی از دیدگاه سیاسی به این فیلم دارد که جهت آگاهی خوانندگان عزیز آن را منتشر می‌کنیم.

* راجع به سقوط چه نظری دارید؟

- فیلم به نظر من از نظر سینمایی و شخصیت‌پردازی، خیلی خوب است ولی در عین حال فیلمی است مخرب و زیان‌بار. فیلم از ما دعوت می‌کند با مدافعات برلین، با سران ارتش هیتلر که دوردورش را گرفته‌اند،



سیر تحولات روحانیت در دین یهود

هوشنگ کرمیلی

تردید قرار نداده است. هر چند روحانیت یهود از عصر توحیدی حضرت ابراهیم تا اعطای تورات و رسالت حضرت موسی کلیم الله نیز در اشاعه فرهنگ توحیدی نقش اساسی داشته‌اند و اهمیت این دوران مورد قبول ادیان توحیدی نیز ابراهیمی می‌باشد.

به طور کلی دعا - عبادت و انجام فرایض مذهبی در دین یهود براساس پرستش خداوند یکتا و تزکیه نفس و سپاسگزاری از نعمات خالق هستی شکل گرفته و روحانیت وظیفه آشنایی توده‌های مردم را به اصول دین و انجام فرایض مذهبی به عهده داشته است اجرای این وظایف به دو دوران مختلف و با شیوه جداگانه تقسیم می‌شود.

۱- دورانی که اصل دعا و عبادت از طریق گذاردن قربانی‌ها با رعایت شرایط خاص شرعی اجرا می‌شد و قربانی کردن پایه عبادت و شکرگزاری قوم یهود بود.

۲- دورانی که اساس دعا و عبادت و انجام فرایض به شیوه گذاردن نماز و اجرای فرایض در کنیساها اجرا شده و می‌شود خواندن نماز به صورت دسته‌جمعی و فردی اساس نیایش دین یهود را تشکیل می‌دهد.

البته نمی‌توان این دو دوره را به طور قطع از یکدیگر جدا دانست، چرا که در دوره اول به هنگام گذاردن قربانی نیز دعا‌های مخصوص خوانده می‌شد و در دوره دوم نیز همچنان بعضی قربانی‌ها به عمل می‌آید.

دوران اول را می‌توان به چند مرحله کوتاه‌تر تقسیم نمود. براساس آن چه در

بررسی تاریخ یهود و شناخت مفاهیم اعتقادی یهودیت و درک توحید و اصول دین و فرایض آن بدون آگاهی از سیر تحولات روحانیت در دین یهود ممکن نخواهد بود، از آغاز تبلیغ و ترویج تفکر توحیدی به وسیله حضرت ابراهیم تا امروز روحانیت یهودی در نگهداری ارزش‌های دینی و فرهنگی یهود نقش حساس و تعیین کننده داشته است.

از این شماره سلسله مقالاتی را در مورد سیر تحولات روحانیت در دین یهود آغاز می‌کنیم.

در این نوشته تلاش ما این است که به کمک مطلعین و محققین و خوانندگان خود بتوانیم هر چه دقیق‌تر به بررسی این موضوع بپردازیم.

پیدا است که ما به عنوان یهودی و پیروان این دین الهی به بررسی موضوع می‌پردازیم و بدیهی است نحله‌های مختلف در دین یهود مورد بررسی قرار می‌گیرد و ممکن است نگاه نویسنده یا نویسندگان به موضوع گاهی همراه با انتقاد از بعضی جریانات داخلی و در اعتراض به شیوه عمل و تفکر روحانیت یهود در مقطعی خاص باشد، ولی توجه به این نکته مهم ضروری است که طرح بعضی انتقادات و یا رد بعضی نظریه‌ها در مورد عقیده این یا آن جریان به هیچ‌وجه موجب اختلاف در اصول دیانت یهود بین گروه‌های مختلف نشده است و محوریت تورات תורה در تمام مباحث، اصل است و هر تفسیر یا توضیحی حول این محوریت اعتبار خواهد داشت. هیچ مفسر یا منتقد یهودی از دوران‌های قدیم تاکنون محوریت کتاب آسمانی یهودیان را مورد

سفر پیدایش בראשית آمده است. رهبران روحانی یهود از حضرت ابراهیم تا رسالت حضرت موسی هر یک جداگانه مذهب به عنوان قربانگاه بنا می‌کردند و در مواقع و مناسبت‌های خاص بر این مذابح برای دعا و عبادت و شکرگزاری خداوند مراسم قربانی انجام می‌دادند. در مراحل بعد به مرور مذابح خصوصی تبدیل به مذابح مرکزی و در نهایت تنها معبد خداوند یعنی «بیت‌همیقداش» בית המקדש معبد بیت‌المقدس در اورشلیم بنا گردید.

بعد از خروج بنی‌اسرائیل از سرزمین مصر اجرای گذاردن قربانی و انجام مراسم مخصوص به آن به گروهی خاص واگذار گردید. این گروه از اسباط دوازده‌گانه و سبط «لوی» לוי بودند که یک خانواده از این سبط خانواده حضرت هارون برادر حضرت موسی بود که آنها را «کهن» כהן و یا در جمع «کهنیم» כהנים می‌گفتند.

مسئولیت انجام فرایض قربانی و دعا‌های مربوط به آن به عهده «کهنیم» بود و سایر اسباط وظیفه داشتند در اجرای مراسم به آنها کمک نمایند.

با استقرار بنی‌اسرائیل در سرزمین کنعان و مشخص شدن وظایف «کهنیم» چنانچه در صحیفه‌های «یوشع» יחזקאל و

قربانی‌ها و سهم محصول و کشاورزی آنها را به طبقه اجتماعی بانفوذ و صاحب درآمد قابل توجه تبدیل نموده بود. به طوری که در دوره «بت همیقداش» دوم «کهنیم» طبقه‌ای اشرافی و مرفه بودند.

«کهنیم» با توجه به موقعیت و اختیارات و وظایف خاص و متنوع و در عین حال انحصاری خود در کلیه شئون زندگی جامعه یهود تأثیر فوق‌العاده داشته و می‌توانستند نظرات خود را به اجرا بگذارند، از جمله وظایف «کهنیم» بنابر اسناد مذهبی به موارد ذیل می‌توان اشاره نمود.

۱- خدمات در بخش‌های مختلف بت همیقداش نظیر انجام مراسم قربانی در اعیاد و مراسم مختلف، حفظ و نگهداری معبد مقدس و سایر اماکن مقدسه - تقدیس و برکت دادن مردم - بازخرید نخست‌زادگان پسر - سازماندهی و مدیریت کهنیم در سطوح مختلف - اعلام حمایت یا مقابله با پادشاهان.

۲- تکلیف به انجام امور مذهبی برای عامه مردم یهودی - تشویق به شناخت معنویات و تکالیف روحانی - استخاره یا اجازه انجام یا عدم انجام کارها از منابعی که خود در اختیار داشتند «اوریم» «آری» و «تومیم» «تومیم».

۳- رسیدگی به امور بهداشت عمومی، در موارد خاص تشخیص امراض و تعلیم شیوه‌های درمان.

یادآوری این نکته ضروری است که با خرابی بت همیقداش اول در سال ۳۳۳۸ ق.م. (۴۲۲ ق.م) به دست ارتش بخت‌النصر و ضرورت اسارت بابل، تشکیلات و نظام «کهنیم» به صورت سال‌های آبادانی معبد مقدس امکان‌پذیر نبود، ولی «کهنیم» به شیوه‌های دیگر به اهمیت حیات مذهبی خود ادامه دادند و همچنان یک قشر مورد احترام و صاحب نفوذ در جوامع یهودی باقی ماندند.

ادامه دارد

کلمه «کاهن» یا «کهن» در منابع و مستندات خارج از تورات نیز وجود دارد، در کتیبه‌های کنعانی کلمه «کاهن» پیدا شده و در زبان آرامی «کاهانا» یا «گننا» گفته شده است. کاربرد این کلمه در زبان عربی نیز معمول بوده ولی بنابر شناخته‌های زبان‌شناسی می‌توان گفت که ریشه این کلمه نزد عبرانیان بوده است.

وظایف «کهنیم» به طور مشروح و مفصل در بخش‌هایی از تورات و سایر متون مذهبی یهود گفته شده و در دعا‌های روزانه نیز تکرار می‌شود.

در ابتدا «کهنیم» به عنوان شیوخ و بزرگان جامعه مقبولیت و مشروعیت داشتند ولی رفته رفته با توجه به موروثی بودن، این مقام به صورت یک امتیاز اجتماعی درآمد و این گروه به مدیران جامعه تبدیل شدند. در رأس این قشر روحانی، یک مقام عالی‌رتبه کاهن قرار داشت، که امور کهنیم را اداره می‌کرد و از لحاظ ارزش اجتماعی فرد اول بود و مقام برجسته‌ای داشت، چنین فردی «کهن گادول» «גדול קהן» یا کاهن بزرگ نامیده می‌شد و تنها او بود که اجرای بعضی مراسم مذهبی را به عهده داشت و یا شرعاً می‌توانست آن را انجام دهد (به طور مثال ورود به داخل هتال یا محل استقرار الواح ده فرمان و سایر مقدسات در «یوم کپور» «יום כיפור» روزه بزرگ یهودیان از اختیارات «کهن گادول» بود).

با ایجاد «بت همیقداش» یا خانه مقدس خداوند در اورشلیم وظایف و اختیارات «کهنیم» به طور چشم‌گیری افزایش یافت و همراه با نفوذ معنوی و اجتماعی، موقعیت سیاسی و اقتصادی آنها نیز در جامعه یهود رو به فزونی گذاشت، هر چند براساس فرامین تورات «کهنیم» و «لوی‌ها» از حق داشتن زمین کشاورزی و یا غیر منقول محروم بودند. ولی درآمدهای آنها از نذورات، سهم کاهن و

داوران «שפטים» آمده است، قربانگاه‌های شخصی رفته رفته منسوخ شد و قربانگاه و معبد برای انجام فرائض عام ساخته شد. این مراکز در طول زمان به طور کامل در اختیار کهنیم قرار گرفت و جنبه‌های مذهبی و سستی آن یکسان شده و خاندان

محوریت تورات חורנה در تمام مباحث،

اصل است و هر تفسیر یا توضیحی حول این محوریت اعتبار خواهد داشت

حضرت هارون بر این مراکز و معابد نظارت می‌کردند، از معروف‌ترین این قربانگاه‌ها و معابد از «معبد شیلو» «שילו» «گیلگال» «גלגל» «نوو» «נבו» و «گیوون» «גיוון» می‌توان نام برد که معبد «شیلو» بزرگ‌ترین و آبادترین این معابد بود و تا زمان «شمونیل نبی» پابرجا و مورد استفاده بوده است. تا این که در زمان پادشاهی حضرت سلیمان کلیه معابد گذشته اعتبار خود را از دست دادند و «خانه خدا» بت همیقداش اول به وسیله حضرت سلیمان بنا شد و تمام امور قربانی و دعاها و سایر مراسم در بت همیقداش انجام می‌گرفت و مرکزیت امور شرعی و فقهی یهود به بت همیقداش منتقل گردید.

در این مرحله مرکز علوم دینی و صدور فتوای شرعی «سهدرین» تشکیل شد که شرح مفصل آن خواهد آمد که گویای این امر است که کهنیم بخش مؤثر از نظام روحانیت یهودی بودند ولی لزوماً هر روحانی یهودی از طایفه کهنیم نبوده و روحانیون معتبر غیر کاهن نیز وجود داشته‌اند.

البته در دورانی طولانی خانواده حضرت هارون و بقیه سبط لوی به صورت «کلس» یا طبقه‌ای درآمدند که وظیفه آنها اجرای کامل قربانی و مراسم دعا و انجام فرائض بود و این وظیفه برای خانواده حضرت هارون که کهنه یا کهنیم را تشکیل می‌دادند به عنوان یک وظیفه و حکم شرعی و میراث خانوادگی تحکیم شد.

به ابتکار انجمن ایرانیان یهودی مقیم انگلستان
با حضور نماینده کلیمیان ایران در مجلس شورای اسلامی

آئین بزرگداشت لرد دیوید آلیانس در لندن



سه‌شنبه شب هفته پیش به همت کانون یهودیان ایرانی مقیم انگلستان طی مراسم باشکوهی که در بالروم گروونر هاوس هتل لندن برگزار شد، از لرد دیوید آلیانس سرمایه‌دار ایرانی‌الصل و صاحب صنایع گسترده نساجی در انگلستان که اخیراً به مقام لردی مادام‌العمر (PEERAGE) نائل شده است به نحو شایسته‌ای تجلیل شد. این مراسم که با شرکت بیش از سیصد تن از ایرانیان یهودی مقیم انگلستان و سایر کشورهای اروپا، کانادا، استرالیا و آمریکا، همچنین بسیاری از شخصیت‌های غیریهودی برگزار گردید با سخنان حمید صبی حقوقدان بین‌المللی و رئیس کانون یهودیان ایرانی مقیم انگلستان گشایش یافت و سپس سخنرانان دیگری از ویژگی‌های انسان‌دوستانه و اقدامات نیکوکارانه آلیانس یاد کردند و فعالیت خستگی‌ناپذیر پنجاه ساله او را که عامل پیشرفت و موفقیت او در این کشور بوده است ستودند.

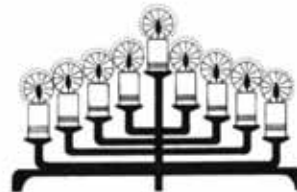
لرد آلیانس در ۱۷ سالگی از زادگاه خود در کاشان در حالی که بیش از ۱۴ پوند پول نداشت به انگلستان آمد و با تلاش فراوان و کار مداوم اکنون صاحب مجموعه گسترده‌ای از صنایع نساجی در انگلستان است. او هنوز لباسی را که با آن در ۱۷ سالگی به انگلستان آمد و همان کفش و کلاه آن روزی را نگهداشته و به اقرار خودش هر روز به آنها می‌نگرد که گذشته خود را فراموش نکند همچنان که ایران و ملیت ایرانی خود را هرگز فراموش نکرده است.

یکی از سخنرانان مجلس موريس معتمد نماینده جامعه یهودیان ایرانی در مجلس شورای اسلامی بود که شرح جامعی درباره کمک‌های لرد آلیانس به یهودیان ایرانی و نیز مشارکت انسان‌دوستانه او در بازسازی شهر زلزله‌زده بم و سایر خدمات بشردوستانه وی بیان داشت و به نام جامعه هموطنان یهودی مقیم ایران از آلیانس دعوت کرد که به

ایران سفر کند و حاصل کمک‌های خود را شخصاً بازدید نماید. نکته جالب در این مراسم توزیع جزوه‌ای شامل زندگی‌نامه دیوید آلیانس و پیام‌های تبریک تونی بلر نخست‌وزیر انگلستان و شخصیت‌های بلندمرتبه دیگر که روی جلد آن با تصویر استوانه معروف کورش کبیر حاوی نخستین اعلامیه جهانی حقوق بشر مزین بود. این اقدام شایسته انجمن ایرانیان یهودی مقیم انگلستان نشانه احترام عمیق جامعه یهودیان به تاریخ و فرهنگ کهن ایرانیان و یهودیان می‌باشد. ■

کریسمس و حنوکا

در هر قرن چهار بار با یکدیگر مصادف می‌شوند



مهر: یهودیان سراسر
جهان مراسم جشن حنوکا
را همزمان با مسیحیان و
گرامیداشت عید میلاد
مسیح (ع) برگزار کردند.

طی ۱۰۰ سال گذشته تنها چهار بار اولین شب حنوکا با
روز اول کریسمس مصادف شده است. حاخام «یشوعا بن
گیدعون» از انجمن دینی یهودیان اولام در فیرفکس
ویرجینیا گفت:

مصادف شدن جشن هشت روزه حنوکا با کریسمس
این امکان را برای یهودیان فراهم می‌کند که از تعطیلات
رسمی استفاده و در مراسم جشن این عید به سادگی
شرکت کنند. در این روز در حالی که مسیحیان بوقلمون
که غذای کریسمس محسوب می‌شود را صرف می‌کنند
اکثر یهودیان شیرینی‌های دوناتی و نان کماجی تهیه شده
از سیب‌زمینی رنده شده می‌خورند. حاخام بن گیدعون در
رابطه با معنای حنوکا اظهار داشت:

یهودیان در چنین روزی موفق شدند از تسخیر
یونانی‌های بت‌پرست رها شوند. حنوکا جشن آزادی دین
و معجزه پیروزی محسوب می‌شود. راشل کراسلی
دانشجوی الهیات یهودیت در این رابطه اظهار داشت:
ما در این جشن به تلاش نیاکان خود برای به دست آوردن
آزادی دینی پی می‌بریم. زمانی که یهودیان در سال ۱۶۵
پیش از میلاد مسیح، بار دیگر امور معبد خود را از
یونانی‌های بت‌پرست گرفتند، متوجه شدند که روغن
موجود تنها برای روشن کردن شمع‌ها در یک روز کافی
است، اما شمع‌های روشن شده به مدت هشت روز روشن
ماند. امروزه یهودیان در هر هشت شب حنوکا شمع
روشن می‌کنند. حنوکا در زبان عبری به معنای افتتاح
است. ■

تبریک سال نو میلادی آغاز سال نو ۲۰۰۶ میلادی

یکشنبه ۱۱ دی ماه ۱۳۸۴ اول ژانویه
۲۰۰۶، سال نو میلادی است. مسیحیان
جهان تولد حضرت عیسی مسیح، کریسمس
را امسال روز چهارم دی ماه جشن گرفتند.
انجمن کلیمیان تهران با تبریک سال نو به
هموطنان مسیحی برای همه مردم جهان،
صلح، سلامتی و آرامش خاطر از خداوند
متعال طلب می‌کند.

امیدواریم ایرانیان مسیحی و سایر
اقلیت‌های دینی در همکاری و تفاهم با
هموطنان مسلمان خود بتوانند برای
سربلندی و افتخار ملت بزرگوار ایران و صلح
جهانی تلاش مشترک نمایند.

هیئت مدیره انجمن کلیمیان تهران



روز شنبه سوم دی ماه ۱۳۸۴ روحانی
عالیقدر یهودی جناب حاخام یهوشوع
تنن‌الی یکی از خادمین قدیمی جامعه
کلیمیان ایران که در کار آموزش
اصول دین و معارف یهود خدمات
شایسته‌ای به نسل‌های یهودیان ایران
نموده است بدرود حیات گفت.

جامعه کلیمیان ایران ضمن بزرگداشت
مقام این روحانی برجسته به جامعه
کلیمیان و خانواده آن مرحوم تسلیت
می‌گوید.

خاطره‌ای به یاد ماندنی

هدیه‌ای برای جشن حنوکا

حمیده مسجدی



درست می‌شود. اگر سردت است می‌خواهی برای فردا در جشن حنوکا ژاکت نو بپوشی؟ خودم آن را برایت می‌بافم طوری که آن را دوست داشته باشی. با تعجب و خوشحال سرم را بالا گرفتم و گفتم: البته. صورت مادرم با تبسمی که زیباتر از آن خنده‌ای هرگز ندیدم باز شد و گفت حالا بیا و غذا بخور، همین حالا شروع می‌کنم به شرطی که قول بدهی جدول ضرب را امشب بنویسی و بخوانی تا کاملاً یاد بگیری. منم قول می‌دهم فردا با ژاکت نو به جشن بروی، از فرط خوشحالی، لذت نوازش و بوسه‌های مادر و ژاکت تازه درد دست‌هایم را فراموش کردم. غذایم را که خوردم روی زمین نشستم و دفتر و قلم را به کار گرفتم. در نهایت تعجب دیدم مادرم ژاکت بافتنی قرمز را که برای خودش بافته بود و استفاده می‌کرد شکافت. خواهرم را نزد منیر خانم همسایه‌مان فرستاد و به او گفت: می‌خواهم یک ژاکت قشنگ با گل‌های برجسته درشت برای دختر عزیزم ببافم. او من و خواهر و برادرم را دور خود جمع کرد. با شکافته شدن ژاکت مادرم نخ‌ها به حرکت در آمدند و به دور دست‌های منیر خانم پیچیده شدند. مادر

برمی‌گشتم و آن را له می‌کردم صدای خشک و قرچ شکستن آن حال مرا جا می‌آورد. سرم رو به آسمان و اطراف بود که آیا برگی دیگر در راه است یا نه. آن روز به درب خانه که رسیدم همسایه‌ها را دیدم که با مادرم راجع به جشن حنوکا که فردا در کنیسای عراقی‌ها برگزار می‌شد حرف می‌زدند و قرار گذاشتند که همگی خانواده‌ها برای جشن به کنیسا برویم. ساکت بودم سرمای هوا آن روز مثل این بود که برف باریده، همه چیز حال مرا خراب می‌کرد به محض رسیدن به خانه برای یاد گرفتن دروس خود روی کتاب‌هایم افتادم. نفهمیدم چه موقع به خواب رفتم. دیدم مادرم بالای سرم نشسته است. برادرم در دستش بود مرا صدا زد و گفت بیدار شو. پرسید چی شده چرا ناهار نخورده خوابیدی؟ یک خبر خوب دارم مطمئن‌ام شنیدنش ترا خوشحال می‌کند فردا جشن است، جشن حنوکا، جشن روشنایی‌ها در مدرسه اتفاق کنیسای عراقی‌ها جشن است می‌خواهم همه شما را ببرم، تو می‌آیی؟ چی می‌خوری؟ چی می‌پوشی؟ چه‌ات است. جواب ندادم خودم را توی بغل مادرم انداختم و زار زار گریه کردم. گفتم دست‌هایم یخ کرده و درد می‌کند و سردم است. سرد. معلم حساب مرا به خاطر جدول ضرب جریمه کرد. هر کار می‌کنم آن را از حفظ نمی‌شوم. مادرم دستی بر روی سرم کشید. بچه را به کناری گذاشت و مرا در آغوش گرفت، صورتم را بوسید و نوازش کرد و گفت: حالا توی بغل من گرم می‌شوی، همه چیز

صورت نوزاد متولد شده سفید و گرد بود. او پسری بود آرام با موهای مشکی مخملی و چشم‌های درشت و سبزی که با دیدگان خیره‌اش به اطرافیان می‌نگریست و توجه به همه خانواده بلکه غریبه‌ها را نیز جلب می‌کرد. گوشواره‌ای گوشتی در کنار گوشش بود. با ورود این نوزاد پسر هفت شبانه روز شادی و جشن در خانه ما برقرار بود. خداوند پس از سه فرزند دختر او را به ما داده بود. هر کس نامی را برای او پیشنهاد می‌کرد. تا عاقبت نورات قدیمی موروثی خانوادگی نام یازده پشت قبلی را به نام او رقم زد. مادر عزیزم دیگر کمتر فرصت پرداختن به درس و مشق ما را داشت و تمام وقتش به خانه‌داری و بچه‌داری و شب بیداری می‌گذشت پس از آن سال به کلاس سوم ابتدایی رفته بودم. ماه مهر رو به اتمام بود و برگ‌های درختان از سبز به زرد و قرمز و طلایی تغییر رنگ می‌دادند. هوای دلچسب پاییزی آبان ماه، تغییر فصل با رشد جسمانی و شروع بلوغ برایم همراه بود. در مدرسه خانم معلم از روی مطالب کلاس فارسی درس می‌داد و ما را تشویق می‌کرد. تصاویر کتاب را نقاشی و با خط زیبا و ریز و درشت کتاب‌نویسی کنیم. در این شرایط فرصت و وقت مادرم کم و کمتر می‌شد و مشغله کاری زندگی آنقدرها مجال کمک به ما را نداشت. با شروع آذرماه هوا کم کم سردتر شد. از دیستان که با همکلاس‌هایم به خانه می‌آمدیم تمام برگ‌های زرد و خشک درختان چنار مسیر راهمان را زیر پا لگد می‌کردیم. اگر برگی جا می‌ماند دوباره



برویم.
مادرم
در
حالی
که از
شب

زنده‌داری و کار طاقت فرسا خسته بود گفت تو برو با بچه‌ها برگرد من می‌مانم شام درست کنم و در حالی که از اضطراب حضور در جشن حنوکا قرار نداشتیم دوان دوان خود را از خیابان سزاوار به خیابان آناتول فرانس، کنیسی عراقی‌ها رساندم در نهایت تعجب وقتی که وارد شدم که جشن رو به پایان بود، دوستانم با دیدن من خوشحال شدند و دسته‌جمعی به طرفم آمدند و پرسیدند تا حالا کجا بودی نمی‌دانی چه جایزه‌هایی گرفتیم. تناثر بود، سرود خواندیم و شیرینی دادند، جای خالی راستی چرا این قدر دیر آمدی؟ در حالی که بغض گلویم را می‌فشرد و سرودها و آواهای یهودی را بازخوانی می‌کردم و در دلم به رقص درآمده بودم. ژاکت گلبافته شده با دگمه‌های طلایی روی تنم را به آنها نشان دادم و گفتم برای این ژاکت، مادرم قول داد و آن را دیشب تا چند دقیقه پیش برایم بافت تا بیوشم براستی قشنگ است!!!

دوستانم با تعجب پرسیدند به همین زودی با غرور فراوان فریادگونه گفتم بله به همین زودی!

این جشن حنوکا برای من بهترین حنوکا بود. آن شب با همکلاس‌هایم شب خوبی را گذراندیم، هنوز یادها و چهره‌های آنان، ژاکت بافته شده به رنگ قرمز با گل‌های برجسته به دست مادرم، یک یادگار و هدیه فراموش نشدنی است. ■

مراسمی که همه ساله برگزار می‌شد اتفاقی بهتر از آن بود که می‌توانستم تصور کنم.

روز بعد مادرم قبل از رفتن به دبستان صورتم را بوسید و گفت امروز روز خوبی است من و خواهرم به قصد مدرسه روانه شدیم. بعد از ظهر ساعت ۲ که به خانه رسیدم مادر هنوز مشغول بافتن بود. ژاکت یقه و آستین‌اش هنوز بافته نشده بود. ولی قسمت‌های پشت و دو طرف جلو آماده بود. گل‌های قشنگی روی آن به صورت برجسته نقش بسته بود. همسایه‌مان منیر خانم نزد مادر نشسته بود و با دل‌سردی می‌گفت دیشب تا حالا خودت را برای چه به عذاب انداختی؟ این ژاکت دو روز دیگر هم تمام نمی‌شه ولش کن. مادرم گفت قول به دخترم دادم، امروز ۲ ساعت دیگر جشن شروع می‌شه. مادر با بی‌حوصلگی فرصت کوتاهی می‌خواست تا کار را تمام کند و من دلم شور می‌زد کم کم ساعت شروع جشن نزدیک و نزدیک‌تر می‌شد. ژاکت بافته شده هنوز تمام نشده بود. همسایه‌ها جمع شدند و با همدیگر رفتند و به اصرار مادر دو خواهر دیگرم با آنان همراه شدند. من و مادر ماندیم. دل نگران خیره به دست‌های مادر نگاه می‌کردم و ساعت حدود ۷ بود که دگمه‌های ژاکت دوخته شد. چه ژاکت قرمز قشنگی. یک ژاکت نو و گرم، آستین‌های آن سر دستش برگشته بود. یقه آن مدل روز ب ب بود و دگمه‌های طلایی لباس مادرم روی آن خودنمایی می‌کرد. جیب‌ها برای حفاظت دست از سرما بافته شده بود و در نهایت ژاکت مورد استفاده مادرم تبدیل به نخ کاموا و سپس ژاکتی نو و قشنگ برای من تبدیل شده بود. مادرم صورتم را بوسید و گفت آن را بیوش روی تنت ببینم. بی‌قرار بودم روی پاهایم بند نمی‌شدم گفتم مادر متشکرم خیلی دوستان دارم، دیر است

نخ‌های کاموا را دور هم کلاف کرد و آن را گرد و گردتر ساخت، ۹ گلوله کاموای بزرگ شد. بلافاصله میل‌های بافتنی دانه‌های رج ژاکت را یکی یکی در خود گرفتند. میل‌ها در همدیگر می‌پیچیدند و نخ‌ها به دور انگشتان مادرم گره و باز می‌شدند. یک نگاهم به جدول‌نویسی بود نگاه دیگرم به دانه رج‌ها، دیگر دستم درد نمی‌کرد. تند تند می‌نوشتیم با حرکت میل‌های بافتنی منم عدد‌ها را پشت سر همدیگر به ردیف خوش خط‌تر از هر زمان می‌نوشتیم. چندین بار گلوله کاموا قل خورد رفت ته اطاق دیدم آن را آوردم به مادرم گفتم مادر کی تمام می‌شه مادر گفت خیلی زود. ساعت ۷ شب بود. شب که شد پدرم به خانه آمدند مادرم سفره را انداخت و شام آورد. پس از آن هر کسی به کاری مشغول بود، پدرم خسته بود و مشغول مطالعه روزنامه عصر، میل‌ها در دست‌های نازنین مادر می‌رقصیدند و حرکت آنها آن قدر منظم و حساب شده و با مهارت بود که گاهی اوقات شمارش دانه‌های کاموا برایم جا می‌افتاد. به خودم گفتم امشب جدول ضرب که تمام شد همراه مادر می‌نشینم تا از تنهایی خسته نشود. نیمه‌های شب بود که مادرم مرا بیدار کرد و گفت برو روی تخت بخواب دیر وقت است. او مرا نگاه داشت و نیمه جلو بافت شده را روی تنم اندازه گرفت و گفت شب بخیر، از زور خستگی و خواب آلودگی نمی‌توانستم بایستم. گفتم مادر کی تمام می‌شه. مادر گفت خیلی زود برو بخواب. هیجان به خصوصی توی قلبم بود، فکر جشن فردا، نگاه کردن به نور شمع‌های درخشان منورای حنوکا و تپله‌های رنگی، فرفره‌های رنگی که به ما می‌دادند صدای موزیک و سرود. نور، شیرینی و شکلات جذابیت یک مهمانی و رقص و تصور یک جشن تمام عیار به اتفاق دوستان یهودی‌ام یا همسایگان و

ملاقات با هیئت‌های نمایندگی ادیان مختلف در دانشگاه الهیات لندن - کلیسای کانترבורی

گردهم آمدن برای گفتگو

گزارش: هارون یشایایی



اقدامات تروریستی و مقابله با بحران جاری در اروپا بود.

اینجانب که به عنوان آخرین سخنران و مسئول جمع‌بندی بحث‌های چند روزه انتخاب شده بودم در سخنرانی خود نکاتی را عنوان نمودم که اولاً به دلیل صراحت و سادگی و ثانیاً عنوان شدن از زبان یک ایرانی یهودی، برای حاضران جذابیت فراوان داشت و مورد توجه قرار گرفت.

برای آگاهی خوانندگان عزیز، نکات اصلی سخنرانی خود را در جلسه بعد از ظهر بیستم اکتبر ۲۰۰۵ (۲۸ مهرماه ۱۳۸۴) در دانشگاه الهیات لندن به شرح زیر به اطلاع می‌رسانم:

من یک ایرانی یهودی هستم، دیدگاهم طبعاً متأثر از فرهنگ ایرانی - اسلامی و حساسیت‌های ناشی از یهودی بودنم می‌باشد، اما آن چه این روزها در مسافرت به اروپا توجه مرا به خود جلب کرده و حس عجیبی بر من مستولی ساخته است که وقایع هراس‌انگیز اروپای قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم به نظرم تداعی می‌شود، از آن جهت که در آن مقطع تاریخی سرمایه‌داری نوپای اروپا به روشی تجاوزکارانه احتیاج داشت و برای تسلط بر جهان از هر بهانه‌ای استفاده می‌کرد. در آن ایام پراکنش و وحدت اروپا به شکل امروزی مطرح نبود و اروپائیان بین خود کشمکش‌های فراوان داشتند آنها برای فریب مردم جهان و بسیج مردم خود، به بهانه‌های مختلف تمسک می‌جستند، از جمله این که وجود یهودیان در کشورهای اروپایی را عامل تمام گرفتاری‌های می‌دانستند.

افسانه شاخ و برگ داده شده کشته شدن حضرت مسیح به دست مردم

روزهای ۱۷ تا ۲۰ اکتبر ۲۰۰۵ برابر ۲۵ تا ۲۸ مهرماه ۱۳۸۴ به همت موسسه گفت و گوی ادیان و با همکاری کلیسای انگلیکن جلساتی با عنوان:

«گردهم آمدن از طریق گفتگو»
BUILDING COMMUNION
THROUGH DIALOGUE در دانشگاه

الهیات لندن Theology the University of London تشکیل شد. در این جلسات هیئت ایرانی متشکل از حجت‌الاسلام محمد علی ابطحی، خانم موسوی‌نژاد و آقایان لئون داویدیان و حجت‌الاسلام حسن اسلامی اردکانی، هارون کلیمی یشایایی رئیس انجمن کلیمیان تهران و باقر طالبی دارابی از ایران شرکت داشتند که متأسفانه آقای داویدیان به علت گرفتاری‌های شخصی نتوانستند گروه را همراهی کنند. شرکت‌کنندگان دیگر هیئت‌هایی از کلیسای انگلیکن و کلیسای لوتری آلمان و کلیسای کاتولیک بودند، که در هر گروه یک نفر مسلمان نیز عضویت داشتند.

ملاقات ما با کاردینال اول کلیسای انگلیکن ARCHBISHOP OF

CANTERBURY که متجاوز از صد میلیون عضو در جهان دارد و تشکیل جلسه مشترک با مشاور نخست‌وزیر انگلیس در امور مذاهب از اهمیت ویژه برخوردار بود. موضوع‌های طرح شده در جلسات عموماً مورد توافق شرکت‌کنندگان بود و به ادامه گفتگو و بحث در زمینه اهداف و ایده‌های مشترک در تمام سخنرانی‌ها و بحث‌های جنبی برای ایجاد تفاهم تأکید فراوان شد.

اما آن چه بر فضای تمام جلسات سایه افکنده بود، موضوع تهدید تروریسم،

یهودی ...! و همچنین دروغ آشکار ریختن خون کودکان مسیحی در فطیر - ارتباط یهودیان با شیطان - تمرکز سرمایه نزد یهودیان و هزاران اتهام دیگر به طور دائم با استفاده از امکانات زمان، علیه یهودیان تکرار می‌شد. کتاب پروتکل پیران صهیون توسط پلیس روسیه در اواخر قرن نوزدهم نوشته شد، یهودی‌آزاری که در نهایت به یهودی‌کشی در روسیه - لهستان و آلمان منجر شد شکلی سازمان یافته باندهای نژادپرست نازی‌ها را به خود گرفت. این همه در شرایطی بود که امریکا قدر قدرت جهان نبود و سرمایه‌داری جهانی به این چنین قدرت شیطانی و توانایی نرسیده بود، اما با شکست کمونیسم و فروپاشی شوروی مرحله تازه‌ای در مناسبات بین‌المللی آغاز شد، امریکا به عنوان پرچم‌دار قدرت مخوف نظامی امپریالیسم عصر حاضر، انگشت تهدید خود را همه جا آشکارا نشان داد، در این مرحله نیز بهانه‌های دهان پرکن و پر هیاهو لازم بود تا افکار عمومی غرب را علیه دشمنی خود ساخته بسیج کند و شرایط سلطه بیشتر خود را در جهان امروز فراهم سازد. در شرایط جدید وجود یهودیان در اروپا نامحسوس بود و در امریکا به عنوان یکی از اهرم‌های قدرت حاکمه از آنها

طبیعی وضعیت موجود در رسانه‌های قدرتمند و تأثیرگذار غرب و نیاز صاحبان قدرت و سرمایه در جهان آشفته امروز است.

پیشنهاد من به این جمع کوچک آن است که موضوع مبارزه با تروریست را از دشمنی با اسلام و مسلمانان به طور قاطع جدا سازند، سیاستمداران و نخبگان در تمام جهان با پدیده مسلمان‌آزاری و تنفر از مسلمانان مبارزه کنند، البته بزرگان سیاست و دین در کشورهای اسلامی و غیراسلامی نیز وظیفه دارند تروریست را محکوم نموده و ارزش‌های اسلامی را برای اطلاع جهانیان یادآور شوند.

بگذارید کلام خود را با آن چه در مدخل ورودی یکی از فرودگاه‌های اروپا برایم اتفاق افتاد به پایان برسانم.

گذرنامه ایرانی خود را برای ورود به مأمور گمرک دادم، مأمورین با نگاه‌های تحقیرآمیز مرا به اتاق دیگری راهنمایی کردند و مجبور شدم به سئوال‌های پی در پی آنها پاسخ دهم و خلاصه وقتی نجات پیدا کردم که گفتم من یهودی هستم...

جالب است، اگر من در سال‌های اوایل قرن بیستم به مأمورین همین فرودگاه می‌گفتم یهودی هستم، بی‌درنگ گت بسته به بازداشتگاه فرستاده می‌شدم و مجبور بودم یهودی بودن خود را کتمان کنم و اما امروز این قصه برای هموطنان مسلمان من و سایر مردم خاورمیانه تکرار می‌شود. نظر من این است که اگر تمدن غرب خود را مروج حقوق بشر می‌داند پس مردم اروپا و آمریکا و نخبگان فرهیخته تمدن غرب موظفند با این پدیده مبارزه کنند، تا ساز تفاوت‌های رنگ پوست و مذهب و نژاد و برتری یکی بر دیگری مجدداً بوسیله دشمنان بشریت کوک نشده و مردمی بی‌گناه به مسلخ فرستاده نشوند. ■

مقتول و مصدوم می‌کنند، در این میان کمتر کسی به فرهنگ انسانی و مسالمت‌جویانه اسلام که من در آن پرورش یافته‌ام کوچک‌ترین اشاره‌ای می‌کند، اگر گفتگوهای بین ما به عنوان یک هیئت ایرانی و شما اروپاییان می‌شود در همین جلسات به پایان می‌رسد مردم اروپا حتی از تشکیل چنین جلساتی بی‌اطلاع هستند و دولت‌ها نمی‌خواهند وضع موجود را منصفانه ارزیابی کنند و دلایل ناکامی مردم مسلمان و غیرمسلمان مهاجر را بشناسند و تقصیر خود را در این موضوع مهم معلوم کنند و برای رفع آن بکوشند. آنها ناکامی‌های مهاجرین شرقی را تبدیل به چماقی کرده‌اند که به بهانه اقدامات تروریستی هر وقت لازم دیدند بر فرق این مردم فعال و کوشنده، بکوبند.

می‌توان پرسید چرا وقتی تروریست‌های «بادرماینهوف» در آلمان و «بیرکاد رُوسو» در ایتالیا و «ارتش سرخ» در ژاپن آن همه آدم‌کشی کردند هیچ‌کس مسیحیان یا بودائی‌ان یا فرهنگ آنها را مسئول ندانست...؟

جای تردید نیست که بشریت به تمدن و تلاش مردم اروپا و غرب برای توسعه علم - دانش - فرهنگ و تکنولوژی افتخار می‌کند و خود را وام‌دار فرهیختگان و تلاش‌گران این تمدن می‌داند.

اما آن چه قدرت‌طلبان و خودشیفته‌گان تکنولوژی مدرن به سرکردگی دولت آمریکا در جهان امروز عمل می‌کنند با ارزش‌ها و حقوق انسان‌ها فاصله فراوان دارد. به طور مثال مسلمان‌ستیزی در آمریکا و اروپا کاملاً محسوس است و من به عنوان یک ایرانی نگرانم، به نظر من مسلمان‌آزاری و در نهایت، خدای نکرده مسلمان‌کشی چون یهودی‌کشی در اوایل قرن بیستم، می‌تواند مصداق پیدا کند و این نتیجه

استفاده می‌شد و دولت اسرائیل تشکیل شده بود که در تجاوز به حقوق مردم فلسطین و زدوبند و معامله با غرب از خود توانایی و کارآمدی نشان داده و به این ترتیب شعار ضدیهودی کارایی لازم را برای طرح یک دعوای تازه نداشت. اینک بهانه‌ای تازه لازم بود که تنور ضدیت با مردم بی‌گناه را گرم نگاه دارد و تجاوز آمریکا به افغانستان و عراق و سایر نقاط جهان را توجیه نماید.

در زمان حاضر مسلمانان به تعداد قابل توجه در قاره آمریکا و تمام اروپا اسکان گزیده‌اند که در بازسازی اروپا بعد از جنگ دوم جهانی به عنوان نیروی کار ارزان سهم به سزایی داشتند و واقعیت این است که آنها به عنوان شهروندان این کشورها سهم اندک خود را برای یک زندگی شرافتمندانه طلب می‌کنند و می‌خواهند اعتقادات و سنت‌های خود را حفظ کنند، اما آمریکا و دولت‌های اروپایی همین درخواست حق‌طلبی سیاه‌پوستان و مردم خاورمیانه و مخصوصاً مسلمانان را بهانه تازه‌ای برای توجیه تئوری توسطه‌طلبانه خود مبنی بر تبدیل جهان به دهکده‌ای که آمریکا کدخدای آن باشد قرار دادند.

واقعه ۱۱ سپتامبر در نیویورک و تمام اقدامات تروریستی که بعد از آن انجام گرفت، ساخته و پرداخته هر کس باشد چون مانده‌ای آسمانی در دامن سلطه‌گران افتاد، اقدامات تروریستی با هر شیوه و به هر دلیل گلوله توپ تجاوزگران به افغانستان، عراق و آمریکای لاتین شد و گناه تمام آن چه را که اتفاق افتاد به مسلمانان نسبت دادند، نتیجه آن که امروزه در اروپا و آمریکا افکار عمومی و دولت‌های غربی مسلمانان را مسئول اقدامات تروریستی در جهان می‌دانند و به تعبیر قدرت‌های رسانه‌ای در آمریکا و اروپا در واقع این مسلمانان در مفهوم میلیونی آن هستند که بر کرسی اتهام نشسته‌اند، نه چند نفر تروریست بی‌هدف که کودکان و زنان بی‌گناه را

یهودیان جهان

جمهوری چک

سیما مقتدر



از حقوق طی قرون ۱۴ و ۱۵ میلادی مجدداً حرکات شدید ضدیهودی از سرگرفته شد. طی جنگ‌های سال ۳۶-۱۴۲۰

جمهوری چک با جمعیتی بالغ بر ۱۰/۲۲ میلیون نفر و وسعتی حدود ۷۸۸۸۴ کیلومترمربع در اروپای مرکزی قرار دارد. پایتخت آن پراگ است و زبان‌های چک و اسلواکی زبان‌های رسمی در این کشور است. مهم‌ترین حرکت در چک به عضویت در آمدن این جمهوری در سال ۱۹۹۹ به پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) می‌باشد.

قدمت یهودیان چک

اولین مهاجرت یهودیان «بوهم» (Böhmen) در پراگ و «محرن» (Mähren) در برون به سال ۱۰۹۰ میلادی یا به عبارتی در قرن یازدهم به ثبت رسیده است. اما به نظر می‌رسد قبل از این هم یهودیان در این منطقه سکونت داشته‌اند. در قرن یازدهم یکی از برجسته‌ترین اجتماعات یهودی اروپا در پراگ شکل گرفت. اما پس از وقوع اولین جنگ‌های صلیبی در سال ۱۰۹۶ میلادی از آزادی یهودیان کاسته شد به حدی که تحت تعقیب قرار می‌گرفتند و به اجبار به مسیحیت می‌گرویدند. در سال ۱۲۵۴ میلادی حکومت وقت برای یهودیان ساکن در بوهم و محرن امتیازات خاصی قائل شد. با توجه به امکانات وضع شده شرکت یهودیان در معاملات بازرگانی به دور از هرگونه حرکات ضدیهودی فراهم شد. اما علی‌رغم صرف‌نظر یهودیان از بسیاری

هیچگونه اجباری به نصب علامت خاصی برای مشخص نمودن مذهب خود نداشتند. از این پس ارزش فرهنگی و اقتصادی جامعه یهود ارتقاء یافت.

در سال ۱۸۹۰ میلادی در بوهم بالغ بر ۹۵۰۰۰ یهودی و در محرن ۴۵۰۰۰ یهودی سکونت داشتند که اکثراً به زبان‌های چک و آلمانی تکلم می‌کردند. در نیمه دوم قرن نوزدهم به دنبال ترک جمع کثیری از یهودیان معتقد و روستائین از روستاها، بسیاری از انجمن‌های محلی منحل شدند. این حرکت که در راستای مدرنیته شدن و تغییر دادن فرهنگ بود، در کشور چک معنای خاصی یافت چرا که آنها می‌بایست میان دو فرهنگ آلمانی و چک یکی را بپذیرند. در ابتدا هدف از اتحاد، تابع شدن جمع اقلیت پیرو فرهنگ آلمانی مدنظر بود. این امر باعث ایجاد مخالفت‌های ضدیهودی اهالی چک شد زیرا از دید آنها یهودیان موافق با فرهنگ آلمانی بودند. در کنار تنش و جنبش میان یهودیان و اهالی چک فعالیت‌های صهیونیستی در پراگ فعالیت خود را آغاز نمود. جمهوری چکسلواکی که پس از جنگ جهانی اول

تاریخ یهودیت به تبع وضع جغرافیایی خود متحمل سرنوشت‌های مختلفی شد: عده‌ای مجبور به ترک مناطق مسکونی خود شدند و عده‌ای دیگر که به طور مثال ساکن پراگ بودند کماکان در این منطقه به سکونت خود ادامه دادند. جامعه یهود محرن در قرن شانزدهم اکثراً در شهرهای کوچک و روستایی زیرنظر حکومت‌های مذهبی یا غیرمذهبی سکونت داشتند. اما یهودیان بوهم منحصر در پراگ حضور داشتند. در قرن هفدهم جمع کثیری از یهودیان لهستان در پی کشتار یهودیان به بوهم و محرن پناه بردند. تجمع کثیری از یهودیان رانده شده از اطریش نیز در سال ۱۶۷۰ نیز به چک گریختند. در سال ۱۷۲۶ میلادی با وضع قوانین ازدواج و مشخص نمودن هزینه برای ثبت آن به جمعیت یهودیان نظم داده شد. هماهنگی و سازش ژوزف دوم در سال ۱۷۸۱ میلادی با یهودیان بعدها سرآغاز تساوی حقوق آنان شد. زیرا این امر بهره‌گیری یهودیان از آموزش ابتدایی و مقاطع تحصیلی بالاتر را ممکن ساخت و بدین ترتیب آنها وارد امور تجارت و اقتصاد شدند و دیگر

داشت و تصمیم گرفت کماکان در چک بماند. گرچه دست‌یابی و تغییر ساختار این جامعه پس از سال‌ها زندگی کمونیستی ناممکن به نظر می‌رسید همکاری فشرده وی با جوانانی که علاقمند به یهودیت بودند چگونگی مسئولیت را برای وی مشخص نمود. او به عنوان تنها رهبر مذهبی معتقد در این کشور می‌گوید: «از میان دوازده رهبر مذهبی خارجی که در این انجمن فعالیت داشتند من تنها فردی هستم که تصمیم گرفتم مدت طولانی در پراگ اقامت کنم. من متوجه شدم که حضور من برای کسانی که مایل به آشنایی با یهودیت اصیل می‌باشند موثر است». از دو سال پیش تاکنون در مرکز اصلی یهودیان پراگ هر هفته مراسم مذهبی اجرا می‌شود. در این مراسم حدود ۲۰ تا ۴۰ نفر به طور منظم حضور پیدا می‌کنند. علاوه بر آن هر هفته کلاس‌هایی برای افرادی که مایل به آشنایی با یهودیت هستند تشکیل می‌شود. اکثر شرکت‌کنندگان در این کلاس‌ها دارای ریشه‌های یهودی هستند اما اطلاعاتی از این مذهب ندارند. از زمان حضور وی در پراگ بالغ بر ۴۰ نفر تحت نظر او به یهودیت رجوع کرده‌اند. «مرتبا به افرادی برمی‌خورم که معتقدند ریشه یهودی دارند و مایلند مجدداً راه خود را در جامعه باز یابند اما نمی‌دانند چگونه». جهت کاهش جدایی میان گروه‌های مختلف جامعه یهود، در انجمن پراگ اقداماتی انجام می‌شود که جامعه اکثریت نیز از آن بی‌خبر نمی‌مانند. به عنوان نمونه هوفبرگ در سال جاری جهت کاهش تعصبات مذهبی، مراسم جشن پوریم را با شرکت اعضاء مذهبی-

امریکا و اسرائیل به پراگ، برون، پیلزن و کارلزباد خبر از آینده‌ای روشن و امیدوارکننده می‌دهد.

وضعیت یهودیان در قرن حاضر

جوانک کاملاً آشفته به نظر می‌رسد. او تنها ۲۰ سال دارد و از زمانی که تعریف‌های مادرش را شنیده دچار چنین تشویشی شده. جوانک برای نجات از وضع خود نزد حاخام (رهبر مذهبی یهودیان) می‌رود و ماجرا را برای او شرح می‌دهد. مشکل او از این قرار است که بر طبق تعاریف مادرش که خود زمانی پیرو مکتب کمونیست بوده، مادر بزرگ جوانک یهودی الاصل است و جوانک بیم آن را دارد که اگر واقعا یهودی باشد جامعه اکثریت وی را طرد خواهند کرد.

«رون هوفبرگ» به عنوان رهبر مذهبی این منطقه با سئوالاتی از این دست زیاد روبرو می‌شود. وی که در گذشته ریاست مجمع حخامیم انستیتیوی مذاهب شمال نیوجرسی را عهده‌دار بوده پس از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به پراگ می‌رود و در آنجا جمعیت حمایت از یهودیان مذهبی را تأسیس می‌نماید. مشاهدات وی خبر از یک شوک فرهنگی می‌دهد که یهودیان امریکایی زمانی که سعی در حل اختلافات و جدایی میان یهودیان بلوک شرق در گذشته بودند این شوک را تجربه کرده بودند.

«هوفبرگ» در آغاز مسئولیت انجمن یهودیان لیبرال پراگ را عهده‌دار بود. اعضای این انجمن اکثراً یهودیان غیربومی و گردشگران بودند. اما طی کمتر از یک سال وی این انجمن را به دنبال عدم موافقت با شرایط کاری خود ترک نمود. او در آن زمان ۵۷ سال

تأسیس شده بود در زمان حکومت اولین رئیس جمهور خود با وجود حرکات ضدیهودی در سال‌های ۱۹۱۸ تا ۱۹۲۱ میلادی با درخواست جریان صهیونیستی مبنی بر تشکیل شورای ملی یهودیان موافقت نمود و در قانون اساسی خود در سال ۱۹۲۰ حق تابعیت یهودیان را نیز پذیرفت. چکسلواکی تا سال ۱۹۳۸ همزمان با انعقاد توافق مونیخ دارای یهودیان زیادی بود. در بوهم بالغ بر ۷۶۰۰۰ یهودی، در محرن ۴۱۰۰۰ و در اسلواکی ۱۳۷۰۰۰ یهودی سکونت داشتند. شهر کارباتو در روسیه و قسمتی از اسلواکی نیز که در اواخر ۱۹۳۸ از مجارستان جدا شده بودند دارای ۱۰۳۰۰۰ یهودی بودند.

بدین ترتیب در مجموع در سال ۱۹۳۰ میلادی بالغ بر ۳۵۷۰۰۰ یهودی در چکسلواکی ساکن بودند. بعضی از آمار حاکی از آن است که بعد از سال ۱۹۳۳ حدود ۴۰۰۰۰ پناهنده یهودی از آلمان و اطریش نیز به این منطقه گریختند. اما با آغاز جنگ جهانی دوم بیش از ۲۵۰ هزار یهودی در جریان یهودی‌کشی نازی‌ها جان باختند که از این تعداد تنها ۷۷۲۹۷ یهودیان بوهم و محرن بودند. پس از پایان جنگ تنها حدود ۵۵۰۰۰ یهودی در چکسلواکی سکونت داشتند.

بعد از انقلاب صلح‌آمیز سال ۱۹۸۹ میلادی و جدایی دو کشور چک و اسلواکی تأسیس جمهوری چک در ۱۹۹۳ تجدید حیات یهودیت در این کشور به ویژه در پراگ به چشم می‌خورد. سال ۱۹۹۷ در چک حدود ۵۰۰۰ یهودی زندگی می‌کردند که ۴۰۰۰ نفر آنها تنها در پراگ سکونت داشته‌اند. مهاجرت جمع کثیری از یهودیان نیز از



حاخام رون هوفبرگ

ارتودکس و رفرم در کنار یکدیگر برگزار نمود.

او می‌گوید: «مخاطبین ما افرادی هستند که از کشمکش‌های دائمی و اینکه چه کسی از بقیه مقام بالاتری دارد گریزان هستند. برای شخص من واقعاً ناراحت کننده است که انسان‌ها این‌طور فعال و خستگی ناپذیر و در عین حال عصبی به یکدیگر پرخاش می‌کنند. من شخصاً در این منازعات از هیچ طرفی حمایت نمی‌کنم. هدف باید ایجاد انجمن و گروهی باشد که با آغوش باز پذیرای همه یهودیان باشد.»

«هوفبرگ» که امریکایی‌الصل است تنها در پراگ فعالیت نمی‌کند. او رسماً حاخام (رهبر مذهبی) شهرهای دسین و پیلزن هم می‌باشد. این دو شهر از جمله ده شهری به شمار می‌آید که در جمهوری چک دارای جامعه یهودی است. سومین کنسای بزرگ دنیا قرار بود در شهر پیلزن باشد که اخیراً هوفبرگ در آنجا مراسم شبات را برگزار نموده است. اما در حال حاضر از این کنسای بیشتر برای اجرای کنسرت و

مراسم فرهنگی استفاده می‌شود. بدین ترتیب اجرای مراسم مذهبی شبات پس از گذشت بیش از یک دهه در این کنسای برگزار شد. در این مراسم حدود ۴۰ نفر شرکت داشتند. از نظر هوفبرگ حضور این تعداد شرکت کننده برای جامعه‌ای که در ابتدای راه بازگشت به یهودیت است رقم امیدوار کننده‌ای است. هوفبرگ برای شهر دسین یک جلد تومار تورات از شهر «اوتسراوا» در چک تهیه نموده است. بدین ترتیب جامعه یهود دسین که حدوداً دارای ۱۲۰ عضو می‌باشد برای اولین بار پس از جنگ جهانی دوم دارای یک جلد تومار تورات شد.

معاون رئیس انجمن یهودیان دسین می‌گوید سال‌هاست که اعضا زیادی از این انجمن مایل به فعال نمودن مجدد جامعه یهود در این شهر هستند. اما تاکنون موفقیتی نداشته‌اند. اما پس از حضور هوفبرگ پیشرفت‌های خوبی صورت گرفته است. او می‌گوید: «هوفبرگ علاوه بر برگزاری سخنرانی‌های جذاب در مورد یهودیت با شوخ طبعی و سبک شیوای سخنرانی مخاطبین زیادی را به خود جلب نموده است. علاوه بر آن وجود تومار تورات جدید و تعمیرات در کنسای حاکی از آغاز یک دوره پیشرفت و ارتقاء در این جامعه است.»

البته در آغاز، کار به این آسانی نبود. اوائل وظایف هوفبرگ در این مسئله خلاصه می‌شد که مشخص نماید چه افرادی یهودی‌الصل هستند و چه کسانی رسماً اجازه پذیرش دین یهود را دارند اگر مادر آنها یهودی نباشد. طی جنگ جهانی دوم هزاران یهودی اسنادی را که هویت یهودی بودن آنها را به اثبات می‌رساند برای رهایی از انتقال به

بازداشتگاه‌های مرگ سوزانده شدند. از آنجائی که در دوره کمونیستی نیز یهودیان مورد تعقیب بودند بعد از خاتمه جنگ نیز تمایلی به مشخص کردن مذهب وجود نداشت. به عنوان نمونه می‌توان به فردی اشاره نمود که پس از مدتی به یهودیت رجوع نمود. اما پس از آن مدارکی پیدا شد که وی اصالتاً یهودی بوده است.

هوفبرگ می‌گوید: «با گذشته‌ای که این افراد داشتند همه چیز را فراموش کرده‌اند. بدین ترتیب در این سرزمین عملاً در حال حاضر روند بازپایی وجود دارد.»

مشکل دیگری که هوفبرگ به عنوان رهبر مذهبی با آن روبروست، حضور جمع کثیری از ملحدین در جمهوری چک است. این کشور دارای بالاترین آمار ملحدین میان کشورهای اروپایی است. وجود چنین فضایی بالطبع کار وی را مشکل‌تر می‌سازد. زیرا تعداد زیادی از افرادی که مردد به پذیرش یهودیت هستند از مذهبی بودن نیز واهمه دارند. آنها نگران هستند که اگر یهودیت را بپذیرند باید کلاه مشکی بر سر داشته باشند و کناره‌های ریش خود را نیز اصلاح نکنند.

اغلب از هوفبرگ این سؤال پرسیده می‌شود که چرا افرادی که دارای خانواده یهودی هستند فقط به شرط داشتن مادر یهودی، یهودی شمرده می‌شوند، او پاسخ این سؤال را به وضعیت رانندگانی شبیه می‌داند که سال‌ها بدون داشتن گواهینامه رانندگی عملاً رانندگی می‌کنند و با فوت و فن این کار آشنا هستند. اما آنها رسماً زمانی اجازه رانندگی دارند که گواهینامه رانندگی را پس از مراحل رسمی و قبولی در امتحانات مربوطه اخذ نموده باشند. ■



به یاد یهودی منوهین ویولونیست

و هنرمند انسان دوست

رامیار بهزادی

وی اعطا شد. در ۱۹۷۹ به خاطر انتشار کتابش با نام «موسیقی انسان» از طرف «اتحادیه ناشران آلمان» به وی جایزه صلح داده شد. در سال ۱۹۹۲ منوهین به سمت ریاست شورای بین‌المللی موسیقی یونسکو، Unesco برگزیده شد. سال بعد از آن توسط ملکه انگلستان الیزابت دوم، Elizabeth II به عضویت مجلس اشراف انگلستان درآمد.

منوهین در ۲۰ سال آخر عمرش عمدتاً در سمت رهبری ارکستر کارکرد و خود را وقف موسیقی نمود. یهودی منوهین در ۲۲ ماه مارس سال ۱۹۹۹، در برلین درگذشت. وی انسانی خارق‌العاده بود که در تمام زندگی‌اش کوشید تا کاری برای ساختن دنیایی بهتر، دنیایی خوشبخت‌تر و دنیایی سرشار از صلح و صفا انجام دهد. منوهین همواره به عنوان انسانی که دنیا را وطن خود می‌دانست و هنرمندی کامل و هم‌چنین به خاطر انسانیتش در یادهای ما زنده خواهد ماند.

«هر آن چه انسان واقعاً خواهان انجام آن است و دوست دارد انجام دهد، باید هر روز به انجام آن بپردازد. برای هنرمند می‌بایست این کار به همان آسانی باشد که پرواز برای پرنده است. نمی‌توانیم پرنده‌ای را تصور کنیم که به خود بگوید: «خب، امروز خسته‌ام، امروز پرواز نمی‌کنم.» ■

گرفت. از این رو بود که در سال‌های دهه ۱۹۵۰ ملاقاتی عجیب و در عین حال بسیار جالب بین منوهین و راوی شانکار Ravi Shankar موسیقی‌دان برجسته و نوازنده چیره‌دست سیتار هندی روی داد. حاصل این ملاقات، کنسرت‌ها و صفحات موسیقی مشترک بودند. یهودی منوهین در طول زندگی‌اش همواره نه تنها به عنوان هنرمندی بزرگ، بلکه هم‌چنین به خاطر تلاش‌های انسان‌دوستانه‌اش مورد تحسین قرار می‌گرفت. او وقت خود را صرف دفاع از حقوق بشر کرده و به قربانیان جنگ و کودکان پناهنده کمک می‌نمود. در طی جنگ جهانی دوم، منوهین ۵۰۰ کنسرت برای نیروهای متفقین اجرا کرد. پس از پایان جنگ نیز برای اسرای آزاد شده از بازداشتگاه‌های آلمان کنسرت‌های متعددی داد.

وی هم‌چنین برای حمایت از نسل جوان هنرمند تلاش‌های زیادی به عمل آورد. از این رو در سال ۱۹۹۳ مدرسه موسیقی منوهین School Yehudi Menuhin در لندن را برای جوان‌های با استعداد تأسیس کرد. او بنیادهای موسیقی چندی را تأسیس کرد و برنامه‌های ویژه‌ای تدارک دیده تا به کمک آنها معلولین و افراد بی‌بضاعت بتوانند به موسیقی دسترسی داشته باشند.

از منوهین به خاطر تلاش‌های انسان‌دوستانه‌اش به دفعات با اعطای نشان‌هایی قدردانی به عمل آمد. به طوری که در سال ۱۹۶۰ «جایزه صلح نهرو» به

به یاد آوریم یهودی منوهیم Yehudi Menuhin را، که یکی از خوش‌قریحه‌ترین ویولنیست‌ها و هنرمندان انسان‌دوست جهان در قرن بیستم بود، هنرمندی که به نیروی درمان‌گر موسیقی ایمان داشت و نه تنها با موسیقی‌اش بلکه با اعمال انسان‌دوستانه‌اش انسان‌ها را متأثر می‌کرد. در ۲۲ آپریل ۱۹۱۶ یهودی منوهین، در خانواده مهاجری روسی-یهودی در نیویورک به دنیا آمد. در سیزده‌سالگی به عنوان تکنواز در صحنه‌های بین‌المللی ظاهر می‌شد و به نام «کودک نابغه ویولنیست قرن» مورد ستایش قرار می‌گرفت. اما منوهین فقط به خاطر توانایی‌های تکنیکی‌اش جلب توجه نمی‌کرد، وی با نوا سرشار از احساس انسان‌ها را تحت تأثیر قرار می‌داد. آلبرت اینشتین که صدای ویولون منوهین را در کنسرتی شنیده بود چنین گفت: «حال می‌دانم که خدایی در آسمان وجود دارد». پس از آن پیشرفت‌های منوهین سرعت نفس‌گیری پیدا کرد به طوری که منوهین در دهه‌های بعد با بهترین ارکسترهای دنیا و معروف‌ترین رهبران ارکستر همکاری می‌کرد.

علاقه او به فرهنگ‌های دیگر و عرصه‌های گوناگون موسیقی باعث شد که وی سفرهای متعددی به شرق بنماید، از جمله چندین بار به ایران سفر کرد و با ارکستر سمفونیک تهران کنسرت‌هایی اجرا نمود. منوهین توانایی‌های خویش را در زمینه موسیقی غیر کلاسیک نیز به کار

اظهار نظر همکاران ما در انجمن کلیمیان تهران

- در کمیته فرهنگی برقراری ارتباط با مراجعین از جمله: محققین، دانشجویان، اساتید دانشگاه‌ها، نویسندگان، مترجمان، علمای حوزوی و افراد عادی است، که در زمینه‌های مذهبی افراد مذکور پس از پاسخگویی مقدماتی توسط اینجانب، در صورت نیاز به آقای دکتر حامی‌لاله‌زار (کارشناس مذهبی) و در مورد مسائل سیاسی و امور انجمن به آقای یشایایی برای پاسخگویی نهایی ارجاع داده می‌شوند.

- در نشریه بینا اداره امور داخلی، مراجعین، امور اداری، پاسخگویی به مکاتبات نشریه، قسمت مالی، امور مشترکین، حروفچینی و صفحه‌بندی به عهده من است و به علت کمبود پرسنل موظف در نشریه بینا اینجانب و همه اعضا همکار بیشتر از مسئولیت محوله خود همکاری می‌کنیم و سعی بر این داریم که کاری زمین نماند.

- امور مربوط به کمیته فرهنگی پس از ارجاع با همکاری انجام می‌شود که تنظیم حضور و برقراری ارتباط با همایش‌ها، سخنرانی‌ها، کنگره‌های بین‌المللی، تنظیم قرارهای مصاحبه (حضور، تلویزیونی، پاسخگویی کتبی) از مسئولیت‌های اینجانب می‌باشد. همچنین برگزاری نمایشگاه‌های کتاب در دوران چهارساله بسیار موفق بوده و جوابگوی بسیاری از دانشجویان و طلاب حوزه‌های علمیه بوده‌ایم و برقراری ارتباط فرهنگی با جوامع غیر یهودی و یهودی خارج از کشور و اعزام نمایندگانی برای شرکت در همایش‌های بین‌المللی و برگزاری جشن‌های تقدیر از دانش‌آموزان ممتاز و برگزاری کلاس‌های تعلیمات دینی جمعه‌ها و تهیه کتاب و برنامه‌ریزی آنها از امور مهم انجام شده در کمیته فرهنگی است.

- فکر می‌کنم هیئت مدیره مثبت عمل کرده، با توجه به این که در یک سیستم هدفمند نمی‌توان گفت تمام کارها مطلقاً

- انتظار دارم در ایام هفته یکی از اعضا هیئت مدیره به جز رئیس و خزانه‌دار در انجمن حضور داشته باشند.

- در تمامی مواردی که هرگونه مسأله و مشکلی در ارتباط با جوابگویی به مراجعین داشته باشیم از آقای یشایایی یا آقای میکائیل که حضور دائم و فعال در انجمن دارند کمک می‌گیریم و دوست دارم سایر اعضا هیئت مدیره نیز با امور مربوط به جامعه کلیمی به طور مسئولانه‌تری برخورد کنند.

- در ارتباط با مردم ۷۰٪ جوابگویی اولیه مراجعین به عهده من است و الحمدالله تا این لحظه هیچ فردی به جز افرادی که خواسته‌ای خلاف با ضوابط و شرایط انجمن را داشته‌اند از برخورد من ناراضی نبوده‌اند.

یکی از خدمتگزاران قدیمی کادر پرسنلی انجمن کلیمیان تهران جلال یاشار که متأسفانه به علت کسالت مدتی است در دبیرخانه انجمن حضور نمی‌یابند.

با آرزوی سلامتی هر چه زودتر آقای جلال یاشار، امیدواریم به کار خود در دبیرخانه انجمن ادامه دهند.

اتاق کمیته فرهنگی ۲ اتاق متصل به هم که از پر رفت و آمدترین اتاق‌های انجمن است با اولین کسی که روبرو می‌شوی:

- نسترن جاذب هستم و مسئولیت مدیریت امور داخلی نشریه بینا و کمیته فرهنگی را دارم. دارای ۱۸ سال سابقه کار و حدوداً چهار سال است که در انجمن مشغول به کار می‌باشم. قبل از اشتغال در انجمن آخرین کارم، در رسانه بین‌المللی صدا و سیما، بوده است و در همین دوره هیئت مدیره آغاز به فعالیت کرده‌ام.

خیابان جمهوری، خیابان شیخ‌هادی، ساختمان دارایی، طبقه سوم تابلوی کوچک فلزی را می‌بینی که به رویش حک شده: «انجمن کلیمیان تهران».

ساختمانی قدیمی است شاید حدود ۴۰-۵۰ سال ساخت، در را که باز می‌کنی در یک صحن مستطیل شکل ۷-۸ در گشاده برویت خودنمایی می‌کند که کنار هر یک حک شده: کتابخانه، امور فرهنگی، حسابداری، امور ورزشی و هنری جوانان و ساختار ساختمان کاملاً اداری است و یک سیستم اداری مفصل را کاملاً جوابگوست در راهرو چند قاب عکس از شرکت جامعه کلیمی و انجمن کلیمیان در مناسبات ملی از جمله رحلت امام و غیره می‌بینی و بعد یک کاغذ سفید که رویش نوشته شده به طرف دبیرخانه انجمن کلیمیان تهران ← نظرت را به خود جلب می‌کند.

در اتاق دبیرخانه خانمی جوان پاسخگوی شماست.

* شیوا آقابالا هستم و از آبان ماه سال ۸۰ افتخار همکاری با انجمن را داشته‌ام و مسئولیت امور اجرایی دبیرخانه انجمن کلیمیان از قبیل: پاسخگویی اولیه به مراجعین، تلفن‌ها، مکاتبات و ارتباطات با دیگر نهادهاست.

- به نظر من بالاترین رئوس در این دوره کاری کامپیوتری کردن دبیرخانه و همایش جوانان کلیمی شهرستان‌ها بود.

- در دوره جدید در کارمان قرار بود اموال انجمن در نهادهای انجمن شماره‌گذاری شود که این کار انجام نشد، انشاءالله در دوره بعد.

- در رابطه با هیئت مدیره مستقیماً با خزانه‌دار آقای میکائیل در رابطه هستیم و با بقیه نه، آقای میکائیل خزانه‌دار انجمن هستند و در همه بخش‌ها فعالیت دارند و من در جوار ایشان مشغول به کار می‌باشم.

تایبست در مرکز کامپیوتر- همکاری با حسابداری انجمن

- راحل رحیمی مقدم هستیم، از تیرماه سال ۸۲ مشغول به کار در مرکز کامپیوتر جهت تایپ فرهنگ حیم شد و از خرداد سال جاری همکاری خود با حسابداری انجمن شروع کردم که همچنان ادامه دارد.

- به نظر من مهمترین تحولات از نظر امور فرهنگی و اهمیت با امور جوانان بوده است.

- انجمن کلیمیان در حد توانایی و اختیارات خود به بررسی و حل مشکلات افراد جامعه پرداخته.

- انتظار دارم همکاری و دخالت جوانان و فعالیت آنها در ارگان‌های انجمن و امور مربوط به جامعه کلیمی بیشتر شود.

- در دوره آینده کل هیئت مدیره باید فعالیت داشته باشند و نه فقط در حد ۲ یا ۳ نفر.

کمیته املاک اتاقی که یکشنبه‌ها

پرهیمه است:

- من کرامت‌الله آرمن، سابقه فعالیت من در انجمن از خرداد ماه سال ۱۳۷۷ شروع شده، مدت کوتاهی در حسابداری بودم و تا به حال در امور املاک انجام وظیفه می‌کنم و تقریباً ۳ دوره از هیئت مدیره در انجمن حضور داشتم که هر سه دوره به ریاست آقای یشایایی بوده.

- فعالیت‌ها بیشتر در رابطه با املاکی که شامل اجاره و وصول اجاره بوده و املاکی مثل کنیسا و ... که اگر مشکلاتی مثل تعمیرات یا مشکلاتی در مورد کارهای شهرداری و در رابطه به ادارات برق و گاز و دیگر املاکی که برای خرید و فروش که در شهرستان‌ها انجام شده و حفظ حقوق مالکانه انجمن کلیمیان در تهران و شهرستان‌ها و

کتاب‌هایی که در مورد یهودیت بوده که بهترین نمونه آن سیری در تلمود، عدالت کیفری در دین یهود یا داستان پیامبران و چندین کتاب دیگر که در آن همکاری با مترجمان و نویسندگان داشتیم. همچنین چاپ مقالاتی در مورد یهودیت در نشریات مختلف و شرکت در کنفرانس‌ها در کنار آن هم مسأله کثروت بوده و در مورد ذبح و کنترل بر مراکز سرو غذای کاشر که همکاری داشتیم.

- در رابطه با کمیته کثروت در دو قسمت شوخطیم یا ذابحین پرند که مشکلاتی در جامعه وجود دارد.

- ارتباطات مردمی طی چهار سال که اینجا بودم و قبل از آن که آقای حکاکیان اینجا بودند به وضوح پیشرفت کرده و از نظر تعداد مراجعین و از لحاظ همکیشان هم محدودیتی وجود نداشته چه داخل انجمن چه خارج آن با من تماس داشته‌اند و یا در مواردی که لازم بوده به آقای آبائی مراجعه می‌کردند.

- این دوره انجمن سرمایه‌گذاری زیادی در کمیته فرهنگی و ارتباطات انجام داده و یکی دیگر فرهنگ حیم که سال‌ها زمین مانده بود و حالا هیئت مدیره فعلی پیگیری این مسأله را کردند و ترجمه قسمت‌ها و گزیده‌هایی از سیدور، کتاب آموزش آلفبت، ترجمه فارسی پیرقه آووت از کارهای خوبی است که در این دوره انجام شد.

- کمیته فرهنگی نیازهای بیشتری دارد از جمله تجدیدنظر در کتاب‌های تعلیمات دینی است و پیگیری در زمینه‌های کثروت است به عنوان تعهدی که انجمن کلیمیان در قبال جامعه دارند که باید در این مورد با قدم همت پیش روند.

اتاق حسابداری:

- فرانک فاخریان هستم سابقه خدمت من شش سال است و مسئول حسابداری انجمن کلیمیان هستم و در ۲ دوره از هیئت مدیره با ریاست آقای یشایایی در انجمن حضور داشتم.

- حسابداری که از اسمش پیداست بررسی حساب‌های انجمن کلیمیان است و کارهای اینجا یکنواخت است و فقط حسابرسی است و تغییر خاصی نداشتیم.

مثبت یا همه منفی بوده است. اصل را بر این می‌دانم که اگر در کفه ترازو امور را بسنجیم، کفه نقاط مثبت سنگین‌تر و بیشتر بوده است، فکر می‌کنم مشکل عمده و لاینحل که نشود با گفتگو حل کرد نداشتیم.

- در دوره‌ای که من حضور داشتم از لحاظ ارتباط مردمی انجمن خیلی قوی عمل کرده و هیئت مدیره انجمن بیشترین و متخصص‌ترین و پرقابلیت‌ترین نیرو را در این قسمت به کار گرفته است و قسمت جوابگویی به متقاضیان، حرفه‌ای‌ترین و بهترین قسمت انجمن بوده و ما تمام سعی خود را انجام داده‌ایم تا همه افراد راضی باشند، برگزاری جلسات سخنرانی‌ها و همایش‌ها خود نشان‌دهنده این ارتباط قوی است.

وسپس

- نوید هارون شیلی هستم از تیرماه سال ۸۳ در انجمن در قسمت کمیته فرهنگی فعالیت می‌کنم و بیشتر امور اجرایی قسمت کمیته فرهنگی از جمله توزیع مجله بینا و امور اجرایی قسمت‌های دیگر به عهده من است.

- کار خوبی که داره شروع می‌شه و مرحله اول آن انجام شد همایش جوانان بود که البته باید منسجم‌تر و با برنامه‌تر باشه.

- حضور نداشتن همه اعضا هیئت مدیره در انجمن کمی مشکل‌ساز می‌شود یعنی هرگونه مشکلی داریم با آقای میکائیل یا آقای یشایایی یا آقای آصف مطرح می‌کنیم و حضور بقیه در انجمن کم‌رنگ است.

اتاقی که دوشنبه‌ها و پنج‌شنبه‌ها

در آن را باز می‌بینی:

- یونس حمامی لاله‌زار هستم از سال ۸۰ به طور رسمی به عنوان یکی از اعضا کمیته فرهنگی شروع به کار کردم و قبل از آن هم در چاپ کتاب‌های عبری فرهنگ دینی دوره دبیرستان و چاپ تقویم همکاری داشتم، به عنوان کارشناس دین یهود قسمت اصلی کار ما پاسخگویی به سؤالاتی است که از طرف محققین، دانشجویان و نویسندگان در رابطه با یهودیت از کمیته فرهنگی می‌شود و در کنار آن چندین مورد

من خودم در مجموع ناراضی هستم. ضعف‌هایی در کار ما وجود داشت.

- رسیدگی به وضعیت سازمان‌ها کم بود

نوید یمینی یکی از اعضای کمیته جوانان همچون اکثر اعضای آن معتقد است که برگزاری همایش جوانان شهرستان‌ها، موفق‌ترین فعالیت این دوره کمیته جوانان بوده است. او یکی از ایرادات این دوره را صرف وقت زیاد برای آماده‌سازی زیر ساخت‌ها در ابتدای دوره دانست، هر چند که وی معتقد است که این زیرساخت‌ها نهایتاً به نتیجه رسیدند. او می‌گوید: در این دوره رسیدگی به وضعیت سازمان‌ها کم بود و به همین خاطر، حالا که در انتهای دوره هستیم، وضعیت سازمان‌ها تا حدی بحرانی است.

- بی‌هویتی و جوانان

فرید یاشار، یکی از اعضای فعال و قدیمی کمیته جوانان معتقد است که جوانان فعالیت‌های اشتراکی را از یاد برده‌اند و تمام فعالیت‌های کمیته جوانان فقط توسط گروه خاصی از اعضای آن انجام می‌شود. او می‌گوید: نوعی بی‌هویتی بین جوان‌ها پیدا شده، دیگر کسی برای عشق به جوان‌ها و جامعه فعالیت نمی‌کند. این ضعف بزرگی است که برای حل شدن به زمان نیاز دارد.

- حمایت‌های مالی انجمن، یک پشتوانه محکم برای فعالیت

دانیل ذریمانی، نماینده سازمان دانشجویان در کمیته جوانان معتقد است که کمیته روند مثبتی را طی کرده و هیچ نقطه تاریک در روابط سازمان دانشجویان و کمیته جوانان وجود نداشته است. او می‌گوید: همین که ما این پشت‌گرمی را داریم که انجمن هزینه‌های ما را پرداخت می‌کند باعث می‌شود که انجام کارها برای ما راحت‌تر شود.

ناتان نامدار، نماینده خانه جوانان، ضمن تأیید صحبت‌های دانیل ذریمانی می‌گوید که کمیته در مورد فعالیت‌های ورزشی، ضعیف عمل کرد. او معتقد است که کمیته جوانان در برنامه‌ریزی‌های ماهانه و نیز تهیه تابلوهای دیواری و نحوه اجرای برنامه‌های خانه جوانان مؤثر بوده است.

شهاب شهامی‌فر، نماینده سازمان جوانان گیشا، بزرگ‌ترین معضل کمیته جوانان را دو

جوانان کلیمی از رئوس کاری اینجانب در کمیته جوانان بود.

به نظر من در طول سابقه فعالیتیم انجمن از لحاظ مالی حمایت‌کننده خوبی برای سازمان‌های جوانان بوده و نیز از لحاظ پیگیری نامه‌ها و درخواست‌ها به خوبی عمل کرده است و از نقاط ضعف، می‌توان دو مسئله بودن کمیته جوانان را نام برد.

- نتوانستیم برای جوانان، فرصت‌های شغلی ایجاد کنیم.

فریدون طوبی یکی از مسئولان کمیته جوانان در ارزیابی وضعیت کمیته جوانان میدان دادن به جوانان و تشویق آنها برای فعالیت‌های اجتماعی را مهم‌ترین نکته قابل توجه در این دوره از فعالیت این کمیته داشته و می‌گوید: کار و فعالیت در شرایط فعلی به جز از همکاری سازمان‌ها و جوان‌های جامعه، امکان‌پذیر نیست. وی معتقد است که بزرگ‌ترین موفقیت کمیته جوانان این است که تعدادی نماینده از بین اعضای این کمیته برای هیئت مدیره انجمن کلیمیان کاندید شوند.

فریدون طوبی، یادآور می‌شود که علی‌رغم وجود نکات مثبت در فعالیت‌های این کمیته، کمیته جوانان نتوانست برای جوانان فرصت‌های شغلی ایجاد کند. وی همچنین حضور خانم‌ها در این دوره از فعالیت کمیته را مثبت ارزیابی می‌کند.

- من ناراضی هستم.

کاوه دانیالی، یکی دیگر از مسئولان کمیته جوانان درباره سابقه فعالیت اعضای این کمیته می‌گوید: در واقع ما، نسل جدید فعالین اجتماعی هستیم. دانیالی معتقد است که این نسل جوان از واژه‌های ساختار و سیستم زیاد استفاده کرده اما در پایان دوره، برای همه اعضای کمیته جا افتاد که می‌توان به جای استفاده از روش‌های سنتی، از روش‌های جدول‌بندی و کلاسه شده استفاده کرد.

دانیالی معتقد است که: اکثر ما در فرهنگ عمومی کشور، کمی پرتوقع هستیم و می‌خواهیم زود به همه جا برسیم. ما در هر مسئولیتی فقط نکات منفی را می‌بینیم اما باید کارها را در مجموع ارزیابی کرد. البته

تعدیل اجاره‌ها و کارهای حقوقی مربوط به املاک انجمن.

کمیته روزهای یکشنبه با حضور رئیس انجمن کلیمیان آقایان ساکت‌خو، خلیل نسب، سعید یاشارثل و وکلا آقایان محمود مطهری و خسرو ناقي در محل انجمن تشکیل شده و به امور املاک انجمن کلیمیان تهران رسیدگی می‌کنند.

- جلساتی که در کمیته املاک تشکیل می‌شود بسیار خوب است ولی متأسفانه به طور مرتب نیست که بتوان از آن بهره‌برداری کرد و امیدوارم هیئت مدیره جدیدی که می‌آیند بتوانند با همه کمیته‌ها همکاری داشته باشند.

- از هیئت مدیره انتظار همکاری بیشتری دارم و امیدوارم آنها به این که فقط آمده‌اند در هیئت مدیره اکتفا نکنند و در هفته و یا در ماه همکاری بیشتری داشته باشند.

ساکن اتاق‌های آرام:

- فرهاد روحانی هستم مدت ۳۰ سال در کارخانجات تهران در بخش دفتر فنی و طراحی مشغول به کار بودم و بعد از آن از خرداد ماه ۱۳۸۴ در انجمن مشغول به کار شدم و کارهایی از جمله نظارت بر فروش و تهیه کتاب، عملیات بانکی و بیمه و ارسال به عهده من است. در زمینه انتشارات هم انجمن نشر جدیدی نداشته و برطبق روال گذشته کارها انجام می‌پذیرد.

- امیدوارم هیئت‌مدیره جدید تلاش پیگیری در رابطه با برنامه‌های جوانان داشته باشند و بتوانیم محلی مثل آارات برای جوانان خودمان داشته باشیم.

کمیته جوانان دوشنبه‌ها پریاهو:

- الیزا شکسته‌بند هستم، از مهر سال ۱۳۸۲ فعالیتیم را در انجمن شروع کردم در ابتدا شروع کردم در کمیته جوانان بود و از مهر سال ۱۳۸۳ شروع به همکاری در قسمت بایگانی انجمن کلیمیان نمودم. در طی جلسات کمیته جوانان براساس تصمیماتی که توسط مسئولین اتخاذ می‌شود، کلیه پیگیری‌های اداری برعهده اینجانب می‌باشد. همکاری در برگزاری همایش

- از نقاط ضعف هیئت مدیره در ارتباط با کارمندان انجمن، به یکسان نگرستن کارمندان انجمن و عدم توجه به شاخص‌ها و توانایی‌های ایشان اشاره کرد.
- ارتباط مرکز کامپیوتر در اکثر موارد فقط با رئیس هیئت مدیره بوده است.

- سازان نیسانی:

(یکی از پرسنل مرکز کامپیوتر انجمن کلیمیان) اینجانب از اوایل سال ۸۱ به عنوان مدرس و منشی مشغول به کار هستم.
- تایپ و کارهای اداری، کار روی فونت‌های عبری، تدریس کامپیوتر در مدارس به عهده من می‌باشد.

- تدریس کلاس‌های کامپیوتر و بازسازی عکس‌های خیره جامعه کلیمیان جهت تهیه نمایشگاه عکس در بهشتیه تهران از مهمترین تحولات اخیر بوده است.
- هیئت مدیره در واقع در ۲ یا ۳ نفر خلاصه شده، خرج‌های کلان از طرف انجمن صورت می‌گیرد در حالی که اکثر کارمندان از حقوق و مزایای مالی ناراضی هستند.

- توقع دارم ارتباط با جوانان بیشتر باشد، ارتباط با کارمندان انجمن به اندازه‌ای که مسئولیت‌های هر کس شناخته شده و ترفیع عادلانه حقوق انجام گیرد.
- راه‌اندازی تالار پذیرایی کورس، توجه به جوانان از جمله برگزاری همایش جوانان کلیمی از کارهای خوبی بوده که انجمن در دوره اخیر انجام داده است.

و دیگر پرسنل مرکز کامپیوتر:

- مردخای امین شمولیان هستم. از سال ۷۶ وارد مرکز کامپیوتر شدم و به عنوان معلم مشغول به کار شدم و اکنون مسئولیت راه‌اندازی و طراحی سایت Iran Jewish را به عهده دارم و همچنین یکی از چک‌کننده‌های فرهنگ فارسی به عبری حیم بوده و نیز مشغول برنامه‌نویسی و تبدیل این فرهنگ به CD هستم.

- در مورد هیئت مدیره امیدوارم خداوند ایشان را در راه سختی که در آن قدم گذاشته‌اند کمک کند. تا پیش از پیش باعث پایداری جامعه ما شوند. ■

و دیگر مسئول کتابخانه:

ایرج عمرانی هستم، کارمند بازنشسته شرکت نفت هستم که ۳۶ سال به عنوان اپراتور دیگ‌های بخار کار می‌کردم و مدت ۷ سال است که در کتابخانه کار می‌کنم و از کارم راضی هستم.

- طوری برخورد می‌کنیم که مراجعین تشویق شوند بیایند کتابخانه.

- کتابخانه از سال‌های قبل بسیار پیشرفت داشته.

مرکز کامپیوتر مرکزی آرام با کارمندی کوشا:

- اینجانب الهام آسانی، مهندس کامپیوتر گرایش نرم‌افزار از سال ۷۷ در مرکز کامپیوتر انجمن کلیمیان تهران مشغول به کار شدم. از اواسط سال ۸۲ به دنبال استعفای آقای فرید طویبان به مدیریت مرکز کامپیوتر منسوب شدم.

- مسئولیت‌هایی که طی این چند سال داشته‌ام:
- مدرس کامپیوتر، تألیف جزوات آموزشی اینترنت و نبرشاپ، کمک در کامپیوترایز کردن بیمارستان دکتر سپهر، نوشتن برنامه‌های کامپیوتری - کاربردی برای نهادهای انجمن، کامپیوترایز کردن مدارس و مهدها دیگر نهادهای انجمن و ارائه خدمات به آن‌ها، تشکیل کلاس‌های کامپیوتر در مدرسه اتفاق و موسی‌بن‌عمران، راه‌اندازی و مدیریت سایت اینترنتی انجمن کلیمیان، مدیریت نرم‌افزاری پروژه چاپ دیکشنری فارسی - عبری سلیمان حیم، انجام مکاتبات خارجی چه از طریق پست الکترونیکی و چه از طریق نامه‌نگاری دستی، کنترل نامه‌های الکترونیکی.

- همگی فعالیت‌های ذکر شده به نوبه خود دارای اهمیت هستند ولی شاخص‌ترین آن‌ها ایجاد سایت اینترنتی برای انجمن کلیمیان بوده است که همانند پلی میان این نهاد و جامعه غیریهودی داخل و خارج کشور است و همین طور تهیه دیکشنری حیم که متقاضیان بسیاری دارد.

- به نظر من یکی از مهمترین فعالیت‌های هیئت مدیره این دوره ایجاد ارتباط فرهنگی با جوامع غیریهودی و جوامع یهودی خارج از کشور است به عنوان مثال اعزام نمایندگانی برای شرکت در همایش‌های بین‌المللی به خارج از کشور بوده است.

رئیس بودن آن می‌داند و می‌گوید: اعضای سازمان گیشا، بیش از توان خود در کمیته مشارکت کردند. شهامی‌فر، یکی دیگر از نقاط ضعف کمیته جوانان را مورد توجه قرار ندادن مرکز آموزش موسیقی می‌داند.

- باید نیاز جامعه را بشناسیم

الهام مؤدب یکی دیگر از اعضای کمیته جوانان کمیته جوانان، جمع‌آوری کمک‌های مردمی برای زلزله‌زدگان یم، بازدید از بیمارستان دکتر سپهر، منسجم کردن فعالیت‌های سازمان‌ها و مدارس را از نکات مثبت این دوره نامید و گفت: در فعالیت‌های اجتماعی باید خلاقیت وجود داشته باشد. ما باید نیاز جامعه را بشناسیم. کارهای فرهنگی به تنهایی جواب نمی‌دهند.

کتابخانه انجمن کلیمیان واقع در مجتمع فرهنگی ورزشی کلیمیان تهران با مخزنی با گنجایش سی هزار جلد کتاب و یک سالن روشن و آرام که دل هر اهل کتابی را می‌رباید و ۲ مسئول دل‌سوز.

- من لیندا لوی شوقی، تحصیلات پرستاری دارم و ۱۵ سال سابقه کار پرستاری و مدت ۵ سال است که در کتابخانه مشغول به کارم و به عنوان کتابدار کارهای ثبت کتب و کامپیوتری کردن آنها را برعهده دارم. برای خرید کتاب‌ها دست ما بازتر شده و همچنین در نظر گرفتن جوایزی برای بچه‌ها و کامپیوتری کردن کتابخانه موجب آسایش مراجعین شده و برگزاری برنامه‌هایی با نویسندگان در کتابخانه با استقبال خوب مراجعین همراه بوده. همچنین در سنوات اخیر مجلات مختلفی را عضو شدیم و کتاب‌های جدید زیادی خریداری کرده‌ایم.

به غیر از رئیس انجمن و خزانه‌دار حضور بقیه خیلی کم‌رنگ است، سنوات خدمت و سابقه کار در حقوق پرسنل رعایت نمی‌شود و برقراری روابط با کارفرما میسر نیست. روابط عمومی بسیار خوب بوده، در سال آغاز به کار من ۶۵۰ عضو داشته‌ایم، ولی امروز حتی با توجه به مهاجرت‌هایی که صورت می‌گیرد حدود ۱۲۰۰ عضو داریم.

از آقای یشایایی تشکر می‌کنم چون برای کتابخانه حساسیت خاصی نشان می‌دهند و کتابخانه بسیار پربارتر شده همچنین از هیئت اماناء.



گفت و گو با «منوچهر آذری» گنجینه خنده

مهدی جوانبخت سامانی

می‌گویند جوانی به دل است و نه سن. و او همان قدر جوان است به دل که من به سن! اگر هر صبح با دوستانش در پارک لاله ورزش نکند، ورزش آغاز نمی‌شود. خود را از مردم پنهان نمی‌کند و می‌توان در انبوس و یا صف ثانوی او را یافت. آن قدر صمیمی و بی‌ریا است که به نام کوچک صدا می‌کند تا فاصله عیوس یک گفت‌وگو از میان برود. او می‌تواند یک تنه یک تیم فوتبال باشد. همان قدر که می‌تواند کارمندی تکیده و کوچک باشد. نسلی با صدای او در راه شب به خواب رفتند. نسلی با صدای سوت‌ها و قهقهه‌های او حتی غرض خمپاره‌ها را در میدان جنگ نشنیدند. نسلی با قصه خروس زری پیرهن‌پری و با صدای او شاملو را شناختند و حالا نسل پیش‌رو باید او و دیگرانی که در پایه‌های شکل‌گیری هنر مدرن نمایشی ایران سهم بزرگی دارند، بشناسند و بدانند که چه میراثی را تحویل گرفته‌اند و چه باید بکنند؟ در این گفت‌وگو با نام‌های بزرگی روبه‌رو می‌شوید و شاید با خواندن نام هر کدامشان، خاطره‌ای، فلسوفی و یا آهی در ذهن و بر لبانتان جاری شود. اما توصیه منوچهر آذری با از یاد نبرد: معجزه خنده را.

برنامه کارهای طنز می‌ساختیم. مثل اجرای اخبار کمدی، نمایش‌های کوتاه و ... دفرمان هم در بلوار کشاورز فعلی بود.

• گویا در زمینه نمایش، تحصیلاتی هم دارید؟

در سال چهل و پنج از هنرکده هنرهای دراماتیک فارغ‌التحصیل شدم. فن بیان و بازیگری را نزد مهدی فروغ و کارگردانی را نزد پرویز تائیدی آموختم.

• ورودتان به رادیو در چه سالی و به چه شکل بود؟

حدود سال پنجاه و چهار با حسن خیاط باشی به رادیو رفتم. برنامه‌ای اجرا می‌کردیم یک هفته در ماه بود و باقی هفته‌ها در اختیار سه گروه دیگر بود که هر کدام یک جمعه برنامه داشتند و زیر نظر شاهرخ نادری و غیاثیان بودند. ما هم برنامه‌مان را به این خاطر که سرپرست گروهمان خیاط باشی بود، دوخت و دوز نام‌گذاری کردیم. مطالب طنز و فکاهی و نمایش‌های کمدی و آواز جزء لاینفک برنامه‌هایمان بود. سپس با حمید قنبری که با شاهرخ نادری همکاری می‌کرد، آشنا شدم.

• حمید قنبری، پدر شهناز قنبری ترانه‌سرای معاصر؟

بله، درود بر شما. ایشان کارگردان یکی از همین برنامه‌هایی بود که یک جمعه در ماه نوبت اجرا و بخش کار ایشان و گروهشان بود. به من گفتند که تو جوان با استعدادی هستی و مرا به جمع گروه شما و رادیو دعوت کردند. در نهایت هم با نادری و قنبری کار می‌کردم و هم با خیاط باشی.

• در این گروه چه کسانی فعالیت داشتند؟

افراد به نام و بزرگی بودند. مثل مرتضی احمدی، شادروان منوچهر نوذری، غلامحسین بهمنیار، خان

معین، خانم دیهیم، احمد قدکچیان، محمدعلی سخی و چندین هنرمند خوب دیگر.

• برنامه شما و رادیو چند سال اجرا می‌شد؟

این برنامه تا سال پنجاه و هفت ادامه داشت. ضمن این که با حسن خیاط‌باشی برنامه دیگری هم داشتیم که رادیویی - تلفنی بود عصرهای جمعه از پنج تا هشت عصر نمایش‌های کوتاه اجرا می‌کردیم.

• در رادیو دریا هم فعالیت داشتید؟

بله، در این رادیو نیز کار می‌کردم که تاسیس آن با شاهرخ نادری بود. برنامه دیگری هم داشتیم که نامش رادیو تعطیلی بود و از صبح پنجشنبه تا جمعه شب زنده و بدون قطع برنامه داشت. نویسنده‌های خوبی داشتیم که یکسره متن می‌نوشتند و ما نیز آن را اجرا می‌کردیم و شاهرخ نادری هم در اتاق فرمان همه ما را سرپرستی می‌کرد. کار سخت، اما شیرین و جذاب بود.

• از برنامه راه شب بگویید. داستان‌ها و نمایشنامه‌هایی نیز می‌خواندید...

یادش به خیر، برنامه بسیار قوی و پرمخاطبی بود. بی در پی و هر شب بود و در آن داستان‌هایی نظیر خوشه‌های خشم (جان اشتاین بک)، آثاری محمود دولت‌آبادی، عزیز نسین و نمایش‌نامه‌های معتبر را می‌خواندیم. این آثار توسط مرحوم رامین فرزاد و صدرالدین شجره و سبکتکین سالور تنظیم می‌شد و گوینده‌های توانایی مثل خانم‌ها توران مهرزاد و شمسی‌فضل الهی و ژاله علو، به همراه اکبر مشکین و نصرالله محتشم و خود رامین فرزاد در آن حضور داشتند. این برنامه از رادیو دو بخش می‌شد و مردم به ما می‌گفتند که شب‌ها با این داستان‌ها است که می‌خوانند.

• از آشنایی و همکاری زوج منوچهر آذری و فرهنگ مهرپرور بگویید.

کانال‌ها می‌توان در ساعت‌های مختلف برنامه‌های طنز و سرگرمی ساخت و پخش کرد. چرا جامعه هنری ما نباید یک کانون داشته باشد تا من هنرمند عضو آن باشم و از من حمایت شود؟ نه فقط حمایت مالی، من باید با هنر روز آشنا شوم. فیلم ببینم، نمایشگاه بروم، بیمه باشم، امکانات ورزشی داشته باشم تا یک بازیگر خوب باشم. روح و روان و جسم سالم داشته باشم تا بتوانم خلاق باشم و تمام ذهنم مثلاً درگیر هزینه تحصیل فرزندم نباشد. پیشنهاد من این است که گفتیم: تاسیس یک کلوب، یک کانون که همه فرهنگ‌سازان جامعه را مورد حمایت قرار دهد. از روزنامه‌نگار و هنرمند و برنامه‌ساز و ... در این صورت است که هنر هنرمند خریدار پیدا می‌کند. در این صورت است که من هنرمند پیشرفت می‌کنم و تشویق می‌شوم.

*** شما در کار دوبله هم فعالیت داشته‌اید. از چه زمانی و با چه کاری دوبله را آغاز کردید؟**

بعد از انقلاب بود. در فیلمی به نام «آخرین لحظه» با صادق عاطفی و فرهنگ بازی می‌کردیم. در آن زمان چون صدابرداری سرصحنه نبود، فیلم دوبله می‌شدند. مدیر دوبلاژ این فیلم مرحوم عزت‌الله مقبلی بود که چون ما را می‌شناخت پیشنهاد داد که من و فرهنگ به جای خودمان صحبت کنیم و عقیده‌اش این بود که مردم صدای ما را از رادیو شنیده‌اند و آشنا هستند و نمی‌توان از دوبلور دیگری استفاده کرد. بعد از آن ما در امتحان دوبلاژ شرکت کردیم و از آن زمان به عضویت کانون گویندگان فیلم درآمدیم و شش ماه دوره دیدیم. این اواخر هم همکاری‌هایی با شوکت حجت برای دوبله چند پویانما داشته‌ام.

*** چرا در سریال هزار دستان به جای خودتان صحبت نکردید؟**

این موضوع به خواست آقای حاتمی بود. البته آقای تفضلی بسیار خوب این نقش را صحبت کرد و من بسیار راضی بودم.

*** چندی پیش سالگرد درگذشت خالق هزار دستان و شهرک سینمایی بود. از این کار و مرحوم علی حاتمی بگویید؛ چگونه به این کار دعوت شدید؟**

خدا رحمتش کند. او هم مانند نوذری، از آن هنرمندانی بود که تاریخ دیگر به خود نمی‌بیند. ایشان مرا دعوت به کار کردند و به زبان خودمانی گفتند که: «آذری، جلوی گراند هتل خلوت است، می‌خواهم آنجا را زنده کنی. آیا نقش این دربان را که کوتاه است بازی می‌کنی؟» من گفتم: این افتخار من است که با شما همکاری کنم. رل کوچک و بزرگ ندارد و از آرزوهای من است که

سعید توکل و احمد شیشه‌گران دعوت شدیم. منوچهر نوذری هم که خودش استادکار بود و خانم پریچهر بهریان که مجری ما بود. اما با توجه به شناختی که مرحوم نوذری از دوبلورها داشت، افرادی نظیر حسین عرفانی، شهلا ناظریان، منوچهر والی زاده، اکبر منامی و اصغر تفضلی به جمع ما پیوستند.

*** به نظر شما رمز موفقیت این برنامه چه بود؟**

در آن سال‌های ابتدایی انقلاب که جنگ امان مردم را بریده بود و آنها خسته و دل‌مرده بودند، این برنامه برایشان شادی و نشاط تولید می‌کرد. یادم هست که هر جمعه صبح صدای برنامه ما از رادیوی تمام خانه‌ها به گوش می‌رسید. حتی در جبهه‌ها ... جالب است بدانید که روزی یک رزمنده برای ما نامه نوشت و گفت: که صبح جمعه جان مرا نجات داد! گویا او مشغول دیده‌بانی بوده است که برنامه ما آغاز می‌شود و دوستانش او را به درون سنگر صدا می‌زنند و پس از خروج او از برجک، خمپاره‌ای به آن اصابت می‌کند. این برنامه بسیار محبوب شد و شنوندگان ما از تمام ایران برایمان نامه‌های تشکرآمیز می‌نوشتند و حتی نیمی از لطیفه‌هایی که در برنامه اجرا می‌کردیم آنها برایمان می‌فرستادند. حتی زمان ضبط برنامه هم مردم به استودیو می‌آمدند. ما سه روز در هفته این برنامه را ضبط می‌کردیم که دو روز خانم‌ها و یک روز آقایان می‌آمدند و همین محبت و همراهی مردم بود که مرا به کار دلگرم می‌ساخت و ما از نفس آنها، انرژی می‌گرفتیم.

*** علت تعطیلی این برنامه چه بود؟**

ببینید ما بیست سال تمام این برنامه را با کمترین دستمزد پیش بردیم، فقط به عشق مردم. حدود پنجاه نفر عوامل این گروه بودند و وقت زیادی را صرف این کار می‌کردند. غیر از ما که استخدام بودیم، بقیه قراردادی کار می‌کردند و مگر چقدر درآمد داشتند؟ مسئولین کم لطفی و بی‌توجهی کردند و گروه از هم پاشید. ما که از جان مایه می‌گذاشتیم و مردم که همراهی می‌کردند. من همیشه روی سخنم با مسئولین است. ما از مردم چه توقعی می‌توانیم داشته باشیم. آنها که ما را دوست داشتند و دارند، اما انتظار نداریم که مثلاً اجاره خانه ما را بدهند! بهترین دستمزد ما همین لبخند و شادی مردم بود و هست. اما آیا باید پس از این همه تلاش و زحمت کنار گذاشته شویم؟ مگر جز خدمت کار دیگری کردیم؟ ما الان هفت کانال تلویزیونی در چندین شبکه رادیویی و ماهواره‌ای داریم.

آیا باید برنامه طنز ما فقط محدود به یک کانال و یک زمان مشخص باشد؟ آیا مردم باید و فقط روز جمعه بخندند؟ در حالی که در هر کدام از این

خدا رحمتش کند. ما از جوانی با هم دوست و رفیق و همکار شدیم. از همان سال‌هایی که در مدرسه به کار تئاتر می‌پرداختیم. یادم می‌آید که یک روز از سال، گروه‌های دبیرستانی در تالار فرهنگ که یکی از بهترین سالن‌های تئاتری بود، جشنواره تئاتر برگزار می‌کردند. من نیز از مدرسه خودمان در این جشنواره شرکت کرده بودم. با کمک دوستان، تئاتری به نام یعقوب لیث صفاری را آماده کرده بودیم که این نقش را من بازی می‌کردم. فرهنگ خدایامرز هم از مدرسه خودشان با یک پانتومیم به این جشنواره آمده بود. کار بسیار خوبی بود. خلاصه هر دو پس از اجرا به سراغ هم آمدیم و در زیر سن تالار فرهنگ، دوستی و همکاری ما شکل گرفت. پس از آن من با حسن خیاط‌باشی آشنا شدم، فرهنگ را نیز به ایشان معرفی کردم و او هم به گروه ما آمد.

*** ورود فرهنگ مهرپرور به رادیو هم از طریق شما و یا خیاط‌باشی بود؟**

خیر، ایشان امتحان ورود به رادیو داد و با نمره خوبی هم قبول شد و در رادیو هم همکاری ما با هم ادامه داشت.

*** از چه زمانی به استخدام رادیو درآمدید؟**

بعد از انقلاب همه برنامه‌ها به هم خورد و مدتی ما برنامه‌ای اجرا نمی‌کردیم. تا این که مسئولین تصمیم گرفتند که گوینده‌ها و هنرپیشه‌ها را استخدام کنند. زیرا ما قبل از انقلاب به طور قراردادی با رادیو همکاری می‌کردیم. درجه‌بندی داشتیم و براساس این درجه میزان درآمدان مشخص شد. و این درجه‌بندی هم براساس تحصیلات و با تجربه کاری‌مان بود. خلاصه، چهارده نفر بعد از انقلاب به استخدام رادیو درآمدند که بنده هم یکی از آنان بودم.

*** و این چهارده نفر چه کسانی بودند؟ خاطراتان هست؟**

خانم ثریا قاسمی، خانم توران مهرزاد، بهزاد فراهانی، بیوک میرزایی، صدرالدین شجره، رضا عبدی، منصور والامقام، فرهنگ مهرپرور و چندین نفر دیگر. در واقع اولین گروهی که به استخدام صدا و سیما درآمدند، رادیویی‌ها بودند. حتی الان هم صدا و سیما، هنرپیشه و گوینده استخدام نمی‌کند و همه (غیر از کادر اداری) به صورت قراردادی برنامه می‌سازند و کار می‌کنند و فقط درس خوانده‌های خود صدا و سیما هستند که شغل اداری و رسمی دارند و استخدام شده‌اند.

*** برنامه محبوب صبح جمعه با شما هم با حضور این افراد شکل گرفت؟**

از آن تعداد، من و فرهنگ و رضا عبدی و بیوک میرزایی توسط تهیه‌کنندگان این برنامه، یعنی

از این نوارها یاد می‌کنند جالب این که چندی پیش که به سروش (واحد خیابان انقلاب) مراجعه کرده بودم، مسئول آنجا می‌گفت که نوار خروس زری پیرهن پری (شعر احمد شاملو) هنوز خریدار دارد و مردم سفارش می‌دهند. ما برای این کار خیلی زحمت کشیدیم، به خصوص من و مرتضی احمدی. اما الان دیگر کسی به دنبال این کارها نیست و کودکان با ماهواره و رایانه بزرگ می‌شوند.

• شما در تیپیک گوئی تبحر خاصی دارید. در ساختن این تیپ‌ها چه نکاتی را مورد توجه قرار می‌دهید.

من این تیپ‌ها را از بین مردم انتخاب می‌کنم، مثل کارمند کوچولو، درواقع از آنها الهام می‌گیرم. زندگی واقعی و شخصیت‌ها را از دل جامعه پیدا می‌کنم. به رفتار آدم‌ها خیلی دقت می‌کنم و برای هر چهره و قیافه‌ای در ذهن خودم صداسازی می‌کنم. یا برعکس برای یک صدا، یک تیپ می‌سازم.

• و نقش بداهه در کارتان چقدر است؟
بسیار زیاد. اصلاً من بازیگر بداهه هستم و بدون بداهه کارم پیش نمی‌رود. خدا را شکر این استعداد درون من وجود دارد و من هم همیشه از آن خوب بهره بردم.

• پس با این حساب، می‌توانیم شما را یک کم‌دین بنامیم؟
بله، صددرصد. من بازیگر کم‌دینم، پس کم‌دین هستم.

• آخر خیلی‌ها نسبت به این واژه، حساسیت دارند و یا به دلیل ناآگاهی یا هر علت دیگر، آن را به تعبیر دیگر برای خود معنا می‌کنند.

کاملاً اشتباه می‌کنند. مگر چارلی چاپلین و لورل هاردی و جری لویس و بقیه بزرگان کم‌دین نبودند؟ این بزرگترین هنر یک هنرمند است که بتواند مردم را شاد و سرگرم کند.

زحمت توفیق خدمت خواستم دل گفت پنهانی چه توفیقی از این بهتر که خلقی را بخندانی

• و حرف آخر ...؟
از قول من برای مردم بنویسید که ما مخلص تک

تک آنها هستیم.
اما من منوچهر آذری اعتقاد دارم: اگر کسی در هیچ کار و حرفه‌ای موفق نشد، بداند که در هنر نیز موفق نخواهد بود. اصلاً اگر کسی می‌خواهد وارد این کار شود، باید خون او را آزمایش کنند (هر دو می‌خندیم)... جدی می‌گویم، باید دید چند گلبول تئاتر دارد و چند تا سینما؟ این طوری نباشد که هر کسی وارد شود وبعد ... روندگان طریقت به نیم جو نخرند قبای اطلس آن کسی که هنر عاریست. ■

آزمون را به عمل می‌آوردند، بهرام بیضایی، محمود دولت‌آبادی، نصرت کریمی و خود عباس جوانمرد بودند. آزمون شامل چند مرحله می‌شد. اجرای قسمتی از یک نمایشنامه (مثلاً از شکسپیر)، یک پانتومیم، لطیفه‌گویی و بیان خوب بود. من نفر سوم شدم. البته پس از دو خانم و در واقع نفر اول آقایان شدم.

• خاطراتان هست چه کسانی بودند؟
نه چون آنها رفتند و در هنر ماندگار نشدند. اما نفرات بعد از من آقایان فراهانی و حسین محجوب و نیز عزیزالله هنراموز بودند. ما پس از آزمون و پذیرفته شدن، یک دوره سه ماهه را زیر نظر همین استادان آموزش دیدیم. این آموزش‌ها شامل فن بیان، گرمی، پانتومیم و حتی ورزش بود و محل برگزاری این کلاس‌ها هم در وزارت فرهنگ و هنر (ارشاد فعلی - میدان بهارستان) بود.

• اولین کار تئاتری که با این گروه انجام دادید چه بود؟

یک تئاتر موزیکال بود که خیاط باشی اجرا کردند. در واقع یک اپرت بود. این کار برای تلویزیون هم ضبط شد و در سالن بیست و پنج شهریور (سنگلج) هم آن را اجرا کردیم.

• چرا در این گروه ماندگار نشدید؟
حقیقت این که به ما گفته بودند پس از آموزش استخدام می‌شویم. اما این اتفاق نیفتاد. ضمن این که دستمزد خیلی کمی هم داشت.

• بعد از انقلاب خیلی کمتر به تئاتر پرداختید.

به علت این که در رادیو استخدام شده بودم و تمام وقتم در آن جا گرفته می‌شد. اما چندان کار هم داشتم. مثلاً دو کار در تئاتر گلریز به کارگردانی حسین عرفانی داشتم (داروی جوانی و ازدواج غیابی).

• شما در زمینه کار کودک هم فعالیت داشته‌اید. به نظر خودتان بهترین این کارها چه بوده است؟

از کارهای تلویزیونی می‌توانم به صد سال به این سال‌ها (با فرهنگ مهرپرور، عباس محبی و حسین محب اهری) اشاره کنم و نیز به پروفیسور پ.پ.پ (پروفیسور پژوهنده پژوهشگر پیروز) که باز هم با فرهنگ کار می‌کردیم. از کارهای سینمایی هم، دزد عروسک‌ها، کار بسیار خوبی بود.

• مهمترین فعالیت شما در این زمینه نوارهای قصه کودکان بود.

شرکتی که تهیه‌کننده این نوارها بود، سلام بچه‌ها نام داشت و زیر نظر حمید عاملی بود. در اوایل انقلاب که تلویزیون برنامه چندانی برای کودکان نداشت، این نوارها بین خانواده‌ها بسیار محبوب شد و حتی دوستانی که در خارج از کشور هستند، هنوز

در کار شما بازی کنم. خلاصه، نقش را بازی کردم و ایشان بعد از اولین برداشت، خیلی مرا تحسین کردند و گفتند که: «چطور توانستی آن لحظه، این کار را بکنی؟» خلاصه، کاری که قرار بود من دو یا سه قسمت بازی کنم تبدیل شده به بیست و شش قسمت! حتی دستور دادند که برای من دو دست لباس بدوزند، چون می‌گفتند که تحرک آذری زیاد است و ممکن است که لباس پاره شود.

• شما کارتان را با تلویزیون آغاز کردید و بعد به رادیو پیوستید. تمایل خودتان چه بود؟ صدا یا تصویر؟

تمایل من بازیگری بوده و هست. اما تصویر را بیشتر دوست دارم. هر چند که پشت میکروفن هم با دست‌ها و صورت و به طور کل بدنم بازی می‌کنم. دوست دارم که تماشاگر و یا شنونده را چنان در کنترل داشته باشم که لحظه‌ای از تاثیر من غافل نشود. یادم می‌آید که احمد قدکچیان به من می‌گفت: در رادیو باش، اما تلویزیون و تئاتر و سینما را نیز فراموش نکن و من دقیقاً همین کار را کردم.

• حال که بحث تصویر و سینما پیش آمد، قدری در این مورد صحبت کنید.

من پیش از انقلاب در هیچ فیلم سینمایی بازی نکردم. اما بعد از آن، در حدود سیزده یا چهارده فیلم کار کردم که چهارتای آنها با مسعود جمفری جوازانی بود.

• بارزترین این چهار فیلم، چه نام داشت؟

در «مسیر تندباد» که در سال اکرانش، به معنای مطلق، فیلم خوب سال شناخته شد. سایه خیال نیز خوب بود که با مرحوم حسین پناهی، همبازی بودم. همچنین در فیلم‌هایی نظیر دزد عروسک‌ها (محمدرضا هنرمند)، عبور از غبار (پوران درخشنده)، شاخه‌های بید (امیراله احمدجو) که با هادی اسلامی همبازی بودم و آخرین فیلمی هم که بازی کردم، فیلم مجردها بود.

• امسال نیز کاری در سینما دارید؟
بله، فیلم زن بدلی که در آن با ماهایا پطروسیان و رضا شفیعی جم، همبازی هستم.

• پس از رادیو و تلویزیون و سینما، نوبت بررسی پرونده تئاتری‌تان است.

پیش از ورود به گروه هنر ملی، چندین کار تئاتر در کاخ جوانان (میدان راه آهن) داشتم. از مهمترین آنها می‌توانم به نمایش «سیزیف و مرگ»، اشاره کنم. ضمن این که در لاله‌زار هم چندین کار داشتم.

• از پیوستن به گروه هنر ملی بگویید.
این گروه آگهی داده بود که از طریق آزمون هنریشه استخدام می‌کند. کسانی هم که این

امروز با پرویز نی داوود



پرویز نی داوود کارش را ابتدا با نوشتن مقالات ادبی، ترجمه و شعر در مطبوعات آغاز و سپس با رادیو همکاری کرد. از آثار منتشر شده وی می توان به تک درخت، مشاهیر ادب معاصر، تقای ماهیان در تور، مجموعه مقالات رادیویی،

اشک لیلی، در غم چشمانت و دلدادگان اشاره کرد. او همچنین در عرصه موسیقی هم کار کرده و آخرین کارش دوباره سازی شعر آهنگ مرغ سحر اثر استاد مرتضی نی داوود است که در سال ۱۳۷۵ توسط محمود نیکو در انجمن گلستان سعدی به اجرا درآمده است.

• از کارهای جدیدتان بگویید.

قصد دارم تا آخر امسال توسط نشر آسمان یکی از مجموعه شعرهایم تحت عنوان «هزار سال گذشت و به یکدیگر نرسیدیم ما» به چاپ برسانم.

• اشعار نو است یا کلاسیک؟

کلاسیک و شامل غزل و قطعه است.

• چند بیت از اشعارتان را می گویند؟

می کند گریه کسی کنار درگاه تو باز
ای خداوند دو عالم لب خندان بفرست
عشق دارد که دوباره دل من می شکند
بهر غم های دلم شام غریبان بفرست

• شما بر روی آهنگ مرغ سحر مرتضی نی داوود شعر جدید

گذاشته اید، درباره آن شعر می گویند؟

براساس زندگی قمر خواننده اصلی آن آهنگ، شعری سرودم و بر روی آن آهنگ گذاشتم.

• از شاعرانی که به سبک کلاسیک شعر می گویند کار

کدامیک را بیشتر از همه دوست دارید؟

مآلف، سایه و شعرهای مشفق کاشانی را دوست دارم.

• و از شاعران شعر نو؟

منوچهر آشتی، گرماردی و کیومرث منشی زاده را دوست دارم.

• نظرتان درباره شعر نو در حال حاضر چیست؟

بسیاری از شعرهای نو و ترانه های جدیدی که می شنوم استحکام لازم را ندارند و به اصطلاح جان ندارند. بعضی ها با یک ترانه و شعر می آیند و می روند. اما ترانه های خاتم فریبا و کیلی زیبایی است و از خواننده ها هم به مجید اخشابی علاقه دارم. هم آهنگ های قشنگی می سازد و هم صدایش زیباست.

• شما کتاب در غم چشمانت را به زبان انگلیسی

نوشته اید، نمی خواهید آن را به فارسی ترجمه کنید؟

خیر، این کتاب را در زمان دانشگاه نوشته بودم.

• درباره کتاب دلدادگان چه می گویند؟

مجموعه ای است به نظم و نثر درباره هنرمندان درجه اول موسیقی ایران.

• از مجموعه سخنان بزرگان که ترجمه می کردید

نمی خواهید کتابی روانه بازار کنید؟

چرا قصد دارم مجموعه ای جدید با حرف های تازه از مشاهیر مثل امیلی برونته، امیلی دیکنسون و ... چاپ کنم. ■

یاس

یاس بوی مهربانی می دهد
بوی ایام جوانی می دهد
من ندیدم یک گلی بهتر زیاس
یا که نشنیدم گلی بهتر زیاس
یاس بوی ابتدای عالم است
ابتدا و انتهای عالم است
هر چه زیبایی خدا با یاس داد
هم به او شادابی و احساس داد
یاس بوی گندم و نان می دهد
تا به او دستی زنی جان می دهد
یاس از اول گل آلاله بود
هم گل آلاله و هم ناله بود
با خدا بنشست بوی گل گرفت
بوی صد باغ و گل و سنبل گرفت
من تو را بو می کنم بهتر زیاس
با مشامت می کشم با التماس
یاس می گویم نه حرفم مفت نیست
هرکه عاشق نیست با من جفت نیست
من ز (نی داود) شنیدم راز
بر مشامت می کشم با صد نیاز

پرویز نی داوود

خواستم، اما نشد...

دیشب خواستم من تک ستاره ای تنها شوم، اما نشد
پُر شوم من در هوایت، خواستم من با تو هم آوا شوم، اما نشد
در دلت چون آرزویی، در رخت آوارای
بی تو من گم کرده راهم، خواستم با تو من پیدا شوم، اما نشد...
بر لبیت بودم ترانه، در دو دستت یک بهانه
از همه باشم گریزان، خواستم من در سرت سودا شوم، اما نشد
می نشستم من به پایت، تا شوم روزی دجارت
شب همه شب تا سحر، خواستم از غمت پیدا شوم، اما نشد
از زمین تا کیهکشان ها می کشیدم پر به سویت
می شدم باران به سویت، خواستم من در برت دریا شوم، اما نشد
در غروبی تلخ، می شدم غرق در دو جام نرگس چشمت
در نگاه بی کران جادوی تو، خواستم من بی پروا شوم، اما نشد
کاش می شد شهره شود از نام من هر سطر تو
در کتاب عشق تو، خواستم من لیلا شوم، اما نشد.

المیر / سعید

پوزش:

در شماره ۲۷، شعر «آشتی با عشق» اسم آقای پرویز نی داوود به طور کامل چاپ نشده بود که از ایشان معذرت خواهی می کنیم.

جامعه کلیمی میاندوآب

پس از برگزاری همایش
جوانان کلیمی شهرستان‌ها
سعی داریم تا در هر شماره
با معرفی یکی از جوانان این
استان‌ها شما را با فرهنگ و
آداب و محیط ایرانی یهودی آنها
آشنا کنیم.
نخست از میاندوآب:

فرناز سلیمی، ۲۰ ساله است. دانشجوی صنایع غذایی علمی کاربردی است. متولد تهران است. اما از ۶ سالگی ساکن میاندوآب است. دلیل سکونت در میاندوآب، شغل پدر می‌باشد که اشتغال در میاندوآب را راحت‌تر می‌دید. درباره پیشینه تاریخی میاندوآب می‌گوید: که در زمان‌های قدیم، تعداد یهودی‌های میاندوآب، خیلی بیشتر از شهرهای دیگر بوده است. ولی کم کم یهودی‌ها از این شهر کوچ کرده‌اند و الان همه یهودی‌ها در یک محله در میاندوآب زندگی می‌کنند و شغل کلیمی‌ها در میاندوآب، در حال حاضر، اکثراً بزاری است. سابقاً کنیسانی داشتند. ولی در حال حاضر، کنیسانی نداریم و مراسم مذهبی را هر کس در منزل خودش انجام می‌دهد و حدود ۷ الی ۸ خانواده در میاندوآب زندگی می‌کنند که تعداد نوجوان‌های ۱۳ الی ۱۴ ساله بیشتر است و تعداد جوان‌های پسر بیشتر است و مسلمانان شهر، رابطه بسیار خوبی با یهودیان دارند. در زمان‌های قبل مراسم جالبی درباره ازدواج انجام می‌شده، که بدین قرار بوده است:

عروس در شب عروسی، قبل از ترک منزل پدریش، دور فانوسی می‌گشته و دست پدرش را در دست داشته است، و این مراسم به نوعی، خداحافظی با خانه پدری بوده است.



یلدا «شب‌ترین شب سال»

تاریخچه یلدا در سنت آریایی

گردآوری: راحل رحیمی مقدم

ایرانیان امروز هم مانند گذشته، شب یلدا را جشن می‌گیرند. در این شب، اقوام و خویشاوندان دور و نزدیک، دور هم جمع می‌شوند و پدربزرگ و مادربزرگ‌ها برای بچه‌ها قصه می‌گویند، فال حافظ می‌گیرند و آجیل مخصوص این شب و انار و انگور و هندوانه و ... می‌خورند.

اعتقاد گذشتگان بر این بود که با خوردن هندوانه، لرز و سوز سرما به تشنان تأثیر نداشته و اصلاً سرمای زمستان را حس نمی‌کنند. آنها معتقد بودند خوردن میوه‌هایی چون انار و پرتقال به آن دلیل است که رنگ این میوه‌ها به مانند رنگ نور خورشید به هنگام سپیده دم است.

روز اول دی ماه، به مناسبت آن که تجدید حیات خورشید است، به نام یلدا یعنی تولد خورشید، مشهور شده و جشن گرفته می‌شود.

«دی ماه را خورماه نیز می‌گویند. نخستین روز آن خرم روز است و این روز و این ماه هر دو به نام خدای بزرگ است.» ■

یلدا و مراسمی که در نخستین شب زمستان و بلندترین شب سال برپا می‌شود، سابقه دور و درازی دارد. رسم و رسومات شب یلدا مخصوص آریایی‌هاست و از این شب به عنوان شب زایش خورشید یا شب تولد نور یاد شده است. این تعبیر در فرهنگ آریایی قدمتی بالغ بر هزار سال دارد.

روشنی روز و تابش خورشید و اعتدال هوا در نظر گذشتگان، مظاهر نیکی و ایزدی بوده و تاریکی و شب و سرما را نیز از خصوصیات اهریمنی می‌پنداشتند. کم کم این اعتقاد به وجود آمد که نور و روشنی و ظلمت و تاریکی مرتب در نبرد و کشمکش هستند و دریافتند که کوتاه‌ترین روز سال، آخرین روز پاییز، یعنی روز سیام آذر است و بلندترین شب سال، شب اول زمستان، یعنی نخستین شب دی ماه است. به همین جهت آن شب را یلدا نامیدند، یعنی تولد، زایش خورشید شکست‌ناپذیر، و آن را آغاز سال قرار داد. اقوام قدیم آریایی، از هند و ایرانی هند و اروپایی جشن تولد آفتاب را آغاز زمستان می‌دانستند. به هر حال،

یهودیان ایران از دیرباز تا امروز

شادروان - مهندس عزیز دانش‌راد



سابقه تاریخی جامعه یهود در ایران باستان به دوران هفتصد سال قبل از میلاد یعنی نزدیک به دو هزار و هفتصد سال پیش می‌رسد.

شواهد و مدارک فراوانی در زمینه تاریخ یهودیان ایران موجود است. دکتر گیرشمن، باستان‌شناس فرانسوی، راجع به مهاجرت و انتقال گروهی از قوم یهود به ایران چنین نگاشته است:

«جلوس سارگن دوم با اسارت مردم سامره و متفرق ساختن تقریباً سی هزار تن از بنی‌اسرائیل در مملکت خویش مشخص است. در آن میان یک دسته از بنی‌اسرائیل به شهرهای ماد منتقل و مستقر گردیدند. بدین‌وسیله به اختلاط اقوام در زاگرس در پایان قرن هشتم قبل از میلاد عنصر دیگری اضافه گردید که جامعه‌ای را بوجود آورد که تا امروز باقی است.»

ارتباط نزدیک و همبستگی قوم یهود با اقوام ماد و پارس به حدی بوده است که پیامبران و سخنوران یهود از جمله «یرمیا»، «یشعیا» و «یحزقل» راجع به مبارزات، موفقیت‌ها و شکست‌های فرمانروایان ایران باستان آثار فراوانی که مشحون از محبت و صمیمیت قوم یهود با ملت ایران است در کتب خود به جای گذاشته‌اند. دکتر گیرشمن در کتاب «ایران از آغاز تا اسلام» راجع به پیشرفت‌های قوم ماد پیش‌بینی‌های «یحزقل» پیامبر یهود که در آن دوران می‌زیسته است، پیش‌بینی‌های جالبی دارد.

پیش‌بینی‌های «یحزقل» مانند پیش‌بینی‌های «یرمیا» که ورود سپاهیان ماد را به جبهه جنگجویان اورارتو-مانای و سکاییان پیشگوئی کرده بودند پرمعنی است. همچنین این نویسنده در کتاب فوق‌الذکر به جنگ‌های «سکائیان» با «ماد» و انعکاس این مبارزات در کتاب «یرمیا» مطالبی نگاشته است.

همان نخستین سال سلطنت خود در بابل فرمانی مبنی بر آزادی یهودیان از اسارت و بازگشت به موطن و تجدید بنای معبد بیت‌المقدس انتشار داد. در سال ۵۳۷ قبل از میلاد بیش از چهل هزار یهودی تحت سرپرستی «زرو بابل» بابل را به قصد «ارض موعود» ترک گفتند.

خصایص عالی انسانی جوانمردی و نیک‌نفسی مردم ایران زمین موجب گردید که علاوه بر گروه‌هایی که در زمان سارگن، به غرب ایران کوچ داده شده بودند، گروه دیگری از قوم یهود که به وسیله کلدانیان به بابل منتقل گردیده بودند در سرزمین ایران باقی بمانند و دوشادوش سایر اقوام ایرانی در نیک و بد این سرزمین سهیم گردند. با توجه به این شرایط، پیامبران و بزرگان دین یهود پهنه ایران زمین را محل مناسب برای رشد و بالندگی فرهنگی و زندگی مسالمت‌آمیز یافتند، مقبره بزرگان یهود، چون دانیال نبی،

«یشعیا نبی» نیز به نحو روشن‌تری در باره عصر هخامنشی و مخصوصاً در مورد کوروش اظهارنظر می‌کند:

«خداوند به مسیح خویش یعنی به کوروش چنین می‌گوید: دست راست تو را گرفتم تا به حضورت امت‌ها را مغلوب سازم و کمرهای پادشاهان را بگشایم. تا درها را به حضور تو مفتوح نمایم و دروازه‌ها دیگر بسته نشود. من پیش روی تو خواهم خرامید و جای‌های ناهموار را هموار خواهم ساخت و درهای برنجین را شکسته پشت‌بندهای آهنین را خواهم برید. ای آسمان‌ها از بالا بیارائید تا افلاک عدالت را فرو ریزد و زمین بشکافت تا نجات و عدالت نمو کنند و آنها را با هم برویاند.»

«کوروش در بازگشت از سرحد‌های شرقی، عملیاتی در طول سرحد‌های غربی انجام داد. یهودیان تبعید شده حمله ایران را پیش‌بینی می‌کردند و پیامبر یهود کوروش را «منجی» معرفی کرده بود. کوروش در

حقوق نبی، استر و مردخای و چندین تن دیگر در ایران نشان شرایط مناسب برای حفظ اعتقادات یهودیان در ایران بوده است.

افراد دانشمند چون «عذرا»، «نحمیا» و «دانیال» در ردیف خدمتگزاران ارشد دربار ایران به خدمت مشغول شدند. در واقع ایران مأوی و مامن بسیار مناسبی برای قوم یهود گردید.

در مصر در شهر «الفاتین» که در زمان تسلط ایرانیان بر مصر مقر یهودی‌ها بود، نوشته‌ای به زبان آرامی پیدا کرده‌اند که موضوع آن دستور صادره از طرف داریوش دوم در ۴۱۹ قبل از میلاد می‌باشد و عید پسخ را به همان تاریخی که در تورات معین شده مقرر می‌نماید.

گفتنی است که یکتاپرستی زرتشت مورد توجه یهودیان روشن‌فکر بوده است زیرا شباهت بین «ی-هوه» خدای یهود و خدای واحد «اهورا مزدا» توجه آنها را جلب کرده بود ... مذهب اهورا مزدا در کنار خدای بالا، «امشاسپندان» را قرار می‌دهد که مظاهر مختلف خداوند بودند و از بعضی جهات این موجودات عالی‌قدر شبیه فرشتگان مذهب یهود می‌باشند.

در دوره اشکانیان نیز رابطه بین قوم یهود و ملت ایران مانند دوران هخامنشی برقرار بوده است. البته در فاصله بین سلطنت هخامنشیان و اشکانیان، همانطور که ملت ایران گرفتار تسلط بیگانه بود و اسکندر و جانشینان او برای ملت ایران مصیبت‌های فراوان به بار آوردند، قوم یهود نیز دچار وحشی‌گری‌های استیلاگران گردید.

در دوره ساسانیان فعالیت‌های مذهبی یهودیان شدت یافت و مکاتب علمی و مذهبی تاسیس گردید. معروف‌ترین این مکتب‌ها، مکتب «سورا» بود که در ابتدای قرن سوم میلادی تاسیس شد. مکتب‌های دیگری در «نهر دغا» در بین‌النهرین بوجود آمد و در همین دوره نوشتن تلمود آغاز شد. معلمین و شاگردان در این مکتب‌ها با حرارت مخصوص و به طرز غریبی به مطالعه قانون و سنت می‌پرداختند و در این

موقع است که تفسیر قوانین یهود شروع می‌شود و بر قطر تلمود بابلی افزوده می‌شود.

در اواخر دوره ساسانیان، در دورانی که بی‌ثباتی ناشی از جنگ‌ها و مداخلات بی‌رویه و ستم‌گری‌های فتودال‌ها ناراحتی‌ها و بحران‌هایی برای ملت ایران به وجود آورد، برای زندگی اجتماعی یهودیان ایران نیز مشکلاتی فراهم گردید. سقوط ساسانیان و ظهور اسلام در ایران موقعیت تازه‌ای برای یهودیان ایران فراهم آورد. البته در اینجا ایران به معنی جغرافیای زمان خود مطرح است. نزدیکی و مشترکات عقیدتی یهودیت با اسلام، برداشت تقریباً یکسان فقهی از احوال شخصیه، ارتباط متفکرین و روحانیون یهودی با مسلمانان و بسیاری از عوامل دیگر موجب شد تا یهودیان ایران دوران تازه‌ای از زندگی اجتماعی خود را در بستر اسلام و با مسلمانان تجربه نمایند.

البته گفتنی است که با برپیده شدن مراکز دینی یهودیان در بین‌النهرین و مشرق زمین با توجه به تحولات گوناگون که از قرن سوم و چهارم میلادی اتفاق افتاد، مراکز فقهی و کلامی یهود و مدارس مذهبی به شرق اروپا (مانند اسپانیا) و شمال آفریقا (مانند مغرب) منتقل گردید. ولی ویژگی عمده زندگی یهودیان ایران در این دوره نزدیکی با تمدن فرهنگ ایرانی بود که بعد از ظهور اسلام این ارتباط استمرار یافت و علیرغم فراز و نشیب‌های فراوان که در تاریخ و سرنوشت ایران و ایرانیان پیش‌آمد، زندگی مشترک کلیمیان ایران با سایر هموطنان خود تداوم یافت و به تاریخ امروز رسید که در این خلاصه بیشتر به این مقطع می‌پردازیم.

از دوران‌های بسیار قدیم تاکنون هرکجا اجتماعی از یهودیان وجود داشته، سازمان‌هایی برای اداره امور شرعی و فرهنگی و آموزش اصول دین یهود به وسیله مردم یهودی در اشکال مختلف به وجود آمده است.

از جمله ایرانیان کلیمی در تاریخ طولانی خود، نهادهای مربوط برای اجرای

فرائض مذهبی به وجود آورده و ضمن رعایت کامل قوانین موجود در کشور و مقید بودن به حقوق دیگران و اجرای تعهدات میهنی به رعایت مبانی شرعی خود مقید بوده و حداقل تشکیلات مذهبی را در کنیساها و مدارس ایجاد کرده‌اند.

در حال حاضر انجمن کلیمیان تهران سازمان مرکزی جامعه کلیمیان ایران است، این نهاد شامل ۱۵ نفر اعضای اصلی و علی‌البدل عضو هیئت مدیره می‌باشد که هر سه سال یک بار از طرف قاطبه کلیمیان ایران به موجب اساسنامه موجود انتخاب و نتیجه آن به تأیید کمیسیون ماده ۱۰ احزاب و جمعیت‌ها در وزارت کشور می‌رسد و بعد از طی تشریفات قانونی در اداره ثبت شرکت‌ها به ثبت قانونی می‌رسد و به طور داوطلبانه خدمت می‌کنند.

انجمن کلیمیان تهران از لحاظ قانونی زیر پوشش سازمان اوقاف و امور خیریه می‌باشد، ولی امور آن مستقلاً به وسیله هیئت مدیره و بازرسان و کمیته مربوطه در دبیرخانه انجمن کلیمیان تهران اداره می‌شود. کلیه مدارس، کنیساها، مهدهای کودک، بیمارستان، سرای سالمندان و سایر نهادهای جامعه کلیمیان ایران به وسیله انجمن کلیمیان نگهداری و اداره می‌شود.

به علاوه انجمن کلیمیان در مورد احوال شخصیه کلیمیان ایران در ارتباط با نهادهای قوه قضاییه می‌باشد. دعاوی مربوط به کلیمیان ایران در مورد احوال شخصیه در دادگاه‌های جمهوری اسلامی ایران مطرح می‌شود و دادگاه‌ها از طریق انجمن کلیمیان و مرجع دینی کلیمیان در مورد حقوق شخصیه افراد کلیمی سؤال می‌کنند و بعد از دریافت جواب رأی صادر می‌نمایند.

جمعیت کلیمیان ایران در حال حاضر حدود سی هزار نفر برآورد می‌شود که قسمت عمده آن در تهران و شهرهای شیراز، اصفهان، کرمانشاه، یزد، کرمان، رفسنجان و بروجرد و بطور پراکنده در سایر شهرهای ایران زندگی می‌کنند.

حضور جامعه کلیمیان ایران در جریان انقلاب و بعد از استقرار نظام جمهوری

برای اظهارنظر و تبادل اندیشه پیدا کرده و در جهت رفع سوءتفاهم‌ها، کمرنگ کردن اختلاف نظرها و معرفی حقایق مشترک دینی تلاش نمودند.

در مجموع، پیوند قوی فرهنگی میان کلیمیان ایران با هموطنانشان طی تاریخ طولانی همزیستی در این کشور و نیز اجرای تدابیر و سیاست‌های صحیح از سوی روحانیون و مسئولان هر دو جامعه اکثریت و اقلیت، مانع از تکرار وضعیت یهودیان در اکثر کشورهای اسلامی، ریشه کن شدن و مهاجرت کامل جوامع یهودی، در ایران گشت.

نمی‌توان از یادآوری این نکته چشم‌پوشی کرد که خلاف انتظار، در سال‌های اخیر حجم تبلیغات به طور مستقیم و غیرمستقیم علیه کلیمیان و مقدسات و شعائر دینی یهود افزایش یافته و نگرانی‌هایی جدی در میان مردم و مدیران جامعه کلیمی ایجاد نموده است.

انجمن کلیمیان تهران که مرکز اجتماعی و رفاهی کلیمیان ایران می‌باشد سعی می‌کند با مشارکت هر چه بیشتر در خدمات مشترک رفاهی و خیریه با سایر هموطنان و همچنین انعکاس شناساندن فعالیت‌ها و اقدامات نهادهای مختلف جامعه کلیمیان ایران به معرفی بیشتر دین و فرهنگ یهود و موفقیت ایرانیان یهودی به سایر هموطنان خود و مخصوصاً نسل جوان ایرانی کمک نماید.

در این مختصر نمی‌توان از خدمات شایسته تحسین مؤسسات خیریه کانون خیرخواه (بیمارستان دکتر سپیر) که بیش از شصت سال است با حمایت انجمن کلیمیان تهران به پلی ارتباطی با هموطنان نیازمند در امور بهداشت و درمان تبدیل شده یاد نکرد.

بیمارستان دکتر سپیر با خدمات خیریه خود به هموطنان غیر کلیمی به عنوان یک نهاد برجسته و نشانه تمدن و فرهنگ ایرانی اسلامی و ارزش‌های والای یهودیت در تمام جهان است. ■

با تشکیل مجلس شورای ملی در دوران مشروطیت، اقلیت‌های دینی از کرسی نمایندگی برخوردار شدند و کلیمیان - غیر از اولین دوره مجلس که آیت‌الله بهبهانی نمایندگی آنان را پذیرفت تا به امروز در همه دوره‌ها دارای نماینده بوده‌اند. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در مجلس خبرگان قانون اساسی نیز نماینده کلیمیان ایران حضور فعال داشت. انجمن کلیمیان مرجع دینی کلیمیان، دو نهاد قانونی دیگر این جامعه هستند که به امور حقوقی، اجتماعی و دینی کلیمیان رسیدگی می‌کنند.

ساختار سازمان‌ها و مراکز دینی و اجتماعی کلیمیان پس از انقلاب اسلامی حفظ شد و در مواردی توسعه نیز یافت. هم‌اکنون این جامعه دارای کنیسا (کنیسه)های متعدد، مدارس خاص، مجتمع‌های فرهنگی، سازمان‌های جوانان و بانوان، سرای سالمندان، کتابخانه مرکزی، تالار اجتماعات و فروشگاه‌های مواد گوشتی طبق شرع یهود در مناطق و شهرهای یهودی‌نشین می‌باشد. اطلاع‌رسانی و نشر آثار فرهنگ یهودی به صورت کتب و نشریات متعدد با افت و خیز، همواره جریان داشته و پس از انقلاب علاوه بر بولتن‌های داخلی دوره‌ای، نشریه «تموز» (تا سال ۱۳۶۸) و ماهنامه «افق بینا» (ارگان انجمن کلیمیان از سال ۱۳۷۸) عهده‌دار این امر بوده‌اند.

نگاهی به مشاغل کلیمیان نشان می‌دهد که آنها علاوه بر مشاغل معمول آزاد، تولیدی و خدماتی، در حرف و تخصص‌های مختلف پزشکی، مهندسی، هنری و دانشگاهی نیز حضور دارند و در میان دانشجویان این جامعه، رتبه‌های ممتاز و پذیرفته‌شدگان المپیادهای علمی نیز به چشم می‌خورند، همچنان که نویسندگان و محققان معروفی نیز از این جمع برخاسته‌اند.

در سال‌های اخیر و با تقویت فضای گفتگوی فرهنگ‌ها و ادیان، اندیشمندان کلیمی با حضور فعال در همایش‌ها و کنفرانس‌های متعدد، فرصت‌های بیشتری

اسلامی در ایران در تمام صحنه‌های اجتماعی به نسبت جمعیت و موقعیت آنها چشم‌گیر بوده است. حضور جوانان یهودی در جبهه‌های جنگ و وجود شهدا و اسرای کلیمی در جریان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در سال‌های جنگ و کمک‌های فراوان جامعه کلیمیان به جبهه‌ها از طرق مختلف در رسانه‌های داخلی و خارجی انعکاس فراوان داشته است.

باید توجه داشت در شرایطی که بیشترین فشارها از طرف نهادهای صهیونیستی برای مهاجرت کلیمیان ایران و ترک میهنشان بر بدنه جامعه کلیمی و مسئولین آن تحمیل می‌شد و تبلیغات سازمان یافته برای به مقابله کشاندن جوامع اقلیت‌های دینی مخصوصاً کلیمیان با جمهوری اسلامی از طریق بلندگوهای امپریالیستی و صهیونیستی اعمال می‌گشت، جامعه کلیمیان ایران به زندگی صمیمانه خود با هموطنان با وجود بعضی مشکلات ادامه دادند و امروز یکی از سازمان یافته‌ترین جوامع یهودی در جهان هستند. نهادهای صهیونیستی در شرایطی مشابه و در موقعیت‌های بسیار آسان‌تر در کشورهای مثل عراق، مصر، یمن و سایر کشورها موجب کوچ دسته‌جمعی یهودیان از میهنشان شدند، ولی در ایران می‌توان گفت که انقلاب اسلامی هرچند از لحاظ کمی بر جامعه کلیمیان ایران تأثیر منفی گذاشت و مهاجرت در حد سایر اقلیت‌ها و حتی مسلمانان در این جمعیت موجب کمبود عددی شد، ولی به لحاظ کیفی سازمان‌های یهودی ایران استحکام یافته و ارتباط آن‌ها با جامعه کلیمیان و هموطنان غیرکلیمی و مسئولین نهادهای جمهوری اسلامی بیشتر شد.

حقوق اجتماعی کلیمیان پس از استقرار دین اسلام در ایران، معمولاً با تکیه بر قوانین اسلامی درباره اهل کتاب و نیز مشترکات موجود در دو دین اسلام و یهود، رعایت می‌شده است، هر چند که در حاشیه و مقاطعی خاص، مشکلات متعدد نیز بر آنها وارد و در تاریخ ثبت شده است.



نقش عوامل روان شناختی در پیشگیری از بیماری‌های قلبی - عروقی

مریم حناسازاده

۶- آریتمی (ناهماهنگی)های قلبی در افرادی که تحت فشارهای روانی مزمن احساسات عدم امنیت و بی‌کفایتی هستند یا دچار حساسیت‌های افراطی به مسایل زندگی‌اند افزایش می‌یابد.

نوع شخصیت و خطر ابتلا به بیماری‌های قلبی - عروقی

در سال ۱۹۵۹ دو پزشک به نام‌های فریدمن و روزمن در یک سری مطالعه روی بیماران قلبی به این نتیجه رهنمون شدند که چنین افرادی دارای سبک شخصیتی خاصی هستند که آن را «الگوی شخصیت تیپ A» نامیدند.

ویژگی‌های رفتار تیپ A عبارتند از:

- ۱- اشتیاق شدید به پیشرفت و رسیدن صد در صد به هدفی که شخص در نظر دارد.
- ۲- تمایل افراطی به کامل کردن و اشتیاق به متشخص یا مشهور بودن.
- ۳- درگیری مداوم با کارهای مختلف و چندانکه که مستلزم کمبود وقت و ضرب العجل است.
- ۴- احساس این که دایم با کمبود وقت مواجه‌اند و ناراحتی ذهنی شدید به خاطر تمام نکردن کارها.
- ۵- آگاهی و هوشیاری ذهنی و زیرکی بیش از معمول.

در دهه ۸۰ میلادی یک پانل کارشناسی که به وسیله انستیتوی قلب و ریه و خون در ایالات متحده آمریکا برپا شده بود نیز رابطه‌های میان رفتارهای تیپ A و بیماری‌های قلبی - عروقی را تایید کرد. هر چند در همه مطالعات بر وجود چنین یافته‌هایی به شکل دقیق صحنه گذاشته شد امروزه در این مسأله توافق کلی و عمومی وجود دارد که وجود یک یا چند نمونه از

فشارخون و افزایش ضربان قلب، جانمایی مونوکسیدکربن به جای اکسیژن در فرد سیگاری، آسیب دیواره داخلی رگ‌ها، چسبندگی پلاکت‌های خونی و در نتیجه لخته شدن خون می‌تواند وقوع بیماری و نیز مرگ ناشی از آن را در افراد سیگاری تا ۳۰ درصد افزایش دهد.

همچنین عدم تحرک فیزیکی که می‌تواند یکی از برنامه‌های سبک زندگی فرد باشد از عوامل عمده خطر برای بیماری‌های عروقی است. مشخص شده ورزش کردن با اثری که بر کاهش فشار خون، تناسب وزن و کنترل دیابت دارد، می‌تواند خطر ابتلاء به بیماری‌های قلبی - عروقی را کاهش دهد. در یک سری از بررسی‌ها نقش عوامل روانی - اجتماعی در بیماری‌های قلبی - عروقی آزمون شده که نتایج دال بر موارد زیر گزارش گردیده است:

- ۱- استرس (فشار روانی) زیاد می‌تواند فشار وارده به رگ‌های خونی و عضلات قلب و عروق را در بیماران قلبی افزایش دهد.
- ۲- خشم و پرخاشگری، غرغرو بودن، ناسازگاری‌های زناشویی، تحصیلی یا شغلی بر ساختار دستگاه قلبی - عروقی تأثیرات منفی دارد.
- ۳- افسردگی، اضطراب حاد، تنفر و عصبانیت می‌تواند باعث افزایش سدیم در کلیه و در نتیجه بدکاری فعالیت‌های قلبی - عروقی شود.
- ۴- ضربه‌های روحی و فشارهای ناگهانی و شدید با افزایش ضربان قلب و ترشح برخی مواد شیمیایی نامناسب در خون آمادگی فرد را برای حملات قلبی و انواع سکته‌ها افزایش می‌دهد.
- ۵- افتادگی درپچه میترال که یک اختلال قلبی - عروقی است تا حد زیادی می‌تواند با اضطراب، ترس‌های طولانی مدت و هراس مرتبط باشد.

بیماری‌های قلبی - عروقی از شایع‌ترین بیماری‌های افراد بزرگسال و یکی از بزرگ‌ترین علل مرگ و میر در افراد بالای ۳۵ سال می‌باشد، به طوری که طبق تحقیقات اخیر از هر ۵ نفری که در آمریکا می‌میرند یک مورد بر اثر بیماری‌های کرونر قلب و فشارخون است.

تاکنون دلایل بسیاری برای بیماری‌های قلبی - عروقی عنوان گردیده است. برخی از پزشکان به زمینه‌های ژنتیک اعتقاد دارند و برخی به تأثیرات سایر بیماری‌های جسمی بر دستگاه‌های قلبی - عروقی اشاره می‌کنند. طبق آخرین یافته‌های پژوهشی اقدامات مربوط به پیشگیری و نیز سبک زندگی بیشترین نقش را در جلوگیری از ابتلا به بیماری‌های قلبی - عروقی ایفا می‌کند. این یافته‌ها عمدتاً مبتنی بر این پایه‌اند که مواجهه با رویدادهای فشارآور زندگی (مانند فشارهای شغلی) شکست و ناکامی مکرر، اختلافات زناشویی، روابط نامناسب با دیگران و روابط اجتماعی نادرست احتمال بیماری‌های قلبی - عروقی را افزایش می‌دهد. این عوامل هم می‌توانند علت به وجود آورنده بیماری و هم عللی باشند که در استمرار یا تشدید بیماری‌های قلبی - عروقی دخیل هستند.

از سوی دیگر تغذیه نامناسب، افزایش کلسترل خون، کم تحرکی، استفاده نادرست از برخی داروها یا مواد شیمیایی، چاقی، دیابت، استفاده از تنباکو و سیگار همگی از عوامل خطر درجه اول برای بروز بیماری‌های قلبی عروقی به حساب می‌آیند و مواردی هستند که مربوط به سبک زندگی نادرست فرد می‌باشند. در این راستا مشخص شده است افراد سیگاری دو تا سه برابر بیشتر در مقایسه با افرادی که سیگاری نیستند احتمال دارد در معرض حملات قلبی قرار گیرند چرا که سیگار از طریق افزایش

هر تابلویی،

یکی از آرزوها و اهداف شیرین برای آینده هنری‌اش گسترش رنگ‌های طبیعی است.

شیرین در دو سبک رئالیسم و کوبیسم کار می‌کند. او فعالیت هنری خود را پراکنده و محدود می‌داند. چندی پیش نیز نمایشگاهی از آثار چند تن از جوانان هنرمند در خانه جوانان یهود برگزار شده بود که شیرین نیز در آن شرکت کرده بود. شرکت در جشنواره خوارزمی از دیگر افتخارات وی است. او معتقد است که «باید شاگردی کرد تا به استادی رسید». شیرین خودش را بسیار مدیون پدر و مادرش می‌داند و می‌گوید: «مادرم در کنار من، هر تجربه‌ای را که من داشته‌ام، چشیده؛ اگر او در کنار من نبود، من نمی‌توانستم به اینجا برسم، در واقع هر تابلوی من، خاطره من و مادرم است.» ■



خاطره من و مادرم است.

شیرین یوناتانی (متولد ۱۳۶۶)، یکی دیگر از نوجوانان موفق و هنرمند جامعه کلیمی است. وی که از دوران کودکی به نقاشی علاقه‌مند بوده است، موفق شده با ابتکاری که به خرج داده، رنگ‌های طبیعی را جایگزین رنگ‌های شیمیایی در نقاشی‌اش بکند. او از کلاس پنجم ابتدایی با شرکت در کلاس‌های طراحی، وارد دنیای هنر شد و پس از مدتی به نقاشی با رنگ و روغن پرداخت. او درباره علاقه‌اش به نقاشی می‌گوید: «هنر بیان دنیا است. با هنر می‌توان درون خود را نشان داد.»

شیرین که خود را مبتکر استفاده از رنگ‌های طبیعی ای چون زعفران، سدر و حنا می‌داند. او می‌گوید: «توصیف طبیعت با رنگ‌های شیمیایی بسیار آسان‌تر است اما برای استفاده از رنگ‌های طبیعی، نقاش باید بتواند با اثرش ارتباطی قوی برقرار کند.»

الگوهای تیب A می‌تواند خطر بروز بیماری‌های کرونری قلب را پیش‌بینی کند. چه راه‌هایی برای پیشگیری از احتمال بروز مشکلات قلبی - عروقی وجود دارد؟
- تصحیح رژیم غذایی (شامل کاهش چربی‌های اشباع شده و کلسترول، افزایش ویتامین E، اسید فولیک، B۱۲ و B۶) به گونه‌ای که سبک زندگی فرد تغییر یابد.

- کنترل وزن، دیابت و جلوگیری از چاقی.

- اندازه‌گیری فشار خون حداقل سالی دوبار برای افراد بالای ۳۵ سال و کنترل آن.
- جلوگیری از استفاده سیگار، تنباکو و مصرف خودسرانه داروها.

- بهره‌گیری از روش‌های مؤثر برای کنترل فشارهای روانی، خشم و عصبانیت و هیجانات.

- استفاده از مشاوره‌های روان شناسانه در افرادی که عادت به تناول غذاهای مضر، کشیدن سیگار، خودخوری و غمگینی و سایر رفتارهای مرتبط با بیماری‌های قلبی عروقی دارند.

کلام آخر این که با استفاده از اصول روان‌شناسی و روش‌های تغییر رفتار می‌توان در پیشگیری بسیاری از بیماری‌ها از طریق روش‌های تغییر رفتار، سبک زندگی و رفتارهای پرخطر عمل نمود و به افراد کمک کرد با حفظ سلامتی جسمی و روانی و در پرتو یک کیفیت برتر زندگی، عمر طولانی‌تر و پربارتری داشته باشند و فراموش نکنیم که همیشه : پیشگیری بهتر از درمان است. ■

گروه به‌اندیشان وابسته به انجمن کلیمیان از علاقه‌مندان به شرکت در کلاس‌های آموزشی روان شناسی در دوره جدید ثبت نام می‌کند.

* سرفصل : مراقبت از سلامتی جسمانی و روانی.

* محل تشکیل کلاس‌ها:

ساختمان سرابندی

* مدرس : مریم حناسازاده
دکترای تخصصی روان شناسی بالینی
تلفن: ۶۶۷۰۲۵۵۶

مسئول ثبت نام : راحل رحیمی مقدم

تشکر و قدردانی



بدینوسیله از
سرکار خانم
پروین مقدم
معلم نمونه و
فعال کلاس
چهارم
ابتدایی

دبستان موسی‌بن‌عمران تشکر و قدردانی می‌نمایم و آرزوی موفقیت و پیروزی برای ایشان داریم.

اولیاء و دانش‌آموزان کلاس چهارم
دبستان موسی‌بن‌عمران

معرفی کتاب :

نام: پژوهشی در قصه سلیمان و بلقیس
نویسنده: جلال ستاری
انتشارات: مرکز
قیمت: ۹۹۰۰ ریال

پژوهشی در قصه سلیمان و بلقیس از جلال ستاری از مجموعه پژوهش در قصه‌های جاودان است که نشر مرکز آن را منتشر کرده است.

پژوهش‌گر داستان سلیمان و بلقیس را که از جمله قصه‌های مشترک تورات و قرآن است را انتخاب کرده و پیرامون آن از دو منظر جداگانه یهود و اسلام در دو بخش سلیمان و ملکه سبا در تورات با عناوین: ملک سلیمانی، جهانی پر رمز و راز، محبوب غزل غزل‌ها و سلیمان و ملکه سبا و سلیمان و بلقیس در قصه‌های اسلامی با عناوین: دانایی، توانایی، نافرمانی و خیره‌سری و زناشویی، به تحقیق بی‌طرفانه‌ای پرداخته است. وی با نگرشی صادقانه داستان‌های تورات در رابطه با قصه سلیمان را با توجه به نزدیک‌تر بودن نشانه‌های دینی و تاریخی آن واقع‌گرایانه‌تر می‌داند.

در پایان مجموعه چنین نتیجه گرفته است:

«داستان داود و سلیمان و ملکه سبا به شرحی که در تورات آمده با روایت قرآن کریم از همان حدیث تفاوت فاحش دارد، چنان که داود و سلیمان در تورات با آن که از جمله انبیاء بزرگ بنی اسرائیل اند بارها به شیوه انسان‌های کبرآور، خودسرانه عمل می‌کنند و لامحاله عقوبت می‌شوند اما داستان در روایات اسلامی به گونه‌ای دیگر نقل شده و به عنوان مثال قصه شیفتگی داود به بت سابع (سبع) را شاهد مدعا می‌آورد. نویسنده در پایان متذکر می‌شود: غرض از بازخوانی این قصه‌ها کج‌تاب کردنشان نیست بلکه روشن ساختن دگرگونی‌های یک قصه در سیر از فرهنگی به فرهنگ دیگر است.»

موسسه آموزش خدمات جهانگردی و میهمانداری مجمع
مجری دوره‌های آموزش خدمات جهانگردی

عنوان پروژه: استر و مردخای

عنوان دوره: راهنمای جهانگردی

دوره: ۲۶

نگارش: مهدی ستاری

سال: ۱۳۸۴

دانشجوی محقق و علاقمند در رشته آموزش خدمات جهانگردی مهدی ستاری، پایان‌نامه خود را در سال ۱۳۸۴ تحت عنوان «استر و مردخای» در موسسه آموزش خدمات جهانگردی و میهمانداری به پایان رسانده و نمره قبولی گرفته است. استاد راهنمای این دانشجو علاقمند، غلامرضا مظفری بوده و در تنظیم پایان‌نامه کمک شایانی نموده است. نظرات این دانشجوی محقق نشان‌گر تحقیقات و نقطه‌نظرات او در مقوله زندگی استر و مردخای است و در این شماره افق بینا بخش‌هایی از این پایان‌نامه را درج می‌کنیم.

نویسنده در مقدمه مقاله خود می‌گوید: تاریخ تجربه‌آموز انسان‌ها است زیرا که انسان به خوبی از شیوه رفتار گذشتگان الگو می‌گیرد و از لغزش‌هایش پند، و چه خوش که نویسندگان فرهیخته با بی‌نظری تمام تاریخ زمان را بنگارند که هرگاه قلم بدستان متعهد با سرخوردگی از میدان کنار کشیده و قلم زمین بگذارند، میدان عمل برای دیگر نویسندگان غیرمتعهد و بدون صلاحیت خالی می‌ماند، که ستم‌گران خونخوار و بیدادگران تاریخ را قهرمان و جهانگشا و زورمندان ستمکار را سرداران دوران می‌نامند و فرشته عدالت را به قربانگاه می‌کشانند.

نویسنده اشاره به سابقه تاریخی زندگی یهودیان در ایران مخصوصاً در عصر هخامنشی و در هکمتانه (همدان) گوشه‌هایی از تاریخ ایران را روشن می‌سازد و موضوع

پوریم و «استر و مردخای» را در زمینه این سابقه تاریخی مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و بازگو می‌کند.

با آرزوی این که این پایان‌نامه هر چه زودتر چاپ شده و در دسترس همگان قرار گیرد یک نکته جالب از سرقت اشیاء و نشانه‌های ذی‌قیمت مقبره استر و مردخای را از مجموعه نوشته‌های پایان‌نامه به اطلاع خوانندگان محترم می‌رسانیم:

به نقل قول می‌نویسد: در سنه ۱۳۲۲ قمری (۱۹۰۱ میلادی) این بنده از طرف وزارت جلیله خارجه به دیدار و سرپرستی و مساحت راه قزوین و همدان از قزوین به همدان مأمور شد، از سلطان بلاغی^۱ که وسط راه و در محل اردوی رئیس دوم راه، یعنی از آن جا تا همدان است دکتر لیوی نام یهودی روسی که دکتر آن اداره و مقیم سلطان بلاغی بود، با این بنده فقیر به قصد زیارت مقبره استر و مردخای عازم همدان شد. یک روز بعد از ورود به همدان او به زیارت مقبره رفته بود. روز دیگر بنده به دیدن او رفتم. در ضمن صحبت پرسید آن مقبره را دیده‌ای؟ گفتم خیر. تعریف قندیل آن را کرد و گفت: تو خادم آن جا را ببین، صد تومان، دویست تومان، بلکه سیصد تومان به او بدهید که او قندیل را بیاورد تماشا کنیم. فوراً ملتفت شد که نزد بنده خوب حرفی نزد، برخاسته به عنوان آوردن سیگارت سر تاقچه رفته برگشته گفت من که پول به او نخواهم داد بگو هزار تومان می‌دهم. بعد معلوم شد خودش چهارصد تومان به خادم وعده داده بود و چون در آخر ایام وبایی بود و به واسطه وحشتی که مردم داشتند روزها اغلب یهود در آن جا معتكف بوده، دعا می‌خواندند، فرصت به دست نیاورده بود.

البته این قندیل بعداً به وسیله دیگران به سرقت رفت. ■

^۱ - دهی است جزو دهستان شرقی بخش اوج قزوین.

قدردانی رئیس هیئت مدیره موسسه خیریه بهداشتی درمانی استان تهران
از هارون یشایایی رئیس هیئت مدیره کانون خیرخواه «بیمارستان دکتر سپهر»

هواشانی

در دلم نهفته به زبانی مدعی باشد که از غزالی بهیم دو اکنند

عزیز ارجمند و منزه از ذممه جناب آقای هارون یشایایی

شیرین ترین هدیه الهی به انسان جان آدمی و شیرین ترین خدمت به بشر حیات از سلامت جامع است. جهان تشنه کمال در غوغای سرسام آور مصرف و تولید و اسارت ماشینی هر روز بیشتر از قبل نیازمند یکی و محبت و معنویت است و نیاز در دامن دانه به رعایت اخلاق و مکتب کزاری توسط پاسداران سلامت و عافیت بیش از هر چیز دیگر چشمگیر و درخور توجه است. اگر شفقت و مهربانی انسانهای وارسته و نیکو خصال با محارقاتی مرقدای و غنای طبیبان بومین در آمیزد و بکین آلام در دامن دانه و آرامش خانواده آنان و رضایت خالق مهربان را به ارمغان می آورد. سه مایه کزاری عزیزان در آشنایی چون شما همیشه واسطه و رازدار در جدال و پیکار مملکت و زندگی انسانهای معنی تمام وجود هستی و زوال و نابودی و ابدیتی از فیض و شرمی باشد و عظمت و بزرگی این اندیشه شکرگرفته در آیه شریفه: «وَمِنْ أَحْيَاءِ النَّاسِ أَحْيَاءٌ لِّمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ» به نوری رسد اینک در این برده حساس با دلکش شعله ایطوس از جان بیداران نیازمند و با کمال فروتنی و تقف در حضور حضرت تعالی را بعنوان یکی از حامیان کریم و ارجمند این امر به حساب آورده و انتظار دارم بایمده توان و محنت با سایر دوستان و نوآموزان بکنگر ما را در توسعه خیریه بهداشتی درمانی استان تهران مدد رسان باشید.

سید عبدالمهدی آل طهمه (موسوی)
رئیس هیات مدیره

خشم صهیونیست‌های افراطی از فیلم تازه «استیون اسپیلبرک» و حکایت فیلم دیگر این کارگردان «لیست شنیدلر»



اخیراً فیلم‌ساز مشهور
یهودی هالیوود «استیون
اسپیلبرک» فیلمی به نام
«مونیکار» کارگردانی کرده
است که نمایش آن با
اعتراض شدید محافل افراطی
صهیونیست‌ها مواجه شده
است.

این فیلم درباره
عکس‌العمل محافل

صهیونیستی در اقدام به ربودن افراد فلسطینی است که در جریان
مسابقات المپیک سال ۱۹۷۶ مونیک و ورزشکاران اسرائیلی را ربوده و
به قتل رساندند.

«اسپیلبرک» در این فیلم به شیوه انتقام‌جویانه سازمان‌های امنیتی
اسرائیل اعتراض می‌کند و آن را خارج از عرف حقوقی و رعایت
حقوق بشر می‌داند.

صهیونیست‌ها افراطی این فیلم را ضدیهودی می‌دانند و البته
محافل ضدصهیونیستی و بی‌طرف دیدگاه اسپیلبرک را تحسین
می‌کنند ولی خانم «ندریا پایزر» سرمقاله‌نویس مشهور روزنامه
نیویورک پست می‌نویسد «این فیلم بیشتر به مسئله ترور فلسطینی‌ها
به دست اسرائیل پرداخته تا به گروگان‌گیری و قتل ورزشکاران
اسرائیلی در مونیک» و اضافه کرده است که «من شخصاً به عنوان
یهودی احساس کردم این فیلم توهین به یهودیان است».

جالب است یادآور شویم که در سال‌های گذشته اسپیلبرک
فیلمی به نام «لیست شنیدلر» ساخت که فجایع نازی‌ها را در
بازداشتگاه‌های هیتلری به تصویر کشیده بود در آن هنگام محافل
ضد اسرائیلی و ضدیهودی اسپیلبرک را به باد انتقاد گرفتند که
نوکر صهیونیست‌ها است و از آنها پول گرفته و هزار جور اتهام
دیگر را به طرف این کارگردان انسان‌دوست روانه ساختند.

ولی اسپیلبرک در جواب همه این انتقادها گفته است «من ظلم
را محکوم می‌کنم چه نازی‌های هیتلری و فاشیست‌ها علیه مردم
یهودی و یا دیگران انجام داده باشند و چه مأمورین اسرائیل بر
فلسطینی‌ها اعمال کنند».

سانحه دردناک سقوط هواپیما C ۱۳۰

در آذرماه امسال سانحه سقوط هواپیمای
C ۱۳۰ بر روی کوی مسکونی توحید
متأسفانه منجر به قربانی شدن بیش از صد
نفر از خبرنگاران و پرسنل نظامی و
ساکنان محل گردید.

این واقعه دردناک موجب تأسف و تأثر
عمومی هموطنان و مردم جهان شد. بعد از
وقوع این حادثه بلافاصله مسئولین مربوطه
رسیدگی و مشخص نمودن علل این حادثه را
آغاز کردند. نتیجه هر چه باشد از ابعاد حادثه
چیزی کم نمی‌کند و ملت ایران در فقدان
بهترین فرزندان خود داغ‌دیده است.

با این همه امیدواریم نتیجه رسیدگی‌ها منجر
به این شود که این گونه وقایع تکرار نشود و
کارها با دقت بیشتری انجام گیرد. ■

نامه‌های شما رسید



در مقدمه این داستان یادآور شده بودیم هدف از چاپ داستان این است که علاقمندان با شیوه داستان‌نویسی آشنا شوند و امیدواریم جوانان ما با توجه به غنای ادبیات فارسی و آشنایی سنتی کلیمیان ایران با گنجینه فرهنگ ایرانی بتوانند داستان‌های بهتری برای چاپ در نشریه بینا ارسال نمایند. ■

بی آن که ۴ صفحه از نشریه را به چاپ کل داستان اختصاص داد. علاوه بر این، این داستان هیچ هماهنگی‌ای با خط و مشی بینا ندارد.

سردبیر محترم، آیا بهتر نبود که این ۴ صفحه از بینا به چاپ داستانی از همان نویسندگان جوان مدنظر بینا اختصاص می‌یافت؟ چرا که داستان‌هایی از نویسندگانی چون هدایت، آن قدر در کتاب‌های مختلف تجدید چاپ شده‌اند که کمتر نشریه‌ای اقدام به چاپ کل این داستان‌ها می‌کند و به جای آن به بررسی و نقد آنها می‌پردازند.

البته در پایان‌نامه‌ام باید این نکته را یادآور شوم که خوانندگان زیادی - و البته نه آن دسته از جوانان مورد خطاب نشریه - از چاپ این داستان استقبال کرده و از خواندن آن لذت برده‌اند. امید است که این نامه موجب رنجش یا دلسری زحمت‌کشان بینا نگردد و با تلاش روزافزون همگی دوستان این نشریه، بینا گامی باشد برای افزایش بینایی مخاطبان و دوستدارانش.

با سپاس - سارا حی

جناب آقای محمد خویشتن‌دار نامه شما رسید. امیدواریم بتوانیم در شماره‌ای آینده نیز همچنان رضایت خاطر شما را فراهم آوریم.

نامه‌ای از یک دوست:

غرض از نوشتن این نامه، انتقاد از سیر نزولی بینا نیست بلکه هدفم پرسشی است درباره چاپ داستانی با عنوان «دون ژوان کرج» از صادق هدایت در شماره ۲۷ این نشریه، برای من جای تعجب و سؤال دارد که این داستان - که البته بسیار چارچوب‌دار و محکم است - درست در وسط ارگان انجمن کلیمیان تهران چه می‌کند. هر چند که در مقدمه کوتاه قبل از آن آورده شده که هدف از چاپ این داستان، آوردن نمونه و الگویی برای نویسندگان جوان همکیش است اما به نظر می‌رسد که می‌شد با نگارش مقاله‌ای کوتاه‌تر درباره داستان‌نویسی آن دسته از جوانان تازه قلم - که خودم نیز جزیی از آنها هستم - را به خواندن این داستان از صادق هدایت تشویق کرد

تشکر از مدرسه روحی‌شاد

مسئولین محترم، جناب آقای ایوبی، جناب آقای پورمحمدی، انجمن اولیاء و مربیان مدرسه روحی‌شاد از این که طی مراسمی به پاس ۴۶ سال خدمت فرهنگی و اجتماعی و بازنشست شدن اینجانب توسط «لوح تقدیر» و هدیه مرا مورد لطف و تفقد قرار داده‌اید کمال تشکر را دارم.

رحمن دلرحیم

دی ماه ۱۳۸۴



بچه‌ها سلام שלום ילדים

داستان هارامبام و مرد نایینا

دل آرام در صبح

در دربار سلطان در قاهره چند پزشک طبابت می‌کردند. هارامبام از همگی آنها عالم‌تر بود و سلطان به او زیاد احترام می‌گذاشت. پزشکان دیگر به او حسادت می‌کردند و نزد سلطان از او بدگویی می‌کردند.

سلطان سفنان آن پزشکان را شنید و به آن‌ها گفت: شما می‌گویید که در علم طب از هارامبام جلوتر هستید؟ شما باید به وسیله‌ای این ادعایتان را ثابت کنید تا من بدانم که راست می‌گویید.

فردای آن روز پزشکان مردی را به حضور سلطان آوردند و گفتند:

این مرد کور به دنیا آمده است. ما می‌توانیم پشمان او را بینا کنیم تا وی همه چیز را به خوبی ببیند.

هارامبام گفت:

چنین کاری غیرممکن است. یک کور مادرزاد هرگز نخواهد توانست چیزی را ببیند.

پزشکان گفتند: با وجود این ما می‌توانیم چنین معجزه‌ای را انجام دهیم...

یکی از آن پزشکان به آن مرد کور نزدیک شد و مرهمی بر پشمان وی نهاد. چند لحظه گذشت و آن مرد پشمانش را باز کرد و با خوشحالی فریاد زد: «من می‌بینم! من می‌بینم!».

در آن لحظه هارامبام به آن مرد کور نزدیک شد؟ دستمال قرمزی را جلوی پشمان او گرفت و از وی پرسید: آیا می‌توانی به من بگویی این دستمال چه رنگی است؟

البته، این دستمال قرمز است.

هارامبام رو به سلطان کرد و گفت: این پزشکان دروغ می‌گویند این مرد کور به دنیا نیامده است. زیرا یک کور مادرزاد نمی‌تواند به محض این که بینا شود رنگ‌ها را بشناسد.

از آن روز به بعد سلطان هارامبام را خیلی بیشتر از قبل احترام می‌گذاشت.



اورلی شلمو



آرش هاسید

معرفی مجموعه کتاب‌های:

علوم ترسناک

اگر دوست دارید با چند کتاب علمی و جذاب که پر از تصاویر جالب است، آشنا شوید، حتما ادامه این مطلب را بتوانید. به تازگی نشر پدایش، یک سری کتاب‌های علمی که نویسنده آنها «نیک آرتولد» را به چاپ رسانده.

این کتاب‌ها که موضوعات مختلفی دارند، مثل بقیه کتاب‌های علمی نیستند که با یک لحن خیلی رسمی و جدی و با کلمات قلمبه سلمبه، موضوع را توضیح بدهند. بلکه این کتاب‌ها با نگارشی نوجوان‌پسندانه، نوشته شده‌اند، گفتگوها، اخبار، پرسش‌ها و تصاویر کتاب، بر جذابیت آن افزوده است.

این کتاب‌ها که مجموعه علوم ترسناک نامیده شده، شامل این موارد هستند: نورهای ترسناک، صداهای ترسناک، فسیل‌های اسرارآمیز، هیولاهای میکروسکوپی، هرج و مرج شیمیایی، زشت‌های زیبا، طبیعت ترسناک، شگفتی‌های بدن و شوک الکتریسته.

برای تهیه این کتاب‌ها،

هم می‌توانید با خرج کردن

مبلغ ۲۲۰۰ تومان، یک جلد از آنها را

تهیه کنید و هم می‌توانید که تعدادی

از آنها را از کتابخانه مرکزی

انجمن کلیمیان به امانت بگیرید.



صدای زنگ مدرسه

اکنون که صدای زنگ مدرسه، آهسته آهسته به گوش می‌رسد، فوشالام که دوباره دوستان عزیز و همکلاسی‌های قدیمی‌ام را می‌بینم. پس فدایا به من کمک کن تا سال تحصیلی جدید را با موفقیت و نمره‌های بالا بگذرانم.

شعاب نیسانی



دریای آبی

ای دریای آبی
تو هستی عالی
وقتی به تو می‌اندریشم
یاد آسمان می‌افتم
ای دریای آبی
زیبایی، زیبایی
مثل گل آبی همیشه در دل مایی
مثل یک کوهرفشانی

رایان اهروت

پوزش:

در شماره ۲۷، نوشته‌ای با عنوان «من در جهانی زندگی می‌کنم که بسیار زیباست» چاپ شده بود که نویسنده آن، دوست فویمان داوید رفوا است که اشتباهاً با اسم اهروت چاپ شده بود.

در همین شماره، در فبری با عنوان «نشست کودکان یهودی در دفتر افق بینا» اسم دوست عزیزمان، سینا هاسید با افتاده بود که او معذرت‌خواهی می‌کنیم.

در شماره ۲۶، مقاله‌ای با عنوان «عید شاوووت» از دلارام دلریم چاپ شده بود که در سطر اول آن ۳۳۱۷۱ سال قبل، صحیح است.

عبری بیاموزیم بخش بیست و هشتم



رحمن دلرجیم

عبری بیاموزیم

האותיות העבריות מתחלקות לחמש קבוצות: حروف עبری (از نظر تلفظ) به پنج دسته تقسیم میشوند:

- ۱) אותיות גרניות (حروف حلقی) = א - ה - ח - ע (א - ה - ח - ע)
- ۲) אותיות לשוניות (حروف زبانی) = ד - ל - ט - נ - ת (ד - ל - ט - נ - ת)
- ۳) אותיות שפתיות (حروف لبی) = ב - ו - מ - פ (ב - ו - מ - פ)
- ۴) אותיות שניות (حروف دندانی) = ז - ס - צ - ר - ש (ז - ס - צ - ر - ש)
- ۵) אותיות חביות (حروف کامی یا سقی) = ג - י - פ - ק (ג - י - פ - ק)

”ו“ החבור ואو ربط

الف) حرف ”ו“ به معنی ”و“ در اول کلمه نوشته میشود و اصولاً علامت آن ”ו“ است مثل: בית ושדה (خانه و صحرا) آنز وشمس (زمین و آسمان) مثال:

אב הרחמן תן בנו פח ובריאות וזפנו להתרחק מתאות תענוגי והכלי העולם הזה.

ای پدر رحمان به ما نیرو و سلامتی بده و ما را موفق گردان تا از هوسها و لذات پوچ این دنیا دوری کنیم.

המורה אמר: אם תרצו ללמד בהצלחה שעורים רבים אתם צריכים להקשיב היטב לדברי המורה

ותכתבו תרגילים שונים ולא להחמיץ את ההזדמנות. והצלחה תלויה בהתמדה.

معلم گفت: اگر میخواهید با موفقیت درسهای زیادی بیاموزید شما بایستی به حرفهای معلم به خوبی گوش کنید و تمرینات مختلف بنویسید و فرصت را از دست ندهید. و لازمه موفقیت پشت کار است.

ب) هرگاه کلمه مربوط با یکی از حروفی که از لب تلفظ میشود (ב-ו-מ-פ) و یا - شروع شده باشد حرکت ”ו“ به ”י“ تبدیل میشود مثل: גן ובית (باغ و خانه). חדש וחתیک (جدید و قدیم). נוד ומשה (داوید و موسی). ימים ופנים (دست و صورت) קרא וכתב (بخوان و بنویس) مثال:

ה” ישמר צאתך ובואך מעתה ועד עולם.

خد-اوند نگهدار خروجت و ورودت باشد از حالا تا ابد.

אמר רפאל לדוד ומרים (חתן ופלה) אני מאחל לכם חיים טובים אשר ועשר ובנים צדיקים וחכמים.

رفائل به داوید و میریام (داماد و عروس) گفت: من برای شما زندگی خوب، سعادت و ثروت و فرزندان درستکار و عاقل آرزو میکنم.

ج) در صورتیکه کلمه با حرفی شروع شود که حرکت - یا - یا - داشته باشد، و او ربط با حرف اول کلمه هم صدا میشود. مثل: חונה ועבודה (تورات و عبادت یا کار). קח ואכל (بگیر و بخور) מטוס ואניה (هواپیما و کشتی) مثال:

וזכרתם את כל מצות ה” ועשייתם אתם ולא תחורו

و بیاد بیاورید تمام فرامین الهی را و آنها را انجام دهید تا منحرف نشوید

אמרו נוד ומרים לרפאל: מודים לך מקרב לב על האחולים שלך ואנחנו מקוים להשתתף בקרוב

בחגיגת חתונתך.

داوید و میریام به رفائل گفتند: ما از تبریکات تو از صمیم قلب تشکر می کنیم و ما امیدواریم که بزودی در جشن عروسی تو شرکت کنیم.

د) هرگاه کلمه ای یا اسمی با حرف "י" شروع شده باشد "י" ربط تبدیل به "י" میشود. مثل: שָׁהָ וַיהוָה (سارا و یهودا). יְלָדִים וַיְלָדוּת (پسر بچه ها و دختر بچه ها) در این صورت حرکت حرف "י" حذف و حرف "י" غیر ملفوظ میشود. مثال:

לַמַּעַן יִרְבוּ יְמֵיכֶם וְיָמֵי בְנֵיכֶם
تا اینکه عمر شما و عمر فرزندانتان زیاد شود.....
וְאֵבֶן שְׁמֵעוֹן לִוי וַיהוָה.
رتوبن، شیمعون، لوی و یهودا

هـ) در کتب مقدس گاهی "ו" הפוך (واو تبدیل کننده) بر سر فعل آینده می آید و زمان آن فعل را به گذشته تبدیل میکند مثل: יָלַד (خواهد رفت) - יָלַד (رفت) - יָלַד (سختن خواهد گفت) - יָלַד (سختن گفت) و همینطور گاهی "י" بر سر فعل گذشته می آید و زمان آن فعل را آینده می کند مثل: יָלַד (سختن گفت) - יָלַד (سختن خواهد گفت) - יָלַד (بود) - יָלַד (خواهد بود) مثال:

וַיֵּצֵא יַעֲקֹב מִבְּאֵר שָׁבַע וַיְלַךְ חֲרָנָה יַעֲקֹב از بئر شوع خارج شد و به حاران رفت.
וַיִּנְתְּחִי עֶשָׂב בְּשָׂדֵךְ לְבַהֲמֹתָי וְאֶכְלָתָי וְשָׂבַעְתִּי בָרֵאשִׁית הַבְּרָאשִׁית בְּיָמַי בְּאֶרֶץ מִצְרָיִם
وینتھی عصب بشارد لباهامتای واکلتای وصابعتی برایش چارپایان در صحرای تو علوفه خواهم داد بخوری و سیر شوی.

מילים קשורות لغات مشکل

חבור	חיבור	ارتباط - انشاء	התמדה	هتמادا	استقامت - پشتکار
כח	کونج	نیرو - اقتدار	אשר	أشیر	خوشی - سعادت
זכנו	زکنو	موفق گردان ما را	עשר	عشر	ثروت - فراوانی
רחוק	راخوق	دور - بعید	מטוס	ماطوس	هواپیما
תאנה	تاوا	هوس - مراد شهوت	אניה	أنی یا	کشتی
תענוג	تغنوک	لذت - خوشی - عیش	אחול	ایحول	تبریک - دعای خیر
הכל	هول	چیز بوج	מקרב לב	میقرو لو	از صمیم قلب - ز ته دل
היטב	هطو	بخوبی - (کاملاً)	חתן	حاتان	داماد - قهرمان
שונה	شونه	متفاوت - مختلف	פלח	کلا	عروس
התמצה	هتמצا	فرصت از دست دادن	מודים	مودیم	تشکر می کنیم
הקשכה	هقشاوا	توجه - گوش دادن	הגינה	خگیگا	جشن - تشریفات
הצלחה	هצלحا	موفقیت - خوشبختی	עשב	عسو	گیاه - علف - سبزی
תלוי	تالوی	وابسته - مربوط - معلق	שדה	ساده	صحرا - مزرعه
ותיק	واتیق	قدیم	בהמה	بهما	حیوان اهلی - بهائم
הזדמנות	هیزدمنوت	موقعیت - فرصت	עתה	عنا	حالا

پوزش:

در شماره قبل عبری بیاموزیم (بینا ۲۷) لغات زیر بدین شکل تصحیح میگردد:

سطر ۴: מודים سطر ۱۵: לאנשי و در لغات جدید אזור

و تیر مقاله شالم علیخم عبری آن یلیکم صحیح می باشد.

گیمتریة حساب حروف ابجد

حروف عبری نام و تلفظ و شماره عددی آنها از این قرار است:

حروف چایی عبری	א	ב	ב	ג	ד	ה	ו	ז	ח	ט	י	כ	כ	ל
برابر حروف فارسی	ا	ب	و	گ	د	هـ	و	ز	ح	ط	ی	ک	خ	ل
نام حروف	آلف	بِت	وِت	گِیل	دالِت	هـ	واو	زَیین	حِت	طِت	یود	کاف	خاف	لامد
اعداد ابجد	۱	۲	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۲۰	۲۰	۳۰

حروف چایی عبری	מ	ם	נ	ן	ס	ע	פ	פ	ף	צ	ץ	ק	ר	ש	ש	ת
برابر حروف فارسی	م	م	ن	ن	س	ع	پ	ف	ف	ص	ص	ق	ر	ش	ش	ت
نام حروف	میم	میم	نون	نون	سامِخ	عَیین	پ	ف	ف	صدی	صدی	قوف	رش	شین	سین	تاو
اعداد ابجد	۴۰	۴۰	۵۰	۵۰	۶۰	۷۰	۸۰	۸۰	۸۰	۹۰	۹۰	۱۰۰	۲۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۴۰۰

تذکر: به احترام نام خد-اوند (י-ה-ו-ה) استثنائاً شماره ۱۵ را به جای (י-ה) ۱۶ و شماره ۱۶ را نیز به جای (י-ה) ۱۵ نوشته می‌شود.

۱۱ = י'א	۱۷ = י'ז	۹۹ = צ'ט	۹۰۰ = תתק'
۱۲ = י'ב	۱۸ = י'ח	۳۹۸ = שצח'	۱۰۰۰ = א'
۱۳ = י'ג	۱۹ = י'ט	۵۰۰ = תק'	۲۰۰۰ = ב'
۱۴ = י'ד	۲۱ = כ'א	۶۰۰ = תר'	۳۰۰۰ = ג'.....
۱۵ = ט'ו	۲۲ = כ'ב	۷۰۰ = תש'	۵۷۶۶ = ה'תשסו = تاریخ عبری
۱۶ = ט'ז	۲۳ = כ'ג	۸۰۰ = תת'	۱۳۸۴ = א'שפד = تاریخ فارسی

مثال: אנג'מן = ۱۴۴ (۱۴۴ = ۱+۵۰+۳+۴۰+۵۰)

אהרן = ۲۵۶ (۲۵۶ = ۱+۵+۲۰۰+۵۰)

רחמן = ۲۹۸ (۲۹۸ = ۲۰۰+۸+۴۰+۵۰)

تبصره: حروفی که در زبان عبری وجود ندارد طبق قرارداد، حروف و شماره عددی آنها بدین صورت می‌باشد.

حروف عبری	ט'	ג'	ד'	ז'	ח'	צ'	ג' یا (צ')	ת
برابر حروف فارسی	ظ	ج	ذ	ژ	غ	ض	چ	ث
اعداد ابجد	۹	۳	۴	۷	۳ یا (۷۰)	۹۰	۳ یا (۹۰)	۴۰۰

همکاران انجمن کلیمیان تهران در نهادهای مختلف



همکاران دبیرخانه، کتابخانه، مرکز کامپیوتر



گروهی از پزشکان و کارکنان بیمارستان دکتر سپهر



هیئت امنا، سرای سالمندان یهود



همکاران مهد کودک یلدا (۲)



همکاران مهد کودک یلدا (۱)

OFEGH BINA

Cultural, Social and News magazine of
TEHRAN JEWISH COMMITTEE

Vol. 7 , No. 28 , January 2006

اعضای هیئت مدیره انجمن کلیمیان تهران در دوره اخیر



ایستاده از راست: کاوه دانیالی . پرویز شب بوئی . پرویز گرامی . حمیده مسجدی

بیژن آصف . اسکندر میکائیل . فریدون طوبی

نشسته از راست: فیض ا... ساکت خو . اسحق کهن صدق . هارون یشایایی

آقاجان شادی . سعید کامیار . منوچهر عمرانی